

# مجموعه مصنفات

## حکیم موسی آقا علی مدرس طهرانی

جلد اول:  
تعلیقات اشار

معذیر نظم، صحیح و تحقیق  
حسن کدیور



النشرات اطلاعات  
تهران - ۱۳۷۸

کدیور، محسن - ۱۳۳۸ -  
مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی  
(۱۲۳۴-۱۲۳۴) / مقدمه، ترتیب، تصحیح و تحقیق محسن کدیور -  
تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.

۲ ج: عکس.  
مندرجات. ج ۱. تعلیقات استار. ج ۲. رسائل عربی و تعلیقات فلسفی.  
ج ۳. رسائل فارسی، تقریبات، قطعات، تعلیقات نقایه، تقریرات و مناظرات.  
کتابنامه.

۱. فلسفه اسلامی، ۲. زنوی، علی بن عبدالله، ۱۲۲۴-۱۲۰۷ -  
سرگذشتname. الف. عنوان.

۱۸۹۱  
۴۱۵م

B  
کتابخانه مؤسسه اطلاعات



کدیور، محسن  
مجموعه مصنفات حکیم موسی آقا علی مدرس طهرانی  
جلد اول: تعلیقات استار  
جاب اول: ۱۳۷۸  
تعداد: ۳۱۵۰ نسخه  
حروفچینی، جاپ و صحافی؛ مؤسسه اطلاعات  
دست حقوق محفوظ است

شامل ۸ - ۴۱۳ - ۴۲۳ - ۹۶۴ (جلد ۱)  
ISBN 964 - 423 - 413 - 8 (vol. 1)  
شامل X - ۴۱۲ - ۴۲۳ - ۹۶۴ (دوره ۳ جلدی)  
ISBN 964 - 423 - 412 - X (3 vol. set)

۶۰	بخش سوم: آثار فلمی حکیم مؤسس
۶۰	۱. آثار آقایلی به گزارش خود و دیگران
۶۱	۲. آثار منتشر شده حکیم الهی
۶۳	۳. آثار بجامانده از آقایلی بدخط خود وی
۶۴	۴. دیگر مخطوطات آثار آقایلی مدرس
۶۵	۵. آثار مفقوده آقایلی
۶۷	۶. آثاری که انتسابشان به آقایلی احراز نند
۶۹	۷. دسته بندی آثار حکیم مؤسس
۷۶	۸. منابع آثار آقایلی
۷۸	۹. شیوه گزارش مدرس طهرانی
۷۹	۱۰. ادبیات آقایلی
۷۹	بخش چهارم: مجموعه مصنفات حکیم مؤسس
۸۰	۱. چرا آقایلی مدرس طهرانی؟
۸۱	۲. گستره تحقیقی
۸۲	۳. محدودیتهای تحقیق
۸۳	۴. نحوه تقسیم آثار آقایلی در مجلدات مجموعه مصنفات
۸۴	۵. کارهای انجام گرفته بر مجموعه مصنفات حکیم مؤسس
مقدمه جلد اول	
۸۹	۱. اسفار صدر المتألهین
۹۰	۲. حواشی و تعلیقات اسفرار
۹۳	۳. مقایسه حواشی اسفرار حکیم سبزواری و تعلیقات اسفرار حکیم طهرانی
۹۶	۴. معرفی تعلیقات الاسفار حکیم مؤسس
۹۸	۵. مشخصات نسخ خطی تعلیقات اسفرار آقایلی
۱۰۸	۶. آیا بین تعلیقات همه تعلیقات آقایلی بر اسفرار است؟
۱۱۰	۷. کارهای انجام گرفته در تعلیقات الاسفار حکیم مؤسس
۱۱۲	۸. دسته بندی تعلیقات حکیم مؤسس بر اسفرار

## فهرست تقدیلی مطالب

### مقدمه مجموعه مصنفات

بخش اول: تکاہی به فلسفه اسلامی از آغاز تابعه قرن سیزدهم

۱. فلسفه اسلامی از آغاز قرن دهم

۲. صدر المتألهین و حکمت متعالیه

۳. حکمت متعالیه پس از صدر المتألهین تامل‌العلی نوری

۴. حکمت متعالیه در عصر شاگردان ملامعلی نوری

۵. نام، شهرت و مولد

۶. خاندان حکیم مؤسس

۷. تحصیلات و اساتید آقایلی مدرس

۸. تدریس و شاگردان استاد الاستاذ

۹. اخلاق و منش آقایلی

۱۰. حکماء معاصر مدرس طهرانی

۱۱. دیگر معاصران آقایلی

۱۲. وفات حکیم مؤسس

۱۳. انتیازات اندیشه و لسفی آقایلی مدرس

فہرست اجمالی

١٣	مقدمة في مجموعه
٨٩	مقدمة في مجلد اول
	<b>تعليقات الاصفار</b>
١١٧	تعليقات المقدمة
١١٩	تعليقات السفر الاول في الوجود واحكامه
٢٥٧	تعليقات السفر الثاني في الجوادر والاعراض
٢٦٣	تعليقات السفر الثالث في العالم الالهي
٥٨٣	تعليقات السفر الرابع في علم النفس واحوال الآخرة
٧٢١	نمايدها



این مقدمه شامل چهار بخش است در بخش اول فلسفه اسلامی از آغاز تا پایان قرن سیزدهم موربد بحث اجمالی قرار می‌گیرد در بخش دوم به گزارش احوال حکیم مؤسسه برداخته این بخش شوّع عهده دار توصیف آثار استاد الاستاذ است و بالآخره در بخش چهارم از مختصات مجموعه مصنفات آقائی، کارهای انجام گرفته و نیز مجددیت‌های آن سخن خواهیم گفت.

**بخش اول: نگاهی کنار به فلسفه اسلامی از آغاز تا نیمه قرن سیزدهم**

در این بخش ابتدا سیر فلسفه اسلامی از ابتدای تاریخ دهم را به اجمال موردنظر مطابقه قرار می‌دهیم. سپس از صدرالمتألهین و حکمت متعالیه سخن خواهیم گفت، بعد از آن به سیر حکمت متعالیه پس از صدرالمتألهین تا ملاعنه نوری پرداخته و در انتها با طبقه حکمای شاگردان ملاعنه نوری آشنا خواهیم شد.

### ۱. فلسفه اسلامی از آغاز تاریخ دهم

فلسفه اسلامی از یک سو بارشدهای ستر عقلانی تعالیم اسلامی بکه در قالب

مباحث اعتقدای و کلامی از قرن اول در گرفته بود. و از سوی دیگر با ترجمه آثار فلسفی از یونانی و سریانی به زبان عربی بویژه معلومی از رسائل افلاطون، قریب به اتفاق کتب ارسسطو و بسیاری از شرحهای اسکندرانی افلاطون و ارسسطو<sup>۱</sup>، پانخستین نگارش‌های مستقل فلسفی ابویوسف بعقوب بن اسحاق کنده<sup>۲</sup> (۱۸۵-۲۵۲) آغاز شد.<sup>۳</sup> با ابونصر محمد فارابی (۲۵۷-۳۳۹) فلسفه مشاء‌اسلامی بنیاد گذاشتند. این سنت قوی فلسفی باشیخ الرئیس ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰) به اوج خود رسید. در فلسفه مشاء‌اسلامی علاوه بر این که امور عالمه از نظری و نسق تازه‌ای برخوردار شدو تعمیق یافت، او لآتمالات تازه‌ای در مباحث وجود و ماهیت، بحث علیّت و بحث قدم و حدوث ارائه شد، تاپیا در فن ریوبیات و مبحث الهیات بالمعنى الاندیشه بر اساس تعالیم اسلامی، مبانی جدید و سائل ابتکاری فراوانی عرضه شد. فارغ از فلسفه مشائی که در امور عالمه سنت لرسطوبی و نوافلاطونی متمایل است، جریان دیگری از قرن سوم به بعد در بین فلاسفه اسلامی نضج گرفت که تقدروش لرسطوبی بود و به افلاطون گرایش داشت. تمدن‌ترین فلاسفه این جریان، محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳)، ابوالبرکات بغدادی (قرن ششم) و فخر الدین رازی (۵۳۴-۶۰۶) هستند. این گروه از فلاسفه با اتقادات، مناقشات و ابرادات خود به تقویت بنیة‌فلسفی کمک کردند. اما شهاب الدین یحیی سهروردی (۵۴۹-۵۸۷) علاوه بر اتقادات مبنایی به سنت لرسطوبی سینایی کوشید تا بالاهم از اندیشه‌فلسفی ایران باستان، ظایمی تو در فلسفه در اندازد. فلسفه اشرافی در زمینه ماهیت، تشکیک، نفس، عقول عرضیه، علم و علم باری مسائل تازه‌ای در فلسفه اسلامی مطرح کرد، هر چند تو ان هم‌اور دی باستن دیرپایی مشایر را یافت. اقدم تاریخی خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲) در امتزاج کلام و فلسفه در

۱. برای آشنایی با این دو چون ترجمه فلسفه‌بیانی و چگوگویی انتقال آن به جهان اسلام برجوع کنید به: «مقاله» تقویم عام تحقیق التراث الیونانی المترجم الی العربیه» در کتاب «الدراسات و تصویص فی الفلسفة والعلوم عند العرب» نوشته عبدالرحمٰن بلوی (بیروت، ۱۹۸۱)؛ و سه مقاله «تراث الارابی فی الشرق والغرب»، نوشته کارل هینز بکر، «من الاسکندریہ الی بغداد» نوشته ماکس مایر ھوف و «تراث الارسالیہ الی ابن المقفع» نوشته بیل کروس در کتاب «التراث الیونانی فی الحضارة الاسلامیة» با شرح و ترجمه عبدالرحمٰن بلوی (بیروت، ۱۹۸۰)، بباب چهارم.

۲. برای آشنایی با جایگا و آثار کنده رجوع کنید به مقاله «کتابت‌نامی توصیفی نوشتن حکم مسلمان» به قلم نگارده، در کتاب «دفتر عقل» (تهران، ۱۲۷۷).

تجربید، کلام اسلامی را منضبط‌تر کرد، اما به سیطره سنت متکلم فیلسوفانی از قبیل سید صدرالدین دشتکی (۸۲۸-۹۰۳) و جلال الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۸) در حواشی مکرر بر شروح تجربید حوزه شیراز اجمالی. مرکز حوزه فلسفی در قرن دهم از شیراز به اصفهان منتقل شد. شاخص ترین حکیم حوزه اصفهان میرداماد (۴۱-۹۶۹)، صاحب ابتکار در چند مسئله فلسفی با گرایشات اشرافی و نثری ثقیل است.

## ۲. صدرالمتألهین و حکمت متعالیه

محمدبن ابراهیم قوامی مشهور به صدرالمتألهین شیرازی (۹۷۹-۱۰۵۰) مؤسس حکمت متعالیه و یکی از چهار حکیم طراز اول جهان اسلام است. او باهضم حکمت مشاء و حکمت اشرافی در فلسفه خود و بهره گیری از عرفان نظری در پرتو تعالیم قرآنی و احادیث معمصومین<sup>(ع)</sup> توانست ظایمی تو در فلسفه اسلامی در اندازد، مسائل جدیدی ابتکار نماید، حوزه اندیشه‌فلسفی را توسعه داده بـر عمق و غنای آن پیغاید. صدرالمتألهین یک نقطعه عطف در اندیشه‌فلسفی، اندیشه‌عرفانی و اندیشه‌دینی اسلامی است. مقایسه مسائل مورد بحث در حکمت متعالیه و پاسخهای صدرا به آنها با مسائل و تقریرهای حکمت مشاء و اشرافی حاکی از ارتقای جدی اندیشه‌فلسفی است. تقریرهای جدیدی و تکمیل آراء شیخ‌الرئیس ابن سینا از یک سو و جبران تقاضی برهانی شیخ اشرافی سهروردی از سوی دیگر است. عرفان نظری که بامبایی ابتکاری محبی الدین ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸) وارد افق جدیدی شده بود، در قرن نهم پس از جامی (۸۱۷-۸۹۸) عمل‌آبدز کود گرایند. صدرالمتألهین با بهره گیری فراوان از عرفان محبی الدین اصول جدیدی به فلسفه افزود و عمل‌آوران و فلسفه را در حل معضلات و کشف مشکلات اندیشه‌سوز به باری هم خواند. اندیشه‌دینی که در کلام تجسید یافته بود، به نظر صدرالمتألهین در رساله‌هه اصل و غیر آن از تعالیم ناب قرآنی و نبوی و ولوی فاصله گرفته، در درک ظواهر شریعت خلاصه شده بود. ارباب حفظ ظاهر شریعت به باطن دیالت نقپ زد. ملاصدرا مدعی در کی جامعتر و همه، جانبه از قرآن و سنت است، تفسیر قرآن و شرح اصول کافی وی گامی در این مسیر است. سیر اب شدن صدرالمتألهین از چشمته‌های تعالیم اهل بیت<sup>(ع)</sup> بویژه کلمات امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> در

نهج البلاغه جلای تارهای به آراء این حکیم و عارف شیعی بخشیده است.

در حکمت تعالیه صدرا بی براستی «مسئله وجود» به عنوان مسئله محوری و بنیادی فلسفه مطرح شد و تماشی مسائل فلسفه حول این محور تنظیم شد. اصول چند حکمت تعالیه را می‌توان در چهار اصل ذیل خلاصه کرد:

اول: مسئله وجود، اصالت وجود وحدت تشکیکی آن.

دوم: حرکت جوهری یا صبر و روت سیلانی جهان طبیعی.

سوم: تلقی خاص از رابطه عالم و معلوم، علم وجود ذهنی.

چهارم: تلقی جدیدی از نفس، قوای نفسانی، تکوین و کمال آن و بالآخره معاد روحانی و جسمانی.

آراء چند حکم‌دان مبنی بر این مسئله می‌باشد:<sup>۱</sup>

است: اول مسئله که توسط او تکثیر برخان و تشیید رکان شده است. دوم مسئله که با حفظ عنوان توسط او تغییر محتوا بی و کلی پیدا کرده است. سوم: مسئله از منطق، طبیعت، کلام و عرفان که توسط او به صورت یک مسئله فلسفی مطرح شده است، چهارم: مسائل جدیدی که از اساس ابتکار و ابداع اوست.<sup>۲</sup>

از ملاصدرا پنجاه و دو کتاب و رساله بجامانده است.<sup>۳</sup> مهمترین کتاب حکم‌دانان «الحكمة المتعالية في الأسفار الأربع العقلية» است که حاوی یک دوره کامل فلسفه صدرا بی به شکل مبسوط و مفصل است. این دائرة المعارف بزرگ حکمت تعالیه در ضمن دیگر نگارشها در طول عمر شریف مصنف نوشته شده است. از دیگر آثار ملاصدرا الشواهد الروبية في المناهج السکوکیة، المشاعر، المبدى و المعاد، تعلیقات الهیات الشفا، تعلیقات شرح حکمة الاشراف و شرح الهدایة الائیریة قبل ذکر است.

۱. رجوع کنید به مقاله «اندیشه‌های جدید در لرزش فلسفی صدرالمتألهین» به محسن قلم در کتاب «دفتر عقل» (تهریل، ۱۳۷۷).

۲. رجوع کنید به مقاله «نگاهی اجمالی به سیز فلسفه در اسلام» در کتاب «مجموعه آثار استاد شهید مطهری»، جلد پنجم، (تهریل، ۱۳۷۶).

۳. برای آشنایی با چند و چون آثار صدرالمتألهین رجوع کنید به محسن پیذر، مقدمه تفسیر القرآن الکریم صدرالمتألهین، ج ۱، ص ۱۰۷، ۱۱۷.

### ۳. حکمت متعالیه پس از صدرالمتألهین تا ملاً علی نوری

قدر و متزلت آراء ملاصدرا و اهمیت حکمت متعالیه نه در زمان خود صدرالمتألهین شناخته شد<sup>۱</sup>، و نه تا یک قرن بعد، حتی غالب شاگردان مستقیم ملاصدرا را امنی توان از قائلان و شارحان حکمت متعالیه به حساب آورد<sup>۲</sup>، نخستین حکیمی که پس از یک قرن به حکمت متعالیه اقبال کرد میرزا محمد تقی الملکی (متوفی ۱۱۵۹) است، و پس از او شاگردش آقامحمد بیدآبادی (متوفی ۱۱۹۷) به ترویج آراء صدرالمتألهین پرداخت.<sup>۳</sup>

متاسفانه از این دو حکیم الهی و آثارشان اطلاع چندانی در دست نیست. اما بزرگترین مروج حکمت متعالیه ملاعلی بن چمشید نوری مازندرانی (متوفی ۱۲۴۶) شاگرد مرحوم بیدآبادی است. وی با افزون از نیم قرن تدریس در حوزه اصفهان عملاً

۱. بد عنوان نمونه نگاشته کنید به مقدمه سوزیال صدرالمتألهین بر اسفر (ج ۱، ص ۵ و ۶).

۲. «ولكن العروق كانت تمنع من المرأة، وعوادي الأيام تضرب دون يوغ الفرض بالاسداد، فاعتدى الإمام عن القيام، وحجبي النهر عن الانصال إلى المراة، لم يأربه من عادات النهر بتربيبة الجهة والآذال وعششة بيران البهالة والشلال، ورثاثة الحال وركادة الرجال وقد ابلينا بجماعة غاري لهم تعمش عيونهم عن ابوالحكمة وأسر لها، تكلّ بمساهم كابصار الخلفاني عن أضواها، المعرفة وآثارها، بروز التعمق في الأور الرأبة والتبرق في الآيات السمعانية بذلة، ومخالفتها فاعج جمادير الخلق من اليمجع العراغ شلاته وخدعة كائم الجنابة من كتب الحديث، البشانه عن تنزم الراجبو المسکن والتدمير والحدوث، لم يعتقد ظهرهم عن طور الأقسام ومساميرها و لم يبرر فكرهم عن هذه الهايكل المظلمة و دياجيرها فخرموا العاداتهم العلم والعرفان ورفضهم بالكلبة طريق الحكمة والبيان عن العلوم المقتنة الامامية والأشعر الشريفة الرأبة التي رمزت الابياء والروايات عليها وأشارت الحكاما والمرئاء البهاء، فاصبح الجهل بالتراثيات ظاهر آيات، فاعتمدو العلم وفضلة، واسترفاوا العرائى وأسلدو انتقامهم عن الحكماء، ومنوها معاذين ينفرؤن الطياع عن الحكماء ويطرقون العللاء العرتاء والاصفباء، وكل من كان في بحر الجهل و المحن اولج عن خباء المحتول والمتحول لسرج، كان الى لوح القبول والاقبال اوصل، و عند رباب الزمان اعلم و افضل، کم عالم ام لبع بالقمرع باب منی وجادل قبل قرع الباب قد اولج با.

و كفرو زیادهم قدم عزل من سلاح الفضل والسداد، عاریة منها بهم عن لباس المقل والرشاد، صدورهم عن حل الأذان اعطلوا، وجوههم عن سمات الخبر الغافل، فلم يأربهم الحال على هذا المثال من خلو الدبار عن عصر المهمش و علوم الاحرار، وأنه قد اندرس العالم ومساروه و انطمس الحق و اولوا، وضاعت السیر العادلة و شاعت الازاء الباطلة، ولقد اصبع ما في الجهل غافرة، و ظلت تجاره فالمهابي و آب وجوههم بعد اضمارها باسره و آلت مآل صفتهم خاتمة غarser، ضربت عن ابناء الزمان صفحاؤ طوبت عنهم کشحاء، فالجالی خمود الغلطنة و جمود الطبيعه لمعاده الزمان، و عدم معاذه الدوران، الى ان ازروت في بعض تواجهي الدبار واسترت بالحمل والانکار، منقطع الاعمال منكسر البال...»، وقصة همجان باقی است.

۳. از قبیل ملاعبدالزالق لاہیجی (پیاض) داماد ملاصدرا و صاحب شوارق الایام و کشف المراد و تریخ شیخ حسین تکابنی، آناعلی مدرس طهراوی به برخی از حوانی آنامحمد بیدآبادی بر اسفر در ضمن تعلیقاتش بر اسفر استناد کرد است.

حکمت متعالیه را به چریان غالب فلسفی در جهان اسلام تبدیل کرد، ملاعلی نوری آنچه نوشته پیرامون آثار ملاصدرا و در تحریر و توضیح مبانی او و دفع اعتراضات وارد بر ملاصدرا است، آثار منتشر شده‌واری عبارتند از:

#### ۱- تعلیقات الاسفار<sup>۱</sup>

#### ۲- تعلیقات تفسیر القرآن الکریم<sup>۲</sup>

#### ۳- تعلیقات شرح اصول الکافی<sup>۳</sup>

#### ۴- رساله‌فی تحقیق قاعدة بسیط الحقيقة<sup>۴</sup>

#### ۵- رساله‌فی وحدة الوجود<sup>۵</sup>

#### ۶- تعلیقات المشاعر<sup>۶</sup>

آثار منتشر شده ملاعلی نوری عبارتند از: ۱- تعلیقات الشواهد الربوبیة، ۲- تعلیقات العرشیة، ۳- تعلیقات اسرار الآیات، ۴- تعلیقات الشوارق، ۵- اجوبة السئوالات در مباحث روایی بدزبان فارسی، ۶- اجوبة ایرادات پادری نصرانی به نام حجت الاسلام، ۷- شرح حدیث امیر المؤمنین (ع)، ۸- ملاعلی نوری چندین دوره شاگرد تربیت کرد. برخی شاگردان وی حتی در زمان حیاتش عهده‌دار اداره حوزه‌های فلسفی و عرفانی بودند. در محضر او بیش از چهار صد نفر از طالبان حکمت متعالیه تربیت شدند.

۱- این تعلیقات مختصر بازمیان (ن) در حاشیه نخستین چاپ حروفی اسنار (تم ۱۳۸۷) چاپ شده است. این در ۱۰ جلدی اسنار بازهادر قم، تهران و پروت به طرق انت منشر شده است. آنعلی مدرس طهرانی در تعلیقات بر اسنار چندین بار به این حوشی ابتداء کرده است.

۲- این تعلیقات مختصر در انتهای مجلدات هفت گله تفسیر ملاصدرا با تصحیح محسن پیدارفرو و محمدخواجوی در تم منتشر شده است. (چاپ دوم، ۱۴۹۱).

۳- این تعلیقات مختصر همراه چاپ حروفی شرح اصول کانی ملاصدرا در تهران منتشر شده است. (تصحیح محمدخواجوی، ۴ جلد، ۱۳۶۶-۷۰ ه.ش.).

۴- این دورساله توسط استاد سید جلال الدین آشتیانی تصحیح و در مجلد چهارم کتاب منتخبانی از آثار حکمای الهی ابراز (تهران، ۱۳۵۷ ه.ش.) به ترتیب در صفحات ۵۴۵-۵۴۹-۵۴۸-۵۷۰ منتشر شده است.

۵- این تعلیقات مختصر در حاشیه مشاعر چاپ سنگی (خطبہ پیر زایدالکریم اصل طلبانی، تهران، ۱۳۱۵) چاپ شده، لسنه چاپ سنگی به ضمیمه ترجمه فارسی مشاعر توسط غلام محسن آهنی منتشر شده است (اصفهان، ۱۳۴۰، ۱۳۶۶ ه.ش.).

۶- منتخبانی از آثار حکمای الهی ایرانی، ج ۴، ص ۵۴۰.

۴- حکمت متعالیه در عصر شاگردان ملاعلی نوری همه اساتید حکمت متعالیه در قرن سیزدهم در حوزه‌های اصفهان، تهران، سبزوار و قزوین از شاگردان حکیم الهی ملاعلی نوری هستند. مادر این مجال به ده نفر از مهمترین درس آموختگان محضر حکیم نوری اشاره می‌کنیم:

۱- ملام محمد اسماعیل بن محمد سمعی و احمد العین درب کوشکی اصفهانی، از شاگردان دوره اول ملاعلی نوری بوده، اما برخلاف استادش عمر طولانی نکرده و حوالی ۱۲۴۲ بدر حمایت خدار فتادست.<sup>۱</sup> بسیار خوش‌بیان و خوش تقریر بوده، بسیاری از طلاب فاضل فلسفه درس اور ابر درس استادش حکیم نوری ترجیح می‌داده‌اند و حتی در زمان حیات ملاعلی به درس ملا اسماعیل می‌رفته‌اند. بدرویزه که ملاعلی در او اخر عمر به واسطه پاره‌ای ملاحظات بسیار محتاط شده بود، اما ملا اسماعیل مطالب حکمی را صاف و عربان و با کمال صراحت بیان می‌کرد، ملا آقا قزوینی و حاج ملا‌هادی سبزواری از مهمترین شاگردان وی هستند. آثار او عبارتند از:

۱- تعلیقات شوارق الالهام<sup>۲</sup>. حوشی ملا اسماعیل بر شوارق، مهمترین حوشی شوارق است و مورد عنایت دیگر محشیان شوارق و نیز حکمای پس از اوی است. آقای علی مدرس طهرانی در تعلیقات شوارقش در موضع متعددی به بحث و نقده حوشی ملا اسماعیل پرداخته و از ارباب احترام و تجلیل یاد کرده است.

۲- شرح العرشیة، ملا اسماعیل در این شرح، شرح شیخ احمد احسانی بر عرشیه را ساخت مورد اتقاد قدر را داده است.

۳- تعلیقات علی حوشی الجمالیة علی حاشیة الخفری علی شرح القوشچی.<sup>۳</sup>

۱- استاد سید جلال الدین هنایی در مقاله «ملا اسماعیل حکیم اصفهانی» در کتاب مقالات ادبی (جلد اول، تهران، ۱۳۶۹) ۱۲۶۹-۱۴۲۸-۱۴۲۸ طی تحقیق ملامه‌ای اثبات کردانه که زمان و نوات ملا اسماعیل حوالی ۱۲۲۳ مسال قبل از وفات استادش ملاعلی نوری است و ۱۲۷۰ با ۱۲۷۷ صحیح بیست. ضمناً ملا اسماعیل صاحب حوشی شوارق و استاد سبزواری را باید به ملا اسماعیل خواجهی (متوفی ۱۲۷۲) اور ملا اسماعیل درب کوشکی متوفی ۱۳۰۴ مدرس فلسفه در حوزه اصفهان و ملا اسماعیل اصفهانی تواده ملا اسماعیل خواجهی متوفی ۱۲۴۶ انتباها گرفت. مطالب بیان شده درباره ملا اسماعیل را ابر اسان تحقیق استاد حمایی گزارش کرد این.

۲- تعلیقات شوارق ملا اسماعیل در تمام چاپ‌های سنگی شوارق در تهران به چشم می‌خورد. ۳- شرح عرشیه و تعلیقات الجمالیة علی حوشی الجمالیة ملا اسماعیل متوفاه متوفی منتشر شده است.

ملا اسماعیل تعلیقاتی بر حواشی آفاجمال خوانساری نگاشته در آن آراء آفاجمال را مورد بحث و انتقاد قرار داده است. این تعلیقات از جمله قوی ترین آثار ملا اسماعیل به حساب می‌آید.

#### ۴. تعلیقات المشاعر<sup>۱</sup>

#### ۵. تعلیقات الاسفار<sup>۲</sup>

آثار ملا اسماعیل اصفهانی موردن توجه حکیمان پس از اوی برده است. او به دقت نظر و ذرف الایشی مشهور است.

۲. ملا عبد الله مدرس ذنوی (متوفی ۱۲۵۷) وی پسر پیر مقلى ملقب به باباخان متولد زنجیر از توابع مرند آذربایجان است. بعد از تحصیل ادبیات در خوی، فقه و اصول در کربلا، قم و اصفهان نزد سید علی طباطبائی صاحب ریاض و مهرزاد قمی صاحب قوانین و سید محمد مجاهد صاحب مناهل و سید محمد باقر شفیقی معروف به حججه الاسلام، برای تحصیل فلسفة به محضر ملاعلی نوری در اصفهان مشرف شد. بانی مدرسه خان مروی از فتحعلی شاه قاجار در خواست کرد ملاعلی نوری را برای تدریس در آن مدیریت به تهران دعوت کند. ملاعلی نوری نپذیرفت و یکی از افاضل شاگردانش یعنی ملا عبد الله مدرس ذنوی را روانه تهران کرد. حوزه عقلی تهران از سال ۱۲۳۷ با محوریت ملا عبد الله آغاز می‌شود. وی بیست سال در مدرسه مروی تهران تدریس کرد. ملا عبد الله به در خواست فتحعلی شاه آثار ارزشمندی به زبان فارسی تألیف کرد که از مهمترین کتب حکمت متعالیه و آثار فلسفی در زبان فارسی به شمار می‌رولد. مؤلفات وی عبارتند از:

۱- ممات الهیه، مشتمل بر مسائل الهیات بالمعنى الاخص، اثبات مبدئ و وجود، صفات کمالیه او کیفیت صدور کترت از واحد حقیقی، مسائل علم الهی و دیگر مسائل روییه در بیست فصل: تاریخ نگارش کتاب ربيع الاول ۱۲۴۰. ۲- اقافی مدرس طهرانی بر کتاب والد خود حاشیه زده است، بعلاوه در بدایع الحكم فراوان از مطالب لمعات الهیه استفاده کرده است.

۱. تعلیقات مشاعر ملا اسماعیل در حاشیه مشاعر چاپ سنگی (تهران، ۱۲۱۵) چاپ شده است.

۲. بخشی از این تعلیقات لرزشند در حاشیه تفسیر چاپ حروف اسلیل ۹ جلدی منتشر شده است. (قم، ۱۲۸۷).

۳. رساله رگشت بد قلم آنعلی مدرس طهرانی، چلد سوم مجموعه مصنفات.

۴. لمعات الهیه با تصحیح و مقدمه استاد سید جلال الدین آشتیانی منتشر شده است (مشهد، ۱۲۵۴)، چاپ دوم تهران، ۱۳۶۱).

۲- منتخب الخاقانی فی کشف حقائق عرفانی، از آنجا که کتاب لمعات الهیه به نظر فتحعلی شاه مفصل آمد درخواست نمود تا آن را مختصر نماید، ملا عبد الله منتخب الخاقانی را مختصر تر از لمعات، اما مستقلًا تألیف کرد، لذانی توان آن را ملخص لمعات دانست، براهین و حجج این کتاب با استدلالهای لمعات عموم و خصوص من وجهه است. تاریخ نگارش کتاب جمادی الاول ۱۲۴۰ و مطالب آن در زمینه اثبات واجب و صفات جمالیه و جلالیه باری تعالی در بیست فصل و یک خاتمه نگارش یافته است.<sup>۱</sup>

۳- انوار جلیه، این کتاب شرح جامعی است بر حدیث حقیقت کمیل بن زیاد نخعی از امیر المؤمنین (ع) معروف به حدیث علوی که در سال ۱۲۴۷ به رشته تحریر در آمده است و در آن از معانی و اقسام توحید، انواع کشف، بیان معانی محو و فنا و صحو، تقریر وجود محتمل در کلام امام و مراتب و درجات سلوك به تفصیل بحث شده است.<sup>۲</sup>

۳- تعلیقات شوارق الالهام، وی جسته جسته بر بعضی مطالب ذیاض لاہیجی حاشیه زده است.<sup>۲</sup>

واما آثار منتشر نشده وی عبارتند از: ۵- رساله علیه در چگونگی غضب خداوند بر گاهه کاران، ۶- حاشیه علی اسفار صدر المتألهین، ۷- حاشیه علی الشواهد الروایة، ۸- حاشیه علی المبدء والعماد، ۹- حاشیه علی اسرار الآيات، ۱۰- رساله معارف، رساله ای مختصر به زبان فارسی در اعتقادات.<sup>۲</sup>

«ملا عبد الله در فهم کلمات ملاصدرا و احاطه به افکار و تبع در آراء و عقاید او کم نظری است و می‌توان حل کثیری از مشکلات و عویضات اسفار و شواهد ملاصدرا را در آثار این حکیم محقق جستجو کرد. احاطه او به معارف شیعه شگفت انگیز است.

۱. منتخب الخاقانی توسط تجویب مایل در روی تصحیح شد و در سال ۱۲۶۱ توسط اشارات مولی در تهران منتشر شده است.

۲. انوار جلیه ترسیط استاد سید جلال الدین آشتیانی تصحیح و منتشر شده است (مشهد، ۱۲۵۴، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۱).

۳. تعلیقات مدرس ذنوی بر شوارق در چاپ سنگی شوارق (تهران، ۱۳۱۱) مد.ق. طبع حاج رضا تاجر کاپنروشن درج شده است.

۴. آثار پنجم نائم به نقل از استاد آشتیانی در مقدمه لمعات الهیه و انوار جلیه، و اثر دهم به نقل از تجویب مایل در دو قسم مقدمه منتخب الخاقانی.

ملاءعبدالله آغلب کتب ملاصدرا به خط خود استنساخ کرده است. سخه‌های مستنسخ وی بی‌غلط و مورد اعتماد افاضل است.<sup>۱</sup>

مهترین شاگردان ملاعبدالله عبارتند از: فرزند پرورندوی آقاعلی مدرس طهرانی که در غالب آثارش به آراء و اذکار خود با احترام و اجلال استناد کرده است، میرزا ابوالقاسم نوری طهرانی مشهور به کلاتر مقرر درس شیخ انصاری و مولف مظارح الانثار، ملاحسن خوبی مدرس بزرگ مدرسه دارالشفای تهران و استاد قلسه آخوند ملامحمد کاظم خراسانی صاحب کفاية<sup>۲</sup>، سیدعلی تنکابنی، ملاحسینقلی طالقانی، ملارجبعی کنی و ملا مرتضی قلی طالقانی.<sup>۳</sup>

۳. سیدرضی لاریجانی متوفی ۱۲۷۰، بزرگترین مدرس عصر خود در عرفان و تصوف بوده است. از این عارف و اصل نوشتادی در دست نیست، در سال ۱۲۶۷ به حوزه تهران مهاجرت کرده است، مهترین شاگردان وی آقامحمد رضا قمشهای و آقاعلی مدرس طهرانی هستند. به نظر استادهمایی «آقسیدرضی از جمله کسانی است که تریبون حکمت با آخوند ملاعلی نوری همسری می‌نمود و بر فرض که یاک چند به حوزه درخواسته و بسته استادی و پیش کسوتی او را گرد نهاده بود، خواص اهل فن اردا در خصوص فلسفه اشرافی و عرفانی و ذوقیات بر خود نوری ترجیح می‌دادند».<sup>۴</sup>

۴. میرزاحسن نوری، پس از پارش ملاعلی نوری حوزه قابل توجه تبریس فلسفه در اصفهان از آن وی است. به نظر استادهمایی «بعضی از امخاصوص ادر ذوق و ذکالت بر پارش ترجیح می‌دادند»<sup>۵</sup> تاریخ تولد و فاتح مشخص نیست مهترین شاگردان آقاعلی مدرس طهرانی است، که دوبار از محضرش کسب فیض کرده است،<sup>۶</sup> صاحب حاشیه بر

۱. آشتیانی، مقدمه لمعات الہید و مقدمه الشوادر الپریه.

۲. منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکماء عرفای متاخر بر صدر المتألهین (تهران، ۱۳۵۹) و آشتیانی، مقدمه لمعات الہید و اوارچله.

۳. کت دو گویند، آذاغب و فلسفه در آسیای مرکزی، تصل چهارم.

۴ و ۵. مقدمه استاد سید جلال الدین همایی بر شرح رساله مشاعر ملامحمد جعفر لاھیجی (اصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی) صفحه ۱۶.

۶. رساله سرگفت، جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسّس آقاعلی مدرس طهرانی.

اسفار<sup>۱</sup> و شرح هدایه اثیریه<sup>۲</sup> است. آقا علی مدرس در برخی آثارش از جمله تعلیقات اسفرار به آراء وی با عنوان «استادی المعظم» استناد کرده است.

۵. ملا آقا قزوینی؛ متوفی ۱۲۸۲. از بزرگترین شارحان حکمت متعالیه است. از او به صدر الدین عصر خود تعبیر می‌کنند.<sup>۳</sup> با مراجعت وی از اصفهان به قزوین طالبان علوم عقلیه از اقصی نقاط ایران برای استفاده به نزد وی می‌شافتند. مهمترین شاگرد دوی آقاعلی مدرس طهرانی است که وی را «بحری مواج و بیکران» تعبیر کرده است.<sup>۴</sup> حاشیه‌ای ارزشمند بر اسفرار دارد<sup>۵</sup> که متأسفانه هنوز منتشر نشده است.

۶. میرزا محمد حسن چینی معروف به مولانا<sup>۶</sup> از حیث مقام و مرتبت علمی با میرزاحسن نوری در یک درجه محسوب می‌شد، اما در حسن بیان و تقریر مطالب اور ابر نوری ترجیح می‌دادند.<sup>۷</sup>

۷. ملام محمد جعفر لاھیجی لنگرودی متوفی پیش از ۱۲۹۴. مدرس عالی فلسفه در قرن سیزدهم در حوزه اصفهان، مهمترین اثر وی شرح رساله مشاعر ملاصدرا است<sup>۸</sup> که از جمله معتبرترین شروح این رساله به حساب می‌آید. او بر شرح تجربه قوشچی و حاشیه خفری نیز حاشیه‌زده است. مهمترین شاگردانش آقاعلی مدرس طهرانی و آقامحمد رضا قمشهای هستند.

۸. آخرین ملاصدطفی قمشهای مشهور به مصطفی الحکماء، آراء این مدرس عالی فلسفه در قرن سیزدهم توسط شاگردش ملااحمد بن محمد ابراهیم اردکانی بررساله مشاعر به نام «نور البصائر فی حل مشکلات المشاعر» تقریر و گزارش شده است.<sup>۹</sup> از تاریخ

۱. این حواشی هنوز منتشر نشده است، تنها در آثار اسفرار حاشیه‌ای از وی در «تحقیق الاسفار الاربعة السلوکیة و کینیة انباطها على التي رب المصنف کاہہ علیہ» صفحه ۱۶ و ۱۷، جلد اول، منتشر شده است.

۲. حواشی میرزاحسن نوری بر شرح هدایه اثیریه در چاپ سنگی (تهران، ۱۳۱۲) درج شده است.

۳. میرزاحسن خان اعتمادالسلطنه، المأثر و الکافر، (به کوشش ابرج الشار) تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۱.

۴. رساله سرگفت، جلد سوم، مجموعه مصنفات حکیم مؤسّس.

۵. آشتیانی، مقدمه اثار جلد ۱، ص ۵.

۶. استاد همایی، مقدمه شرح رساله مشاعر ملامحمد جعفر لاھیجی، ص ۱۶.

۷. این شرح توسط استاد سید جلال الدین آشتیانی تصحیح و منتشر شده است.

۸. این حواشی در چاپ سنگی به خط میرزا عبدالکریم اصطهباً انانی (تهران، ۱۳۱۵) درج شده، همراه با ترجمه فارسی مشاعر غلامحسین آخنی منتشر شده است (اصفهان، ۱۳۴۰، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۱).

تولد وفات و احوال این حکیم الهی متأسفانه اطلاعی در دست نیست.

۹- آنخوند ملارضا تبریزی (متوفی قبل از ۱۳۰۶)، مدرس بزرگ فلسفه در مدرسه چده بزرگ اصفهان و صاحب حاشیه بر مشاعر و اسفرار.

۱۰- حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲) مشهور ترین فیلسوف حکمت متعالیه بعداز ملاصدرا، دو سال آخر تدریس ملاعلی نوری را در کرد، اما اعمده تعلمش نزد ملا اسماعیل درب کوشکی اصفهانی بوده است. از نظر تشکیل حوزه گرم فلسفی و جذب شاگردان اطراف و اکناف و تربیت آهاد پراکنده ایشان در بلاد مختلف، بعد از ملاعلی نوری کسی به پایه حکیم سبزواری نمی‌رسد. طالبان حکمت از هر سو، از جمله خارج از ایران به محضرش می‌شناختند. شهر سبزوار به برگت او به حوزه فلسفی عرفانی تبدیل شده بود<sup>۲</sup>. مهمترین آثار حکیم سبزواری عبارتنداز:

۱- حواشی اسفرار<sup>۳</sup>، مفصل ترین و رایجترین حواشی اسفرار حواشی سبزواری است و در تبیین و حل دشواری‌های متن بکار می‌آید، و همواره مورد عنایت مدرسان استقار بوده است، آقایی مدرس طهرانی بر این حواشی تعلیقه نوشته است.

۲- تعلیقات الشوادر الربوبیة<sup>۴</sup> این تعلیقات که «محققانه تر و متقدن تر از حواشی او بر اسفرار است»<sup>۵</sup> مفصل ترین و رایجترین حواشی شواهد است.

۳- غر الفراندو اللئالی المنتظمة و شرح آن در مشهور به شرح منظومه<sup>۶</sup>، منظومه به انگیزه تلخیص و تنظیم یک دوره کامل مسائل فلسفه و منطق سروده شده است. روش

۱- این حواشی هنوز منتشر نشده است، نسخه‌ای از آن در مجموعه خطی شماره ۲۲۱۸ کتابخانه ملی ملک تهران صفحه ۵۲۳ تا ۵۲۶ موجود است. آقایی مدرس فردیح الحکم رای ابرادر این حواشی مورد تقدیر لاده و لاریه «نافضل بارع معقول و حکم کامل عرفی» یاد گرده است.

۲- استاد مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، مجموعه آثار<sup>۷</sup>، ص ۵۲۴-۵۲۵.

۳- این حواشی همراه با خستن چاپ سنگی اسنفار و تبریز بالین چاپ حروفی اسفرار (۱ جلدی) ادریان و قم منتشر شده است.

۴- این تعلیقات همراه با متن شرایح توسط استاد سید جلال الدین آشتیانی تصحیح و منتشر شده است. (مشهد، ۱۳۴۶) چاپ دوم تهران (۱۳۶۰).

۵- آشتیانی، مقدمه الشوادر الربوبیة.

۶- غلیر شام انتشار چهلایی متعدد مصحح از شرح منظومه هنوز تها بسته کامل شرح منظومه همان چاپ سنگی ۱۲۹۸ قمری مشهور به طبع ناصری است.

سبزواری در دسته‌بندی و تنظیم مطالب فلسفی در شرح منظومه منطقی ترو و دقیق تراز سبک ملاصدرا در اسفرار است، شرح منظومه از زمان تألیف، کتاب درسی دوره متوسط حکمت متعالیه‌ی باشد، حواشی سبزواری بر شرح منظومه حاوی آخرين آراء فلسفی وی است.

دیگر آثار حکیم سبزواری عبارتنداز اسرار الحکم حاوی یک دوره حکمت نظری و عملی به زبان فارسی، شرح دعای صباح، شرح الاسماء الحسنی، شرح منشوی و رسائل<sup>۱</sup>، مهمترین شاگردان حکیم سبزواری عبارتنداز میرزا حسین سبزواری مقیم تهران، میرزا حسین علوی سبزواری، ملا عبد‌الکریم خبوشانی، و شیخ محمد ابراهیم طهرانی<sup>۲</sup>.

### بخش دوم: احوال حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی

در این بخش درباره نام و شهرت آقایی، تاریخ تولد وفات، خاندان، تحصیلات و اساتید، اخلاق و منش، شاگردان، حکمای معاصر و بطور کلی معاصران، مشهور آقایی و بالآخره امتیازات اندیشه‌فلسفی استاد اساتید بهثت می‌کیم.

#### ۱. نام، شهرت، مولد

علی بن عبدالله بن بیرمقلی متولد ذی قعده ۱۲۳۴ هجری قمری (بر این با ۱۱۹۷ هجری شمسی و ۱۸۱۸ میلادی) در اصفهان است. پیشوند «آقا» ملازم نام اوست؛ آقایی. همچنانکه ملازم نام جمعی دیگر از حکما و فقهاء بوده است، از قبیل آقا حسین خوانساری، آقا جمال خوانساری، آقا محمد رضا قمشهای، آقا ضیاء الدین عراقی، او خود را در آثارش، «آقایی مدرس طهرانی» و به اختصار «مدرس» یا «طهرانی» خوانده است.

در آغاز پدایع الحکم آورده است: «... نزد این حقیر فقیر شهیر به آقایی مدرس طهرانی ولد محروم مغفور ملاعبدالله، مدرس زنوزی تبریزی ...» در انتهای پدایع نوشته است: «ابحمد الله و منه کتاب پدایع الحکم در شب پنجم ماه جمادی الاولی از هزار و سیصد و

۱. این کتابهایی در تهران تصحیح و منتشر شده است.  
۲. تاریخ حکمار عرفای متاخر بر صدرالتألیفین.

هفت هجری به تحریر نگارنده که در لسان خالق به آقای مدرس معروف است و این دارد که از خدام اهل علم و معرفت محسوب شود اتفاقاً بابت «در آغاز رساله سبیل الرشاد خود را این گونه معرفی کرده است: «و بعد يقول العبد الفقیر الحقير المعترف بالقصور والقصص على الطهراني المشتهر بالمدرس ابن عبد الله الزنجي التبريزى المدرس...» در آغاز رساله سرگذشت نیز اینگونه خود را معرفی می کند: «ابن فقیر على مدرس طهراني ولد ملا عبد الله مدرس زنجي...». این حکیم الهی تعلیقات خود را به نام علی المدرس، علی الطهرانی المدرس، علی الطهرانی و ۱۱۰ عفی عنده امضاء کرده است. (۱۱) به حساب حروف ابجد معادل علی است).

شاگردانش نیز از او به نام آقای مدرس، آقای مدرس، حکیم مؤسس، استاد الایات یاد کرده اند<sup>۱</sup>. معاصرینش از او علاوه بر آقای مدرس، به آقای مدرس، آقای مدرس، آقای مدرس زنجی تعبیر کرده اند<sup>۲</sup>. اما در غالب نوشته های معاصر از او به آقای مدرس زنجی یاد شده است. آقای هرگز خود را «از زنجی» یا «مدرس زنجی» نخوانده با این لقب امضا کرده است. شاگردان وی نیز از او به این لقب نخواهد اند. او نه متولد زنج است، نه ساکن زنج بوده و نه مشتهر به زنجی، بلکه تهها، فرزند مدرس زنجی است. لذا اوی این است که جهت وحدت رویه و به عنوان علم شخص، این حکیم را با همان لقب و عنوانی که وی برای خود برگزیده یعنی «آقای مدرس طهرانی» یاد کنیم و از تعبیر دیگر به عنوان علم شخص از قبیل آقای مدرس، آقای مدرس، آقای مدرس زنجی و آقای مدرس زنجی درباره وی استفاده نکنیم.

۱. به عنوان نمونه در آغاز رساله في التوحيد آمده است: «الآقای مدرس باللقب بالمدرس ابن العالم الربانی والنافذ الهمداني الأخول لملا عبد الله الزنجي النذری». نسب الصدر شیرازی در طرقن الحقائق از لوبه «الاستاد الایات آقای مدرس خلف الصدق آقای عبد الله زنجی» یاد کرده است. شیخ علی نوری مشهور به شیخ الشوارق در حواشی اسناد پاره از آقای مدرس به «حکیم» و «مسن» یاد کرده است.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در المسائر والآثار از لوبه «استاد الایات آقای مدرس زنجی» از خاطرات به «آقای علی جنکی» یاد کرده، در روزیانه اینجی خبر فوت اور ایندانا «صدر المتألهین آقای مدرس زنجی» از اجله حکماء ایران زمین منتشر کرده است. شیخ آقای زکریا طهرانی معاصر آقای نیز از اراده الزریه و طبلات اعلام الشیعه به نام «الموللي المتأله الحکم الشهیر بالقائم المدرس» معرفی کرده است. سید احمد دیران بیگی در تذکره حدائق الشعر او نوشته است: «حکیم طهرانی... اکنون مطلع افراد طهران اشاره انانی حکمی می کویند.

شاگردان آقای مدرس طهرانی، در زمان حیات وی از او باشد عنوان «حکیم الهی»، «الاستاد الایات» و «حکیم مؤسس» یاد کرده اند. به گزارش ریحانة الادب چون آقای مدرس در هر دو رشتہ معموق و منقول از روی تحقیق و استدلال تدریس می کرد، به همین جهت به «مدرس» شهرت یافت، چنانچه به جهت کمالات صوری و معنوی به حکیم الهی و استاد الایات دینیز موصوف بوده است<sup>۱</sup>. عنوان «حکیم مؤسس» که رواج پیشتری دارد، ناشی از تصرف وی در مبانی و ابتکارات متعددی در مسائل فلسفی می باشد<sup>۲</sup>. لذا ایستاده است همچنان که از فارابی به «اعلم ثانی»، از ابن سینا به «شیخ الرئیس»، از شهاب الدین سهروردی به «شیخ اشراق»، از محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی به «صدر المتألهین» تعبیر می شود، بدپاس ابتکارات اساسی آقای مدرس طهرانی از او به «حکیم مؤسس» تعبیر کنیم.

## ۲. خاندان حکیم مؤسس

خاندان آقای مدرس خاندان علم و حکمت و تقوی بوده است.

اول: ملا عبد الله مدرس زنجی، والد مکرم آقای علی آنچنان که در بخش اول مقدمه گذشت از شارحان بزرگ حکمت متعالیه، مؤسس حوزه عقلی تهران و جامع معقول و منقول بوده است.

دوم: ملاحسنین زنجی، برادر آقای مدرس از اساتید بزرگ ریاضیات و هیأت در عصر خود محسوب می شده است<sup>۳</sup>. بعلاوه وی در علم نحو سرآمد تمام نحوین معاصرش بود<sup>۴</sup>. سوم: پاون سیده بیگم همسر آقای علی آنچنان که از وقایات وی بر می آید پانویی فاضل، با کمال و خیر بوده است<sup>۵</sup>. صاحب طرائق الحقایق درباره اولاد آقای مدرس: «صورة

۱. میرزا محمد علی مدرس، ریحانة الادب، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. معتبرترین عالی که از تعبیر حکیم مؤسس در حق آقای علی استفاده کرده، مرحوم آیت اللہ شیخ محمدحسن غروی اصفهانی در بهایه البرایه فی شرح الکتابه (ج ۱، ص ۲۲۹ طبع موسسه آل البیتاع) شاگرد طراز اول حکیم شهد اصله ایانی شاخصترین شاگرد آقای علی است.

۳. آشیان، مقدمة المعلمات الهمدانية، المأمور والآثار، ص ۲۱۲.

۴. عبرت للبنی، مدینة الادب، ج ۲، ص ۲۶۰.

۵. کتب و قو dalle این پاری فاضله در کتابخانه مجلس در بهارستان نگهداری می شود. رجوع کنید به جلد پنجم نهضت نی خانی کتابخانه مجلس.

پل پسر نیکو سیرت و دو صبیدارند»<sup>۱</sup>.

چهارم: شرف‌الملک حاج آقا حسن حکیم‌زاده (متولد حدود ۱۲۹۷) پسر آق‌اعلی، علوم عربیه و ادبیه و معقول را در تهران تحصیل کرد و در سلک طلب درآمد. ظاهر اسننش اقتضانی کرده که به محضر درس پدرش مشرف شده باشد. از فعالیت‌مشروطه بوده است و بواسطه مبارزات خود چندسالی رام‌جبرو می‌شود خارج از ایران (اسلام‌میو) بگذراند. وی بعد از مشروف‌طه از روسای عدیله تهران و بزد بوده و با فرقه دمکرات همکاری می‌کرده است.<sup>۲</sup> مرحوم شرف‌الملک به واسطه اشتغالات سیاسی کمتر به مسائل علمی و فلسفی پرداخت و در آذر ۱۳۲۰ هجری شمسی به رحمت خدارفت و در امام‌زاده عبدالله‌دری مدفون است.

چهارم: میرزا البراهیم حکمی ایتهاج الحکماء متوفی ۱۳۳۲، داماد آق‌اعلی از شاگردان حکیم مؤسّس بوده است.<sup>۳</sup> نایب‌الصدر شیرازی در این باره نویشته است: «با جناب معارف آداب حاج میرزا البراهیم سلمه الله سبست مصادرت در بین است حاج آخوند قزوینی والد مشاور ایله از زهاد و انتیابی عصر بود مکرر صحبت‌ش دست می‌داد، رحمة الله عليه»<sup>۴</sup>.

پنجم: میرزا ناصر‌الله خان مستوفی سوادکوهی، متوفی ۱۳۸۰ داماد دیگر آق‌اعلی.  
ششم: ناصر‌الله فلسفی متوفی ۱۳۶۰ش، نویسنده و مترجم معاصر فرزند میرزا ناصر‌الله خان و نواده دختری آق‌اعلی می‌باشد.<sup>۵</sup> کتاب «از زندگانی شاه عباس اول» از آثار اوی است.  
هفتم: دکتر علی شهیدزاده، لزوکلای مدافع مرحوم دکتر محمد مصدق، داماد شرف‌الملک بزرگ این خاندان در عصر ماست.

۱. نایب‌الصدر شیرازی، طرائف الحلقان، ج ۳، ص ۵۰۷.

۲. رجال عصر مشروطه، نوشتۀ سید ابراهیم‌حسن علوی، به کوشش نخشن حبیب‌یغمائی، بازخوانی و تجدیدچاپ ایرج اشناز، تهران، ۱۳۶۱ش، صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۶۶۴ و ۱۳۶.

۳. منوچهر صدوقی بهای، تاریخ حکماء عراقی متأخر بر صدرالعلاءین، ص ۱۵۸.

۴. نایب‌الصدر شیرازی، طرائف الحلقان، ج ۳، ص ۵۰۷.

۵. مرتضی مدرسی چهاردهی، مقاله آق‌اعلی حکمی، مجله وحدت، سال پنجم، شماره ۲۰ تا ۵؛ البراهیم باستانی پلریزی، مقاله بادی از استاد در کتاب هشافظ، ص ۱۲۲.

### ۳. تحصیلات و استادی آق‌اعلی مدرس

آق‌اعلی در اوان کودکی یعنی در سه سالگی (۱۲۳۷) به همراه پدر عالم خود به تهران مهاجرت کرد، مقدمات علوم را از جمله ادبیات عرب، منطق، شرح تجزیه‌قوشچی و عالم‌الاصول را در حوزه تهران فراگرفت و سپس توفیق تشرف به محضر منقول و معقول پدرش را یافت؛ در منقول شرح لمعه و قوانین و در معقول شوارق الالهام فیاض لاہیجی، شرح اشارات خواجه نصیر الدین طوسی و مبدع و معاد ملاصدرا<sup>۶</sup>. این استفاده تا پایان عمر یدرش- ۱۲۵۷- که آق‌اعلی ۲۳ ساله بود، ادامه یافت، وی پس از مرگ پدر برای تحصیل و تکمیل منقول به عتبات عالیات مشرف شد.<sup>۷</sup> از جندو چون این سفر علمی اطلاعی در دست نیست، اما ظاهر اطلانی بوده است. سپس سه سال در حوزه اصفهان در محضر استادی آن حوزه به تکمیل معقول پرداخت.<sup>۸</sup> آق‌اعلی در محضر میرزا حسن نوری اسفار ملاصدرا، شفای این سینا و مقایی الغیب ملاصدرا را تلمذ کرده است.<sup>۹</sup>

آق‌اعلی در حوزه اصفهان علاوه بر میرزا حسن، از محضر سید رضی لاریجانی (متوفی ۱۲۷۰)، ملام محمد جعفر لاهیجی لنگرودی، حاج محمد ابراهیم نقشه‌فروش نیز استفاده کرد.<sup>۱۰</sup> آق‌اعلی سپس برای استفاده از محضر ملا آقا قزوینی (متوفی ۱۲۸۲) به قزوین رفت. وی ملا آقا را بحری موّاج وی کران تعبیر می‌کند<sup>۱۱</sup>، اما بد طول این تحصیل در قزوین اشاره نکرده است. «معروف است که آق‌اعلی مدرس کرا آفرموده‌اند؛ من در بین استادی بزرگ کمتر کسی را سراغ ندارم که تسلط کامل به مهانی آخوند داشته باشد، ایشان ملا آقا را در این جهت بر دیگران ترجیح می‌دادند».<sup>۱۲</sup> در آثار آق‌اعلی از ملا آقا به صراحت مطلبی نقل نشده است، اما با احتمال قوی مواردی را که آق‌اعلی به استاد (بدون ذکر نام) استناد کرده بتویه در تعلیقات اسفار، مراد ملا آقا قزوینی است، وی سپس به اصفهان مراجعت کردو در

۱ و ۲. رساله سرگذشت، جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم، مؤسّس.

۳. کت در گوینده، مذاهب و فلسفه در آیاتی مرکزی، فصل چهارم.

۴. رساله تاریخ حکماء، جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم، مؤسّس.

۵. رساله سرگذشت، پیشین.

۶. آتنیان، متممه المسائل القدسیه ملاصدرا، صفحه ۳.

ملاسیاعیل را از اساتید آقایانی به حساب آورده.<sup>۱</sup> با اینکه آقایانی در آثار خود چندبار از ملاصدطفی قمشه‌ای (مصطفی‌الحكماء) مطلب نقل کرده<sup>۲</sup>، اما هرگز از او به عنوان استاد تعبیر نکرده است، حال آنکه در همانجا از ملاجعفر به عنوان سنتنا و استادنا یاد می‌کند. پس از مستعبد است که آقایانی، از شاگردان مصطفی‌الحكماء بوده باشد.<sup>۳</sup>

۲. تدریس و شاگردان حکیم مؤسس آقای علی حدود چهل سال در حوزهٔ تهران به تدریس فلسفه اشتغال داشته است. حدود هفت سال در مدرسهٔ قاسم خان در ارک دارالخلافه<sup>۱</sup> - مدتی بیزد منزل خود فلسفه تدریس می‌کرد<sup>۲</sup> و بیش از بیست سال منزلش رسمی مدرسه سپهسالار بوده است.<sup>۳</sup> آقای علی جامع معقول و منقول بود و در دور شته تدریس می‌کرد، هر چند شهرت و تخصص اور فلسفه است. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در المأثر والآثار در این باره نوشت: «(تدریس پارسی) مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار قاجار واقع در دارالخلافه طهران به او متعلق می‌باشد. در معقول و منقول از جملهٔ تحول معلوم است، هم در حکمت متعالیه تدریس می‌نماید و هم در کتب فقه استدلالی».<sup>۴</sup> در طرائق الحقائق در بارهٔ تدریس آثار آقای علی آمده

۱. استاد پیش‌جلال‌الدین آشتیانی در مقدمه الشوادر البوبیة (صتحجه صدور پست و پنج) این‌شده است: «آقانعلی حکم از نلامید آخوند ملا آقا، ملا غاید‌الله، ملا محمد‌جعفر لک‌گردی و ملا اسماعیل و آن‌مرزا احسن لوری و ملام عطفی قمشنه‌ای (اصطفیع‌الحكما) است»؛ اگر مراد از ملا اسماعیل، محمد اسماعیل بن محمد سعیح درب کوشکی واحدالملین اصنفه‌ای باشد بنا بر تحقیق و دقیق استاد پیش‌جلال‌الدین هدایی سال وفات‌واری را حدود ۱۲۴۳ بدانیم، آقانعلی به لاماظنی نمی‌تواند در محضر ملا اسماعیل استفاده کرده باشد. به هر حال استاد آشتیانی در مورد تلمذ آقانعلی در محضر ملا اسماعیل و ملام عطفی سندی اثابه نکرده است.
  ۲. رسالتی بیان‌الحمل و رسالتی الوجود الایط؛ چلادون مجتمعه‌صنفات.
  ۳. دکتر عطفی محقق مقدمه اسلام در مقاله‌ای خیگان علم و عمل (ایام فرهنگستان علوم، شماره ۲۴) میرزا احسن چنین معروف به مولانا و میرزا آن‌تارازی را در سلسله اساتید آقانعلی مدرس ذکر کرده است. در المائر و الآثار در تراجم این بو عالم هیچ اشاره‌ای به تلمذ آقانعلی نزد ایشان شده است. بر این ادعائندیشگری بیز لازم نشده است. با توجه به همزمانی میرزا احسن چنین و میرزا احسن نوری تلمذ آقانعلی نزد ایشان متحمل است. اما عدم اشاره به نام و در رساله سرگشته و رسالته تاریخ حکم‌ها این اختلال انتفعه‌ی می‌کند.
  ۴. رسالت سرگشته، چلادون مجتمعه‌صنفات حکم، مؤسس.
  ۵. کنت دو گوینده‌ای ادب و فلسفه در آسیای میانه، نصل چهارم.
  ۶. رسالت سرگشته.
  ۷. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصر‌الدین شاه، چلدلوی، المائر و الآثار، تألیف محمد حسن خان انتقاد‌السلطنه، به کوشش ام انشا، تهران، ۱۳۸۳، ۱۱۱، من ۲۱۱.

خدمت میرزا حسن نوری مجدد آبده تحصیل علوم عقلیه پرداخت، و بعد از انقضای پنج سال به تهران مراجعت کرد.<sup>۱</sup> مشخص نیست که مجموع این سه سفر علمی برای تحصیل معقول پنج سال به طول انجام یافده، یا اینکه این پنج سال تنها طول سفر اخیر (اصفهان) است. به هر حال، در این زمان (حدود سال ۱۲۷۰) تحقیقات آغاز شد، در معقول به بیان می‌رسد.

اما در تحصیل متقول رادر تهران همزمان با تدریس معقول ادامه دید. آقای علی مدارج عالیه فقه و اصول به وزیر رسانی شیخ اعظم انصاری را نزد میرزا حسن آشتیانی (متوفی ۱۳۰۹) بنزرنگترین شاگرد شیعی و صاحب بحر الفوائد فی شرح القرآن به پایان می‌برد.<sup>۲</sup>

در مجموع آفاعی در مجموعه مصنفات خود از هفت نفر صریحاً با عنوان استادیاد کرده است، این هفت نفر عبارتند از:

- ۱- ملا عبدالله مدرس زنوزی، در معقول و منقول،<sup>۴</sup>

۲- میرزا حسن نوری،<sup>۵</sup>

۳- ملا آقای قزوینی،<sup>۶</sup>

۴- سید رضی لاریجانی،<sup>۷</sup>

۵- ملا محمد جعفر لاهیجی لنگرودی،<sup>۸</sup>

۶- حاج محمد ابراهیم نقشه‌فروش<sup>۱</sup> از شاگردان ملاعلی نوری و ملا اسماعیل،  
۷- میرزا حسن آشتیانی، در منقول.<sup>۲</sup>

اقاعلی زمان ملا اسماعیل درب کوشکی واحد العین را درگ نکرده است تا بتوان

۱. رساله‌سر گلشت پیشین.
  ۲. رساله‌سر گلشت پیشین.
  ۳. آنایی در تعلیقاتی که به خط پا خود بر رساله‌ای از میرزا حسن آشتبانی نکاشته، از اباعثون استاد تعبیر کرد، است. رجوع کنید به جلد سوم مجموعه مصنفات.
  ۴. رساله‌سر گلشت رساله‌تاریخ حکماء، تعلیقات لمعات الهیه، بدایع الحکم، تعلیقات الشواری و تعلیقات الاستفار.
  ۵. رساله‌سر گلشت رساله‌تاریخ حکماء، تعلیقات الانبار.
  ۶. رساله‌سر گلشت رساله‌تاریخ حکماء.
  ۷. رساله‌تاریخ حکماء.
  ۸. رساله‌تاریخ حکماء، رساله‌قی مباحث الحیل و رساله‌قی الوجود الابط.
  ۹. رساله‌تاریخ حکماء.
  ۱۰. تعلیقات اصولیه - جلد سوم مجموعه مصنفات حکمی میرزا.

المتألهین و قدوة الفلسفه الماهرين، ملک از مهه التحقیق و دارت علیه رحی التدریس فی الحکمة فی عصره فلم یکن افضل ولا اشهر منه و لذلك فوْض الیه امر التدریس فی مدرسة المیرزا محمد خان القاجاری المعروفة بمدرسة سپهسالار. ادرکت اواخر ایامه فی طهران و تشرفت بخدمته کثیراً و کان لطلاب المعرفة و هدایة العلم العقلیة زحام علیه و التفاف حوله و اکبار له و اعجاب بفرازه معرفته و قوّة العقلیة الجباره...»<sup>۱</sup>

در اینکه آقاعدی کدام یک از ابواب فقه و در چه مرحله‌ای تدریس می‌کرده است و شاگردان ایشان در فقه استدلایی چه کسانی بوده‌اند، اطلاعی در دست نیست. همچنانکه از موضوع و سطح تدریس آقاعدی در کلام و ریاضیات نیز خبری نداریم. اما در زمینه فلسفه، آقاعدی مدرس به تدریس امور ذیل اشتغال داشته است:

۱. اسفار. حکیم مؤسس بزرگترین مدرس اسفار در عصر خود بوده و گرمتین حوزه حکمت متعالیه در تهران حوزه درس وی بوده است. از تاریخ ذیل بعضی تعلیقات<sup>۲</sup> اسفار و نیز یادداشت بعضی شاگردان بر می‌آید که وی ظاهر ایش از یک دوره اسفار تدریس کرده است. و این تدریس تاسیل ۱۳۰۶<sup>۳</sup> یعنی حدود چهل سال ادامه داشته است.

۲. المبدع و المعاد. تقریرات یکی از شاگردان آقاعدی از این درس بجامانده ولی تاریخ تدریس مشخص نیست.

۳. شرح الهدایة الائیریة. علاوه بر تعلیقات بجامانده از آقاعدی بر این کتاب ملاصدرا، میرزا حسن آشتیانی استاد منقول آقاعدی نزدی شرح هدایه می‌خوانده است.<sup>۴</sup>

۴. الشواهد الروییة.

۵. الہیات شفا.

۶. شرح حکمة الاشراق. تدریس سه مورد آخر با توجه به تعلیقات بجامانده از آقاعدی امری طبیعی است.

۱. شیخ آنابرگ طهران، تقیه البشر فی القرن الرابع عشر، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۷۳ و ۱۴۷۴، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸، ۲.

۲. یادداشت شیخ علی نوری (شیخ الشوارق) در لول اسفار نسخه کتابخانه بروی، آشتیانی، مقدمه رسائل حکیم سیزوی.

است: «جامع معقول و منقول بود و در آن دوفن به اجتهاد واستدلal درس می‌داد، نه به تقلید. در بر این مذکوره در هر کتابی مخصوص در الهیات بمعنى اخض به کشف و شهود رسیده بود.»<sup>۱</sup>

در ریحانة الادب در این زمینه مذکور شده است که «آقاعدی مدرس، غالباً کتب حکمت و کلام و ریاضیات را استادانه تدریس می‌کرد... جامع معقول و منقول بود و در مدرسه سپهسالار در هر دو رشته از روی تحقیق و استدلal تدریس می‌کرد و به همین جهت به مدرس شهرت یافت، چنانچه به جهت کمالات صوری و معنوی به حکیم الهی و استاد الایاتیدیز موصوف بوده است».<sup>۲</sup>

با این همه سیداحمد دیوان بیگی در تذکرة حدیقة الشعرا به نکته قابل تأمل اشاره کرده است: «لیل مقفورش ملاعبدالله از فحول علمای عصر خود بود و مدت‌ها در دارالخلافة طهران در مدرسه خان مرمری مدرس بود. خود چناب آقاعدی بیشتر میل به حکمت کردو آن فن شریف را تکمیل نمود و بدان واسطه از جلوس به مجلس پدر که خاص علمای رسمی بود مهجور شد. در دارالسعادة خود مشغول افاده و تدریس حکمت الهی گردید. بنده مکرراً در ک خدمتشان را کرده‌ام...»<sup>۳</sup> به هر حال آقاعدی در مدرسه مرمری تدریس نکرده و مدتی نیز آنچنانکه از گویندو<sup>۴</sup> نقل کردیم، در بیت خود به تدریس اشتغال داشته است. متأسفانه به جزئیات این مجهوریت از مستند علمای رسمی و انتقال تدریس از مدرسه به بیت در پاک بر هزار مانی در دیگر مأخذ اشاره‌ای شده است.

شیخ آنابرگ طهرانی که خود از معاصران، همشهریان و علاقه‌مندان آقاعدی مدرس طهرانی بوده است در این زمینه کاملتر از دیگران نوشته است: «قرآن الفقه والاصول والحكمة والكلام والتفسير والحديث وغيرها من العلوم الإسلامية وقد يرجع فيها جمیعاً واتفاقاً المعقول والمنقول و درس فيها بکفاية ولیاقت الاته تحصص فی الفلسفه و اشتهر بها، فقد تحقق فيها على علماء عصره المتخصصون وبلغ بیوغاً بالهـأ او صار صدر الحکماء و

۱. محمد معصوم شیرازی (لیل الصدر)، طریق الحقائق، تصحیح محمد جعفر مجتبی، تهران، ۱۲۴۵، ج ۲، ص ۵۰۲.

۲. میرزا محمد علی مدرس، ریحانة الادب، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳. تذکرة حدیقة الشعرا، سیداحمد دیوان بیگی، ص ۴۸۲-۴۸۳.

۴. «ابن افهد و اصول و حکمت الیه تدریس می‌کرد، ولی بعنوان تدریس این ماده دست کنید، اما طلاب اور اهانکرده و به مازلش بی‌روند و از حضورش استفاده می‌کنند، و خلاصه اینکه این گوشه بگزی ل شهرت کاستند، است» کنت دو گویندو، منابع و فلسفه در آسیای می‌کزی، ترجمه فارسی، ص ۸۱.

به هر حال جمع کثیری از فضلا از حوزه فلسفی و کلامی آقایانی مدرس طهرانی در طول چهل سال استفاده کردند. لازم به ذکر است که برخی از ایشان در استفاده از محضر آقایانی و آقامحمد رضا و میرزا ابوالحسن جلوه مشترک بودند. به هر حال مشاهیر شاگردان آقایانی عبارتند از:

۱- میرزا محمد باقر اصطهباناتی، وی پس از استفاده از حوزه عقلی تهران بویژه محضر آقایانی برای تحصیل منقول به عتبات رفت، و همزمان به تدریس فلسفه در حوزه سامراء و سپس لجف برداخت. حکیم، فقیه و اصولی بزرگ شیخ محمدحسین غروی اصفهانی صاحب منظومة فلسفی تحفة الحکیم و لهایه الدرایة فی شرح الکفایة و نیز شیخ غلامرضا زادی از تربیت شدگان مکتب فلسفی حکم اصطهباناتی هستند. وی در سال ۱۳۲۶ در جریان نهضت مشروطیت در شیراز به قتل رسید.<sup>۱</sup>

۲- حیدرقلی خان قاجار نهاوندی، از اجله تلامذ آقایانی و پس از اوی مدرس مدرسه سیه‌سالار بوده است<sup>۲</sup> و غالباً کتب حکمیه و زیاضیه را استادانه تدریس می‌کرد<sup>۳</sup> و بر تقریظی که بر آغاز چاپ سنگی بدایع الحکم (۱۳۱۴) نوشته است به شاگردی خود تزد حکیم مؤسس تصریح کرده است: «و من فرودین بنده آموزگار دولت فقر مذلت اقتدار حیدرقلی قاجار نهاوندی که این اندک بستودن از این بهین نامه بنگاشتم چه بسیار سالیان که از برکت صفات تعالی بزم انجمن حکمت گستر و معرفت بزرور این هوشور فیلسوف پس داشت و حکمت برهمی را بوده و اقباس معرفت همی نموده‌ام».<sup>۴</sup>

۳- میرزا حسن کرم‌آشاهی (متوفی ۱۳۳۶) از اجله تلامذ آقایانی<sup>۵</sup> و پس از اوی

۱. به قتل از استاد آشتیانی و نیز متوجه حمله ای سه، تاریخ حکماء غرفه متأخر بر صدرالمتألهین، ص ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۷.

۲. نایب الصدر شیرازی، طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۵۰۷، اعتقاد السلطنه، المأمور والآثار، ص ۱۰۳؛ آشتیانی، مقدمه اولر جلیه ص ۳۲، مقدمه امداد ص ۱۰، سه اصل ۱۵۸.

۳. طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۵۰۷.

۴. این تقریظ بالرذش که در صفحه اول چاپ سنگی بدایع درج شده متأسفانه در تختین باب حروفی بدایع (تهران، ۱۳۷۶) شیخ آقای روحانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۳.

مدرس مدرس سیه‌سالار بوده است.<sup>۱</sup> از جمله مصنفات او حواشی فراوانی است که بر اسفرار، شرح اشارات، طبیعتات و الهیات شفاف و شفته است.<sup>۲</sup> مهمترین شاگرد حکیم کرم‌آشاهی، میرزا مهدی آشتیانی است.

۴- میرزا هاشم بن حسن اشکوری رشتی (متوفی ۱۳۳۵) از بزرگترین اساتید عرفان در حوزه تهران، مهمترین شاگرد آقایانی مدرس رضا در عرفان که از محضر فلسفه آقایانی نیز بهره برده است.<sup>۳</sup> صاحب حاشیه مصباح الانس، فصوص الحکم، تمهید القواعد و فصوص قونوی و مشاعر ملاصدرا است.<sup>۴</sup>

۵- میرزا علی اکبر حکمی بزدی<sup>۵</sup> (متوفی ۱۳۴۵) صاحب رساله‌ای در ملل و نحل، رساله‌ای در حکمت متعالیه و رساله‌ای بدینه الهیه فی بیان مفهوم الماهیة و الوجود در رساله معرفة النفس و معرفة الرب.<sup>۶</sup>

۶- شیخ غلامعلی شیرازی، از اعاظم تلامذ آقایانی، صاحب حاشیه بر اسفرار و فصوص.<sup>۷</sup>

۷- شیخ علی نوری مشهور به شیخ الشوارق متوفی حدود ۱۳۳۵ صاحب حاشیه بر اسفرار<sup>۸</sup> و شوارق الالهام.<sup>۹</sup> وی در آخرین دوره تدریس اسفرار آقایانی شرف حضور داشته<sup>۱۰</sup> و در تعلیقات اسفرار از استاد با عنوان حکیم مؤسس یاد می‌کند.

۱. بیشین، بنت از استاد آشتیانی میرزا حسن کرم‌آشاهی پس از حیدرقلی خان تدریس در مدرسه سیه‌سالار را به تهه داشته است. (مقدمه اولر جلیه ۴۲/۱ و مقدمه امداد ص ۱۰/۱)

۲. دری، کنز الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۶

۳. مصطفی محقق داماد، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۳، ص ۱۱۲ و ۱۲۲.

۴. صدوقی سها، ص ۵۹.

۵. مصطفی محقق داماد، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۳، ص ۱۱۲ و ۱۲۲.

۶. آثار آقایانی اکبر در دو جلد نامه‌ای ذیل توسط وزارت ارشاد اسلامی در تهران منتشر شده است: ارسال حکمیه (۱۳۴۵) و مجموعه رساله‌ای کلامی فلسفی و ملل و نحل (۱۳۷۴).

۷. آشتیانی، مقدمه اولر جلیه، ص ۳۷.

۸. این نسخه از اسفرار در کتابخانه مدرس سه مردمی تهران نگهداری می‌شود.

۹. این حواشی در چاپ سنگی شوارق، تهران، ۱۳۱۱ (طبع حاج شیخ رضا ناجر کتابفروش) منتشر شده است.

۱۰. بر اساس باداشت شیخ علی بر اول اسفرار نسخه مدرس سه مردمی.

- ۱۶- شیخ الرئیس ابوالحسن میرزای حیرت، شاعر و ادیب حکیم، در سال از درس اسفار آقای اعلی استفاده کرده است.<sup>۱</sup>
- ۱۷- آقامیرزا عبدالمجید زنجانی.<sup>۲</sup>
- ۱۸- میرزا ابوالفضل رشتی متوفی حدود ۱۳۱۶.<sup>۳</sup>
- ۱۹- میرزا جعفر آشتیانی مشهور به میرزای کوچک پدر آقامیرزا مهدی آشتیانی.<sup>۴</sup>
- ۲۰- آخرنوند ملام محمد آملی (متوفی ۱۳۳۶) پدر آقا شیخ محمد تقی آملی.<sup>۵</sup>
- ۲۱- آقادید علی صدر العرفای صفائی سمنانی (متوفی ۱۳۴۸).<sup>۶</sup>
- ۲۲- آقادید محمد بن محسن زنجانی (متوفی حدود ۱۳۵۸)، در جوانی به درک اواخر محضر آقای اعلی موفق شده است.
- ۲۳- آقامیرزا ابراهیم حکمی اپتیاج الحکماء، داماد آقای اعلی متوفی ۱۳۳۲.<sup>۷</sup>
- ۲۴- میرزا محمد حسین صفائی اصفهانی (متوفی ۱۲۲۲)<sup>۸</sup> مدرس اشارات و شرح فضوص.
- ۲۵- میرزا محمد علی اصفهانی متخلص به حکیم (متوفی ۱۳۴۳).<sup>۹</sup>
- ۲۶- شیخ محمد رشتی که به دستور آقای اعلی تعلیقات اسفار استاد رادریک نسخه گردآورد.<sup>۱۰</sup>
- ۲۷- میرزا ابوالفضل طهرانی نوری، پسر صاحب مطابر الانظر، متوفی ۱۳۱۶.<sup>۱۱</sup>
- ۲۸- آقامیرزا ابراهیم زنجانی<sup>۱۲</sup>

- ۱- منتخب نویس (مجموعه: نظم و نثر جبروت)، تهران، ۱۳۱۲، مقدمه.
- ۲- صدوقی سها، ص ۱۵۸، به تقلیل از آشتیانی، مقدمه الکلام و الحکم، ص ۲۵۱.
- ۳- شیخ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۴- پیشین، ص ۸۵۱.
- ۵- مصطفوی، مقدمه دورالدولانی شرح الفرات ملام محمد تقی آملی، صفحه ۵-۶.
- ۶- صدوقی سها، ص ۱۵۸، (به تقلیل از نور: تذکر)، ص ۷۳.
- ۷- پیشین (به تقلیل از زنجانی، ص ۲۸۵، ۲۸۲).
- ۸- پیشین.
- ۹- آشتیانی، مقدمه شرح رساله شاعر ملام محمد لاهیجی، ص ۷۵-۷۶ پاریس او احمدس، ای خواناری، دیوان اشعار حکیم صفائی اصفهانی، مقلعه ۱۷۱.
- ۱۰- آشتیانی، پیشین.
- ۱۱- آشتیانی، مقدمه اولر چالیه، ص ۲۱.
- ۱۲- آشتیانی، مقدمه الشواهد الروییة، ص ۱۲۵.

- ۸- میرزا طاهر تنکابنی (متوفی ۱۳۶۰) جامع علوم عقلیه متمایل به طرقه مشائیه.
- ۹- میرزا الطف علی صدرالاافتال (دانش تبریزی) متوفی ۱۳۵۰، وی بیست و دو سال از محضر آقای اعلی کلام و فلسفه آموخته است.<sup>۱۳</sup> آقای اعلی بررساله «ایضاح الادب» وی تقریظی فاخر نوشته است.<sup>۱۴</sup> از این شاعر حکیم دو قصیده شیوا به زبان عربی در رثای استاد الاساتید آقای اعلی بهجا مانده است.<sup>۱۵</sup>
- ۱۰- ملانظر علی طالقانی صاحب کتاب کاشف الاسرار، متوفی ۱۳۰۶.
- ۱۱- نواب سلطان محمد میرزا قاجار، دوازده سال از محضر آقای اعلی استفاده کرده و از مقابر دوره قاجار محسوب می شود.<sup>۱۶</sup>
- ۱۲- شیخ عبدالتبی مجتهد مازندرانی (متوفی ۱۳۴۴) از فقهاء بزرگ تهران و صاحب حاشیه بررسائل شیخ انصاری که دوره معقول را در محضر آقای اعلی گذرانیده است.<sup>۱۷</sup>
- ۱۳- میرزا حسن آشتیانی، بزرگترین شاگرد شیخ انصاری و صاحب کتاب بحر الفوائد، وی استاد منقول آقای اعلی بوده، و خود از محضر آقای اعلی در معقول (شرح هدایه اثیریه) استفاده می کرده است.<sup>۱۸</sup>
- ۱۴- جمال السالکین مولی محمد زمان سوادکوهی آلاشتی متوفی ۱۳۲۲.
- ۱۵- جلال الدین ابوالفضل عنقاء طالقانی اوسی متوفی ۱۳۳۳ صاحب مثنوی انوار قلوب السالکین.<sup>۱۹</sup>

- ۱- شیخ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، القسم الثالث، ص ۱۴۶۵.
- ۲- نامه فرنگیان نوشته عبرت نایش (محدث علی بصیری) ص ۴۶۲، کاپنایه مجلس، تهران، ۱۲۷۷.
- ۳- این تقریظ بالروشن در کتاب نامه فرنگیان عبرت نایشی ص ۴۶۴ درج شده است. متن کامل این تقریظ را بر جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آزاده ایم.
- ۴- این دو قصیده دنیستین باز در روزنامه اختیرو پیس در دو کتاب نامه فرنگیان (صفحه ۵۰۱-۵۱۰) و مدینه الادب عبرت نایشی آمده است و متن کامل هر دو قصیده در همین مقدمه (صفحات ۵۵۵ تا ۵۷۱) ذکر خواهد شد.
- ۵- کشف الاسرار در جلد در تهران، ۱۲۷۶، توسط انتشارات حکمت منتشر شده است.
- ۶- اعتناد السلطنه، المأکرو الأطراف، ۲۲۶.
- ۷- محقق داماد، نامه فرنگستان علم، شماره ۳، ص ۱۴۱، و شماره ۳، ص ۱۲۳.
- ۸- سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه بررسائل حکیم سیزوی.
- ۹- شیخ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، القسم الثاني من الشیعه، ۷۹۲-۷۹۳.
- ۱۰- نامه فرنگیان عبرت نایشی، ۶۱۸ و طلمت عنقاء، تذکره طلمت، (تهران، ۱۲۳۹) ص ۱۴۸.

می نویسد: «آن جناب علاوه بر فضائل صوری دلایل فضائل معنوی بود در کمال خفید و سر با جناب منور علی شاه<sup>۱</sup> دست ارادت داده بود.»<sup>۲</sup> دوست و معاصر وی مجتبی حسن خان اعتمادالسلطنه در این باره نوشت: «در میان جمیع علماء عصر در تصریفات و صفر جنبد آن بزرگوار کسی دیده نشده است، چنانکه به علو نظر و رفت شاشش. صنعت شمسی را خود به رأی العین مشاهده فرموده در استخاره و تقالی به قرآن کریم نظری آنچنان صائب دارد که اخبار از ضمیر و غایب می کند... الغرض امروز ولایت طهران بلکه مملکت ایران به وجود مسعودیان بزرگوار همی افتخار می کند و اظهار اعتبار می نماید، کثر الله امثاله و مد ظلاله.»<sup>۳</sup> صاحب ریحانة الادب در باره فضائل معنوی آقاعلی نوشت: «بهجهت کمالات صوری و معنوی به حکم الله و استاد الاستاید نیز موصوف بود، علاوه بر مراتب علمیه در صفاتی باطن و تهذیب اخلاق بیزممتاز و طاق و از زمرة طالبین حق دستگیری می نموده است... سالهادر مدرسه سپاهسالار ازان و اگزیده در اثر ریاضت، اخلاق ستد و ملکات پسندیده به هم رسانیده، بلکه ذاتاً در روشن صفت و فقر در دوست و عارف پیشه و صوفی مشوش وارسته و بی تعین است.»<sup>۴</sup> «مرحوم آقاعلی حکیم از خیث دیانت و تصلیب در مبانی اسلامی و اشتغال دائمی به عبادات و اعمال و سفن شرع مشهور، و در حسن اخلاق زبان زد خاص و عام بوده است.»<sup>۵</sup>

آقاعلی مدرس بسیار متواضع بود، نحوه سخن گفتن او در باره خود در رسالت تاریخ حکما بسیار عبرت آموز و تأمل انگیز است. وی ضمن توصیف و تجلیل از حکما احتی حکمای

۱. حاج آقا محمد مجتبی شیرازی ملقب به منور علی شا، ۱۲۲۴-۱۲۰۱ هـ.ق) فرزند حاج محمد حسن مجتبی، از انتظام و منابع سلطنتی الله است. لویں از پیل به درجه اجنباد، از علماء و عاظین مشهور زمان در شیراز بود.

بعد از برادرزاده‌اش حاج سرزا زن البایدین ملقب به رحمت علی شاه چاشین وی شد. رامنور علی شاه، توسط فرزندش حاج علی آقاؤالریاستین و نیز حاج سرزا محمد حسن اصفهانی ملقب به منی علی شاه و فیض علی شاه و ملکون العرفة ادایه یافت. رجزع کشیده عبدالرافع حقیقت، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (تهران، ۱۳۷۲، چاپ دوم) ص ۷۷، لغت نامه دهدزاده، ذیل صفحه علی شاه، حاج سرزا احسان حسینی نسایی، تاریخ ناصری (تصحیح دکتر منصور رستگار قلائی، تهران ۱۳۶۷) ج ۲ ص ۱۱۱۸، طرائق الحقائق ج ۳ ص ۴۲۳، مکارم الآل ص ۷۷.

۲. محمد معصوم شیرازی، طرائق الحقائق، تصحیح محمد جعفر مجحوب، ج ۳، ص ۵۰۵، توجه به این نکته ضروری است که فقط الرأس منور علی شاه شیراز بود و در حالات آناعلی سفر به شیراز بیت نشده است. ظاهر آن دست ارادت، در صورت صحبت غیر مستقیم بوده است.

۳. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، المأثر والآثار، ص ۲۱۲.

۴. میرزا محمدعلی مدرس، روحانة الادب، ج ۲، ص ۳۹۱.

۵. سید جلال الدین آشتیانی، شرح رسالت اشعار محمد جعفر لاھیجی، مقدمه، صفحه ۴۹، معاشه.

۲۹- محمد معصوم شیرازی مشهور به نایب الصدر، صاحب طرائق الحقائق.<sup>۱</sup>

۳۰- محمدعلی کرمانشاهی<sup>۲</sup>

۳۱- عبدالعالی عراقی گرمودی<sup>۳</sup>

## ۵. اخلاق و منش آقاعلی

شیخ آقایزگ طهرانی که او اخر عمر آقاعلی را درک کرده و فراوان به خدماتش مشرف می شده است، در توصیف اخلاق و صفات حکیم مؤسس چنین می نویسد: «و كان قصیر القامة ضعيف البنية كثیر التواضع مع احترام و وقار، حسن الاخلاق رحبا الصدر صالح امام شر عاشيد القوى والروح، مهذب النفس، صفي الذات، عارفانيظر بنور الله اليمان يتعرف على النوايا الخفية وما تكتنه الضمائرة عند الاستخاره بالقرآن الكريم والله في ذلك قضياما عمروفة وحوادث مستفيضة مشهودة في التفسر والأخبار بالمقاصد من لدن الآيات المحكمات»<sup>۱</sup> نایب الصدر شیرازی که توفيق استفاده از محضر آقاعلی را داشته در طرائق الحقائق در توصیف استاد خود

۱. طرائق الحقائق، تصحیح محمد جعفر مجحوب، ج ۴، ص ۵۰۴.

۲. نسخه خطی سیل الرشاد (ال) و رسالت التوحید (ال). رجوع کنید به جلد دوم مجموعه مصنفات حکم مؤسس.

۳. نسخه خطی سیل الرشاد (ع). رجوع کنید به جلد دوم مجموعه مصنفات حکم مؤسس. ضمأناد کفر مصطفی محقق داماد راهبه فرهنگستان علوم، شماره ۴، ص ۱۲۱ باین المثلک میرزا عاصم الدوله را ز شاگردان آقاعلی شمرده است. بر این ادعای استدایی را نهاده است. شاگردی بیدع الملك غیر از آقاعلی اتفاک را کی بست تا در احوالی توسط خود و دیگران ذکر نشد. در اینکه بیدع الملك غیر از آقاعلی اکبر حکمی بزدی استادی در معقول داشته است جای تامل است.

آقای متوجه صدقی بهادر کتاب تاریخ حکماء عرفانی متأخر بر صدر المتألهین، ص ۱۵۸ آن به نقل از زنجانی، حسن (۱۴۰۷) سیدمهدي بن عبد الله موسوي زنجاني (۱۲۹۶-۱۳۵۱) از شاگردان آقاعلی شمرده است. با توجه به اینکه تاریخ تولد سیدمهدي ۱۲۹۶ گلزار شده می باید در زمان فوت آقاعلی ۱۱ ساله باشد. بالا حساب شاگردی ذی زد آقاعلی محل ثابت چندی است.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه الشواهد الربوبیه، ص ۱۰۷ آنچه ملامت محمد هدیجی را شاگردان آقاعلی معرفی کرده است. حکیم هدیجی در سرگذشت خود در پیان آشتیانی به آقاعلی اشاره نکرده است. استاد آشتیانی بیز بر ادعای خود دلیل اقامه نکرده است. لذا این سه نفر را شاگردان حکم مؤسس به حساب بیاوردند.

بعلاوه درین کاتبین رساله سیل الرشاد نسخه الف نام ابراهم و نسخه عنوان «سمی خاس من الخسر» از شاگردان آقاعلی به چشم می خورد. رجوع کنید به جلد دوم مجموعه مصنفات. ضمأناد کفر محقق داماد (ناه) فرهنگستان علوم، شماره ۴، ص ۱۲۶. از زمره شاگردان آقاعلی فردی بنام ملاحظر علی لشاگردان شیخ انصاری در منزل نام برده است که به احتمال وحدت آن باملا ملاحظر علی طلاقای صاحب کائیف الانس را ذکر مستقل آن خود را کردیم.

۴. شیخ آقایزگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، تقدیم البشیر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ص ۱۴۷۲-۳.

آقامحمد رضا بر حاج ملاهادی پیش افتاده‌اند، قدس‌الله‌اسرا‌رهم. با این‌همه آقایی بر حواشی حاج ملاهادی بر سفر ثالث اسفرار تعلیمه‌زده‌را و با بهایت اکرام و احترام باد کرد است: «العارف الكامل البازل و خید عصر نارفع مقامه فی عالم التقديس» (ص ۲۹۰). در مواردی برای سبزواری صحنه گذاشته و برای ارداعی خیر کرده است «طیب‌الله‌فالک، اللدرک» (ص ۳۶۸) و ۳۶۹ از اگر رأی اور اصابت نیافر، بااظرافت و در عین تجلیل تفاوت رأی خود را باز گفتند است. آقایی در دیگر تعلیقات خود بر اسفرار پیر از حواشی حکیم سبزواری غافل نبوده است.

اما نسبت به میرزا حسین سبزواری، استاد بزرگ ریاضی حوزه تهران، با این‌که آقایی در ریاضی نیز متبحر بوده و در این رشته نیز تدریس می‌کرده است، اما اثر مکتوبی در این زمینه بجانگذاشته است و نسبت به این معاصر خود اشاره‌ای در آثارش به چشم نمی‌خورد. سه استاد بزرگ حکمت در حوزه تهران هم‌مان با آقایی، آقامحمد رضا و میرزا جلوه بوده‌اند. تفوق علمی آقایی و آقامحمد رضا حتی در شرکت تخصصی میرزا ابوالحسن یعنی حکمت مشاهد در همان زمان عیان بوده است.<sup>۱</sup> در آثار آقایی صراحتاً به میرزا جلوه اشاره‌ای به چشم نمی‌خورد. هر چند میرزا جلوه در بعضی رسائل شود متعرب آراء مشهور آقایی مدرس شده است، از جمله در رسالت‌های جوهر به رو طابت به متغیر.<sup>۲</sup> بررسی دعاء‌جایه و رابط علمی این دو حکیم در گرواتشار مجموعه آثار میرزا جلوه است.

در اواخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهلاردهم بزرگترین استاد حکمت متعالیه در جهان اسلام آقایی و آقامحمد رضا بوده‌اند. این دو حکیم از جهات متعدد مشترک کاتی داشته‌اند.

اول: معاصر هم بوده‌اند، آقامحمد رضا (۱۳۰۶-۱۲۴۱)، آقایی (۱۳۰۷-۱۲۴۴).

دوم: هر دو متولد اصفهان و متوفی تهرانند.

سوم: هر دو پرورده حوزه عقلی اصفهان و مدرس حوزه تهرانند.

چهارم: اکثر استادی‌های دو مشترک است یعنی سید رضی لاریجانی، میرزا حسین نوری و حاج ملام محمد جعفر لنگرودی.

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۲. این دورساله توسط نگارنده تحقیق و تصحیح شده و تحت عنوان «دورساله میرزا جلوه» در فصلنامه نامه مفید، شماره ۶ (قم، قابستان ۱۳۷۵) منتشر شده است.

معاصر همین‌که نوبت به خودش می‌رسد، بدون این‌که اسم و نشانی خود را به تصریح بگوید بایک دنیافروتنی و خضوع که حقیقتاً انسان را متأثر و متراضع می‌سازد چنین می‌نویسد.<sup>۱</sup> (این حقیر ادراکی پست و ذهنی کندوسلیقه‌ای معرف دارم و بسیار بیلدمر در خدمت والد خود و ملا آقای قزوینی و حاجی محمد جعفر و حاجی محمد ابراهیم و آقامسید رضی و میرزا محمد حسن نوری تلمذ نموده‌ام ولی سودی نبخشید چون قبول ماده شرط است در افاضه فیض».

#### ۶. حکمای معاصر مدارس طهرانی

غیر از سلسله استادی‌دوشاغر دان حکیم مؤسس تنی چند از حکمای معاصر وی نه در سلسله استادی‌دویی گنجندونه از زمرة شاگردان وی به حساب می‌آیند که مهمترین آنها عبارتند از: حاج ملاهادی سبزواری (م ۱۲۸۹)، آقامحمد رضا قمشه‌ای (م ۱۳۰۶)، میرزا ابوالحسن جلوه (م ۱۳۱۴)، میرزا حسین سبزواری شاگرد حکیم سبزواری، مدرس مدرسه عبدالله‌خان در بازار بزرگ تهران و استاد آخوند هیلچی و آقامیرزا ابراهیم ریاضی زنجانی، تعریف میرزا حسین ریاضی بوده است. و مراد از حکمای اربعه تهران آقایی، آقامحمد رضا، میرزا ابوالحسن و همین میرزا حسین است. از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست، آماماً معاصر سه حکیم بادشده است.

با این‌که صیحت شهرت حکیم سبزواری در حکمت متعالیه قطعاً به گوش آقایی و آقا مخدمرضا سیده است، اما یهیچیک برای استفاده از محضروی به سبزوار از رفته‌اند و ظاهر اینه مندی از استادی‌سبزواری همچون ملا اسماعیل و سیدرضا آنان را زان سفری نیاز کرده بود. ظاهر اجلوه قصد عزیمت به سبزوار اداشته، امادر طهران رحل افامت می‌افکند. مقایسه آثار آقایی و آقامحمد رضا با آثار حاج ملاهادی اثبات می‌کند که علیرغم این‌که حکیم سبزواری نزدیک دو دهه برایشان تقدیم زمانی دارد، اما عالم‌آزاده‌به لحاظ سلسله استادی‌هم طبقه‌هستند و به لحاظ مرتبه علمی آنچنانکه به تفصیل خواهد آمد یا هم مرتبه‌اند، با این‌که در مواردی آقایی و

۱. سید محمدعلی چمال‌زاد، مقاله‌برات گویندو مجله‌پنما، شماره ۱۵۴، اردیبهشت ۱۳۴۰.

۲. برای آشنایی با شیخیت علمی آقامحمد رضا و میرزا جلوه رجوع کنید به مقالات سید معطفی محقق داماد در مجله‌نامه فرهنگستان علوم، شماره ۶، ۵ و ۷.

۳. متوجه صدوقی سپاه، تاریخ حکماء عرفای متأثر بر صدر العالیه، ص ۱۲۱، ۱۳۰.

۴. مرتضی مطهری، خدمات مقابله اسلام و ایران، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۵۲۱.

پنجم: اکثر شاگردان هردو مشترک است، یعنی پرورش یافتن گان حوزه تهران اکثر آن محضر این دو حکیم مشترک‌گاه‌بزرگ نداند. از قبیل میرزا طاهر تنکابنی، میرزا علی اکبر مدرس حکیم بیزدی، میرزا ابوالفضل طهرانی، میرزا محمد حسن کرمانشاهی، میرزا هاشم اشکوری، میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی، آقامیرزا محمد باقر اصفهانی، آقامیرزا شیخ علی شیرازی، آقامیرزا محمد علی اصفهانی، میرزا اصفای اصفهانی، میرزا جعفر آشیانی، شیخ علی نوری، شیخ حیدر نهارندی و ...

ششم: هردو از بزرگترین اساتید حکمت متعالیه صدر ایپی بوده‌اند.

هفتم: هر دو اهل معنی و سیر و سلوک و صفاتی باطن و تهدیب نفس بوده‌اند. با این همه آقامحمد رضا اولاً قبل از حوزه تهران، در حوزه اصفهان و قمشه بیز تدریس کرده بود، اما آقای افغانی تنهاد در حوزه تهران تدریس می‌کرد، لذا طول تدریس آقای افغانی در تهران سه برابر تدریس آقامحمد رضا در این حوزه بوده است. ضمناً آقای افغانی علاوه بر حوزه اصفهان در حوزه تهران و قزوین نیز درس خوانده است.

ثامن: گرایش اصلی آقامحمد رضا عرفان نظری بود و تسلط ایشان در ابعاد ذوقی و عرفانی حکمت متعالیه مسلمان‌آزاد آقای افزاون بوده، بلکه می‌توان از این حیث آقامحمد رضا را در زمرة بزرگترین حکمای متعالیه دانست. بی‌شک آقامحمد رضا باز بزرگترین عرفای پاصلد سال خیر جهان اسلام است و در درک و شرح عرفان محبی الدین سرآمد عمارفان است.

اما گرایش اصلی آقای افغانی حکمت برهانی بود، و سیطره ایشان در ابعاد استدلایلی و فلسفی حکمت متعالیه و تصرف ایشان در مبانی و لرائی ابتکارات متعدد فلسفی از آقامحمد رضا برتر بوده، حتی از این حیث آقای افغانی تنهاد عضر خود بلکه بطور مطلق از حکیمان طراز اول حکمت متعالیه محسوب می‌شود، بلکه می‌توان بعداز حکمای صاحب مکتب یعنی فارابی، ابن سینا، سهروردی و صدر المتألهین، و فرادر ردیف حکمای صاحب مبنای ثالث از قبیل میرداماد دانست. لرائی تفصیلی آراء ابتکاری آقای افغانی مدرس این مهم را ثابت می‌کند. به هر حال مقایر فرعی این دو حکیم بزرگ حکمت متعالیه به جای خود محفوظ است و هیچیک جای دیگری را نمی‌گیرد. امیدواریم مجموعه مصنفات حکیم و عارف بزرگ آقامحمد رضا مقدمه‌ای بیز منتشر شود و با استخراج ابتکارات معظم له قدر و منزلت ایشان پیش از گذشته شود.

## ۷. معاصران آقای افغانی

ابعاد مختلف هر شخصیتی با مطالعه معاصران وی ثبیت می‌شود. فارغ از اساتید، شاگردان و حکیمان معاصر حکیم مؤسس مهمترین معاصران آقای افغانی مدرس طهرانی عبارتند از ناصر الدین شاه قاجار، میرزا حسن خان اعتماد السلطنه، کنت دوگوینو، حاج محمد کریم‌خان کرمانی، بدیع الملک میرزا، وبالآخره شیخ آقا‌بزرگ طهرانی، مادر دنبال به اختصار به نحو ارتباط و مناسبات آقای افغانی با شخصیت‌های یادشده اشاره می‌کنیم:

### ۱- شاهان قاجار

حیات آقای افغانی (۱۲۳۴-۱۳۰۷) مصادف است با سلطنت شاه قاجار، فتحعلی شاه قاجار (سلطنت ۱۲۱۲-۱۲۵۰)، محمد شاه قاجار (سلطنت ۱۲۵۰-۱۲۶۴) و ناصر الدین شاه قاجار (سلطنت ۱۲۶۴-۱۳۱۲) دوران کودکی و جوانی دوران تحصیل آقای افغانی همزمان با سلطنت فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار است و دوران پختگی و تدریس را استادی آقای افغانی مصادف با عصر ناصری است.

ملاءکه‌الله مدرس زنوزی پدر فاضل آقای افغانی به دعوت فتحعلی شاه قاجار از اصفهان به تهران آمد و به در خواست او سه کتاب لمعات الهیه، منتخب الخاقانی و انوار جلیل را به فارسی تصنیف کرد و در خطبه‌های کتاب فتحعلی شاه قاجار را استوره است. ملاءکه‌الله موردن توجه و عنایت در بار قاجار بود، در اطهاری حسنه و بیکو با شاه قاجار داشته است.

رابطه آقای افغانی با دربار قاجار و ناصر الدین شاه نیز حسنه بوده است، هر چند به شدت رابطه پدرش نبوده است. اکثر آثار آقای افغانی فاقد خطبه و مقدمه به شیوه مألف است از سه کتاب و رساله دلایل مقدمه‌وی یعنی بدایع، رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد و رساله فی التوحید، تنهاد مقدمه بدایع الحکم خطبه‌ای بنام ناصر الدین شاه قاجار درج کرده است<sup>۱</sup>، و

<sup>۱</sup> متألفان این بخش از خطبه بدایع الحکم در نخستین چاپ حروفی آن (تهران، ۱۳۷۶، اش) حذف شده است. برای آشنایی دعده چاپ‌ها آقای افغانی و تکمیل مجموعه مصنفات وی بخش حذف شده خطبه را بر اساس چاپ سه‌گانه بدایع (تهران، ۱۳۱۴، قی ص ۳۵۵) ارائه جامی آرزوی: «که اعلیحضرت سلیمان شوکت سکندر حشمت دلار ادیان، خانان گیتی شان، فرمان فرمای مسئلک ایران، شاهنشاهی که پادشاهان جهان و سلطنت زمان از تنبیل آستان بارگار نعمت و جلالتش باشد بر فرق فرقان و طبقه بر هر امام و کوئن زده اند، ←

حاکی از رضایت نویسنده از منش و روش شاه قاجار است. اینگونه خطبه هارا در مقدمه

→ صاحب حشمتی که پادشاه چشم توالت و سهل از مشاهده شد، غیر مخصوص و جنود ناسعدودش تریان و هران

قوری بر گفت، چنانست این گندم بیان رامان و مارای خود ساخت، بهرام خون آشام را پیشان و ماه گردون نور در را  
دیده بان نمود، همانا لش شدت بهم و هراس پای نیاش متازل گردید، گاهی برایان قصر لاجوردی به پر محیط  
فکرت غوطه خوده در فریای عرق الفعال ریخته و گاهی از اضطراب و اضطرار در فریان سلطع خاکستری پنهان  
گردید، اینگشت حیرت به دلائل گرفته، شهریاری که از مهابت سنان شمارا کشش بهرام خون آشام در پنج پایان  
سپهر لیلی فاپر خود را زیده روی به مظاک تهدید لصلحت شمشیر غیر ایشانش شیران پیش دغادر بیرونها خزیده  
سر کشان و ادی طام و چنانچه هلاک مذلت انتقام اند، عدالت گستری که صیت عدل و داده از شری تاثیر فار گرفته،  
داروی که با اندک تسمی خاله هستی ستمگان زرایاده فنا دارد و شاهر طبا شان را چنان لایخ بر گذته ماش قهر  
پادشاهی سوخته که شیر پانچجر هدم گردیده، گرگ با میش هم نفس، صعوه باز هم زیان آمد، کلک باشین  
هم نشین و توأمان، ولعن ماقبل، شعر:

بدروزگار تو باقی نیاد دست طارو مگر سواعد سین و بازون سین را

دین بروی کفر قدر شریعه عالمدار از طائفه حکما نفس الله اسراریم و سلسله اینقه قنها در ضرائنه الله علیهم که در  
حفظ و حمایت علاید اصلیه دین همین و ضبط و صفات قاعده فرعیه شریعت سید المرسلین صفات الله العالیه، آنان به  
منزل امدادگر باطنیه قوی از الله انسان کبیر شیر و دین و اینان بدینه ایشان که از طاهره اند به اینهای پادشاهان و علایات شریانه  
که از خصلات و لوازم اعلیحضرت شاهنشاهی است چنان مختصر و سرافراز و ازوای طایف و چواپریز صفات پیر زاده و  
خرسته قرمهه که خورشید نهایان عقاید اصولیات پیش اسلام و ما بایان قواعد فرع شریعت هر ای حضرت اخیر الانام  
علیه صفات الله المعلم العلام در آسان دین و آین از حضیره نقص به لوح کمال رسیده و مهر در خشنده طرب مترضی  
و مذهب بجهیزی سر از مشرق اعتدال بر آورده شاعر اورش شرق و غرب عالم را فرور گزندار کان کفر و فراق منهدم از علام  
خلاف و شفاقت نگویان گردیده و اینه قفصل و کمال و مدار تکمیل اخلاقی و احوال چنان و سمعت پائمه که در هر گزندار  
مالک ایران فضلای تابدلو سلاک عالی مقدار و فنای ذوق اللطف و المجد و اقتدار و حکمای اول الاباب والاتکار  
الاصفار به شر قواعد علمیه و معارف حقیقیه و معلم دین و دینه و اخلاص مر پیه اشتغل دلار، و هو السلطان الاعظم و الخافان  
الاخشم، «للاه الام مملک ملوك العرب و العجم، الفائز فی سبیل الله، العجاجه دین الله، السلوان بن السلطان بن  
السلطان و الخافان بن الخافان، ابو المظفر ناصر الدين شاه قاجار خدا الله مملک و سلطان و ادام الله ظلم و بیان الله  
جعله قاهر اعلى الكفرة والشر لغایل اعلى الفتنه والتجلی اساطیل البیل و الانسان قالما اصول الفعلم و الجرود  
الاعتسان بالذی و آله الاشراف بالطاف و توجهات سلطنت عظمی و ولایت کبری نفس کلیه الیه حضرت حجت عمر  
سلطنت و چهان پایی و تخت نکرت را شاهانی مستقر بدو پایان و بر قر لباد بالتبی و الامجاد،  
تبجه کبری خلافت باهر در قدر اعظمی سلطنت فاهر سلسله خاندان چلالت و فتحات تقداره دویان حشمت و افات  
خلاصه و اتفاق مواقف پایه و بیان در پیاض، حدائق رفعت و جلال زهره از هر احیانه دولت و اقبال به علوم المعرف و  
الکمال بهر لجوم الطایف و المجال، بهم علام مجامع منا خوت و انتشار مصروفه جوامع مقامات و اقتدار مخزن منابع  
شاهرزاده کان اولی الایدی و الاصصار معدن متأخر امیرزادگان ذوق العز و الاعتبار، شعر:

هم کرامت در حسبهم باشانی در نسب جامیع علم و ادب مجموعه مجدد قثار  
پایه فکر تشن در تحقیق، عطالب علمیه محکم و مهایه در ایشان در تدقیق مقاصد عقلیه مستحکم، مجلن بهشت آتشش مرجع  
امتی دولت، محفل بهجت قریش مجمع فضلک ایل ملت مصدر مولع و مظاهر مناقب من جم ملیب؛ هرچه حجت غالب  
به هر چه حکمت طالب، به هرچه مال تو انگر، به هرچه کل توانا...»

دیگر کتب این عصر اعم از فقهی<sup>۱</sup> و فلسفی<sup>۲</sup> وغیر آن می توان مشاهده کرد و در مجموع  
جای تأمل دارد، آثار جناب صدرالمتألهین از این نقطه ضعف خالی است.

از زاویه دیگر، آقایی نخست در مدرسه قاسم خان (معروف به مادر شاه منسوب به  
مهدعلیا مادر ناصر الدین شاه) و سپس در مدرسه سپهسالار تدریس می گرد و همواره مورد  
احترام دربار بود، اما باید از نظر دور داشت که اولاً دربار با اکرام و احترام به علماء در بی  
تبیت موقعیت خود در میان مردم بود، نه اینکه علمای یازی به حمایت دربار داشته باشند،  
ثانیاً در منش و روش و مکتوبات آقایی هیچ نکته ای دال بر تعلق خاطر و تمایل به ارباب  
قدرت و جاه و سلطنت مشاهده نمی شود.

۲- میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹- ۱۳۳۱)

میرزا حسن خان از ۱۲۸۴ تا پایان عمر خود با ناصر الدین شاه همدم و همسفر و  
شهر ابوده، و مسئولیت قرانت روزنامه برای شاه را به عهده داشته، درس خوانده فر اسد بود  
و با غرب آشنا، زیر نظر وی یک رشته کتاب تألیف و ترجمه شد. از جمله مهترین  
خدمات فرهنگی وی تألیف در کتاب است به نامهای «المأثر و الآثار» که تاریخ ایران را از  
زایای مختلف به ویژه فرهنگی در عصر ناصری به رشته تحریر در آورده است و یکی  
از روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه<sup>۳</sup> که خاطرات روزانه دی<sup>۴</sup> است. وی مربido دوست  
آقایی بوده و آنچنانکه از مطالعه روزنامه خاطرات بر می آید فراوان به منزل حکیم موسس  
سر می زده است. به عنوان نمونه: «۱۶ ذی قعده، صبح که خدمت جناب آقایی کاغذ  
نوشتم دو سطر در جواب من نوشته بود که خیلی مر امتنان کرد، به نظرم رسید که آخرین  
خط شریف ایشان باشد.<sup>۵</sup> به آخرین یادداشت وی در باره آقایی در بحث وفات حکیم  
مؤسس اشاره خواهیم کرد. قبل از نحوه معرفی وی در کتاب المأثر و الآثار نسبت به  
آقایی اشاره کردیم: «استادالاساتید آقایی زنوزی سلمه الله... امروز لایت طهران بلکه

۱- به عنوان نویزه رجوع کنید به مقدمة کشف الغطاء في شرح مheimat الشریعة الغراء، لوشنده شیخ جعفر کبیر.

۲- به عنوان نویزه رجوع کنید به مقدمة اسرار الحكم لوشیه حاج ملاهادی بنیزولی.

۳- هر دو کتاب توسط ایرج اشتر تصحیح و در تهران منتشر شده است.

۴- ۵- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه من ۷۰۵ و ۷۰۸.

ملکت ایران به وجود مسعود بن بزرگوار افتخار می‌کند و اظهار اعتبار می‌نماید، کثر الله امثاله و مدظلله له<sup>۱</sup>. ارتباط نزدیک میرزا محمد حسن با آقاقلی از دو زاویه قابل مطالعه است. اول با توجه به ارتباط بسیار نزدیک اعتماد السلطنه<sup>۲</sup> با صدرالدین شاه قاجار، وی در تقریب حکیم و شاه بسیار موثر بوده است. دوم: با عنایت به اطلاعات محمد حسن خان از غرب و دنیای جدید، این ارتباط در اطلاع آقاقلی از جهان معاصر و غرب موثر بوده است.

### ۳- کنت دو گوبینتو (۱۸۱۶-۱۸۸۲ میلادی)<sup>۳</sup>

عالی و سیاستمدار فرانسوی کنت دو گوبینتو از ۱۸۵۵ تا ۱۸۷۵ سفیر کبر فرانسه در تهران و از ۱۸۶۲ به مدت دو سال وزیر مختار فرانسه در ایران بوده است. علاوه بر آن در سویس، بونان، برزیل و سوئیس، مأمور سیاسی فرانسه بوده است. مهمترین اثرش «رساله درباره نابرابری ترازهای انسانی»<sup>۴</sup> است. دیگر کتاب او «تاریخ ایرانیان طبق آثار شرقی یونانی و لاتینی»<sup>۵</sup> نام دارد، بیشتر شهرت گوبینتو ناشی از نظریه ترازی اوست. بخش مهم آثار و یادداشت‌های او در کتابخانه ملی شهر استرسبورگ مضمبوط است.<sup>۶</sup> وی در زمانی فلسفه و فلسفه ایران مطالعاتی داشته و از این حیث با آقاقلی رفت و آمد های داشته و از حکیم موسس درخواست می‌کند که تاریخ حکمای ایران را در هفت قرن اخیر که کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته بهارشته تحریر در آورد. گوبینتو این رساله منحصر به فرد را با خود به فرانسه می‌برد.<sup>۷</sup> وی در کتاب «مذاهب و فلسفه‌های آسیای مرکزی» در ۱۸۶۵

۱. المalar و الآثار، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲. بهترین میثاق تحقیق درباره گوبینتو در مجله کتاب آلمانی به قلم لوویک شیان تحت عنوان «عنای و تحقیقات درباره زندگانی گوبینتو» است:

Ludwig Schiemann

"Quellen Und Untersuchungen Zùm Lebens Gobineaus"  
Strassburg, Verlag Von Karly, Trübner, 1914.

3. "Essai sur L'inégalité des races humaines".

4. "Histoire des perses d'après les ouvrage orientaux, Grec et latins".

۵. ر. ل. فرهنگ لارسی معین، ج ۶، ص ۱۶۷۷-۱۶۷۸.

۶. سمته اصلی این رساله در ضمن پرونده گوبینتو در کتابخانه داشگاه استرسبورگ فرانسه نگهداری می‌شود. رساله تاریخ حکمای ایران در جلد سوم همین مجموعه منتشر خواهد شد.

7. Joseph Arthur Gobineau  
Les Religions et les philosophies dans L'Asia Central, 1865.

این کتاب توسطم، ف. افروزی آپه لارسی ترجمه شد، با توجهه کارشناسی های این ترجمه تدبی، ترجمه مجلد کتاب شایسته است.

فیلادلی (مطابق با ۱۲۷۴ هجری قمری) در فصل چهارم کتاب تحت عنوان تصوف و فلسفه بر اساس رساله آقاقلی به معرفی فلاسفه ایران پرداخته، اطلاعات ارائه شده در این کتاب درباره فلاسفه ایرانی بویژه فلاسفه‌های قابل توجه است و جز بر اساس رساله آقاقلی قابل دسترسی وی نبوده است. به عنوان نمونه به دیدگاه‌های درباره آقاقلی اشاره می‌کنیم:

«آقاقلی طهرانی استاد مدرسه مادر شاه تهرانی، داشمند قابل ملاحظه‌ای است، هیکل کوچک و اندام ضعیف و لاگری دارد و رنگ صورتش مایل به سیاهی است، اما چشم‌مانی نافذ دارد و فوق العاده باهوش است تحصیلات خود را نزد پدرش ملا عبد الله مدرس [از نوزی] و ملا آقا قزوینی و حاج ملا جعفر لاهیجی [النگروی] و حاج محمد ابراهیم [نقشه‌فروش] و مسیلدزی [از ریجانی] و میرزا محمد حسن نوری به پایان رسانیده است، راجع به عقاید فلاسفه شهیر مطالعی نوشته است، ابتداءه و اصول و حکمت الهی تدریس می‌کرد، ولی بعد از تدریس این مواد دست کشید، اما طلاق اور اراره‌انگاری داده و به منزلش می‌روند و از محضرش استفاده می‌کنند، و خلاصه آن که از این گوشش گیری از شهرتش کاسته نشده است. اکنون مشغول نوشتن کتابی است در تاریخ فلسفه، یعنی از ملاصدرا شروع کرده و به زمان حاضر می‌رساند.<sup>۱</sup> او بعد از شهرستانی او لین کسی است که به نوشتن تاریخ مسروچ فلسفه اقدام کرده است.<sup>۲</sup>

بنابراین بعضی اساتید<sup>۳</sup>، کنت دو گوبینتو از آقاقلی مدرس برای تدریس فلسفه در دانشگاه سورین فرانسه دعوت می‌کند. ظاهر آقاقلی پس از مدتی دعوت را می‌پذیرد، اما برخی از شاگردان حکیم موسس از جمله شیخ عبدالنبی مجتهد مازندرانی، استاد اساتید را از این سفر منصرف می‌کنند، اگر این سفر علمی محقق می‌شد، آقاقلی مدرس طهرانی نخستین فیلسوف ایرانی بود که از یک سو در یکی از مراکز معتبر غربی فلسفه اسلامی

۱. ابن مشخصات بارسلان‌التاریخ حکمای ایران به خط آقاقلی موجود در پرونده گوبینتو در استرسبورگ در مولز دیبل مختار است، اولاً حجم این رساله انداره بیک کتاب مشروح تاریخ فلسفه‌ی اسلامی رسد، نایاب این رساله را نگذشتند، فلسفه‌ی قبل از صدرالملائکین به اختصار مورد اشاره و ترکیه گرفته است. بسیار مستبعد است که آقاقلی بجز رساله فوی الذکر کاری دیگر در این زمینه تاییب کرده باشد.

۲. مذاهب و فلسفه‌های آسیای میانه، ترجمه فارسی، ضخمه ۸۹.

۳. دکتر مهدی حائزی بزدی به نقل از بهادر الدین نوری پسر شیخ عبدالنبی مجتهد نوری مازندرانی.

تلریس می کرد و باعث آشنایی بدون واسطه متفکران غربی با فلسفه اسلامی می شد، و از سوی دیگر خود از نزدیک با فلسفه معاصر غرب آشنا می شد. به هر حال رفت و آمد ها و سئوالات کنست در گویندو در آشنایی ولو اجمالی آقای اعلی با فلسفه غرب موثر بوده است. جلوه ای از این آشنایی را در او اخیر بدایع الحکم می توان مشاهده کرد.

#### ۴- حاج محمد کریمخان کرمانی (متوفی ۱۲۸۸)

وی در جمیع علوم عقلیه و نقلیه دعوی استادی می نمود. از جماعت شیخیه (پیروان شیخ احمد احسانی) بعداز سید کاظم رشتی گروهی بدروی گرویدند او را رکن چهارم لازار کان اصول عقاید خوش گرفتند. در غالب فنون کتاب و رساله نوشته است، از جمله رساله ای در رد باب، ارشاد العوام و فصل الخطاب در علم حدیث<sup>۱</sup>. در جمادی الاولی ۱۲۷۵ در حضور جمعی از علماء و سیاسیون مناظره ای در باب رسائل حکمی بین آقای اعلی و حاج محمد کریمخان واقع شد<sup>۲</sup>، که به عجز حاج محمد کریمخان از جواب در بسیاری از موضع انجامید و حاضران به تفوق علمی حکیم موسس اعتراف کردند. قبل از آن نیز بین این دو عالم مناظرات دیگری انجام شده بود که متأسفانه ثبت نشده است.

#### ۵- بدیع الملک میرزا

بدیع الملک میرزا پسر امام قلی (منوچهر میرزا) عمام الدله پسر محمدعلی میرزا (دولتشاه) پسر فتحعلی شاه قاجار ملقب به حشمت السلطنه و از ۱۳۰۴ په عمام الدله ثالثی بوده است<sup>۳</sup>. مدتیادر کر دستان، کرمانشاهان ویژد وغیر آن استاندار بوده است. حدود ۱۲۵۲ متولد شده و بعداز ۱۳۱۳ از دیارقه و در قبرستان ظهیر الدله شمیران مدفون است<sup>۴</sup>. او شاهزاده ای فاضل و درس خوانده بوده است. کرین اورا «افتخار طبقه اشراف ایرانی قرن گذشته»<sup>۵</sup> نامد. تبعیر او در فلسفه اسلامی از سه اثر وی هویدا است. یکی عمام الدله که

۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ص ۱۹۹.

۲. من کابل به جانشاد از بنی مناظره در چند سو مجموعه مصنفات حکیم موسی منتشر خواهد شد.

۳. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۴۷۲.

۴. کریم مجتبی، مقاله ذکر فلاسفه بزرگ غرب در کتاب بدایع الحکم، مجله راهنمای کتاب، استند ۱۲۵۴.

۵. مقتبه فرانسوی هاری کرین بر کتاب المشاعر (تهران ۱۳۴۲ ش) ص ۵۴۵۳.

ترجمه فارسی رساله مشاعر ملا صدر است<sup>۱</sup> و دیگری حکمت عمادیه تفسیر فارسی رساله الدرة الفاخرة عبد الرحمن جامی<sup>۲</sup> که در تقریر دروس استادش میرزا علی اکبر حکمی پرداز است، وبالآخره سومی سئوالاتی که پاسخ به آنها به نگارش کتاب بدایع الحکم از سوی آقای اعلی مدرس انجامید. بدیع الملک بازیان فرانسوی آشنایی بوده و از مظاهر تمدن غرب و فرهنگ اروپایی نیز بی خبر نبوده است، پر اکاذ طریق برخی دوستانش که به کشورهای اروپایی رفت و آمد داشته اند، از تازه ترین تأثیرات فلسفه معاصر اروپایی مطلع بوده، به عنوان نمونه در نامه بدیکی از دوستانش تقاضا کرده که کتاب جدید الاشتار فیلسوفی فرانسوی به نام اولن (Evellene) متفوای ۱۹۱۰<sup>۳</sup> که بنایه تصریح وی در مساله لايتناهی از مسائل حکمت جدید نوشته شده برای او تهیه کند<sup>۴</sup>. بدیع الملک سئوالات فلسفی خود را در انتخاب باستادش میرزا علی اکبر حکمی پردازی در میان می گذارد، اما ظاهر آجوبهای میرزا علی اکبر به این سئوالات<sup>۵</sup> وی را راضی نمی کند و این سئوالات را از آقای اعلی مدرس طهرانی می پرسد. تأمل در کمیت و کیفیت بدایع الحکم (و نیز تعریفهای مذکور در مقدمه بدیع الملک میرزا) نشان می دهد که آقای اعلی برای سئوالات بدیع الملک ارزش قائل شده است. سؤال هفتم نشان می دهد که بدیع الملک از آراء فلسفه جدید غرب از جمله بیکن (۱۶۲۶)، دکارت (۱۶۵۰)، اسپینوزا (۱۶۷۷)، بوسوئه (۱۷۰۴)، کانت (۱۸۰۴)، فیشته (۱۸۱۴)، هنگل (۱۸۱۳) علاوه بر اولن (۱۹۱۰) اطلاع نسبی داشته است. بدیع الملک میرزا قصد داشت با اینگونه سئوالات طرحی تو در اندازد و بایجاد نوعی تفاهم، بنای تازه ای مبتنی بر آراء و افکار فلسفی و عقلی حکماء اسلامی بریاسازد که از بارش بران و تابش آفتاب گزندی نیابد<sup>۶</sup>. اگرچه بعضی فضلاء

۱. عمام الدله که در این مجموعه مشاعر و ترجمه فرانسوی به همت هاری کرین در تهران ۱۳۴۲ منتشر شده است.

۲. حکمت عمادیه هررا، با این در نظر از آخره سئوالات بدیع الملک به این ترتیب شده است.

۳. عنوان لاتین کتاب بنایه تصریح بدیع الملک به این قرار است:

Evellene, "Infini de temps et d'Espace"

کریم مجتبی، مقاله بدیع الملک، میرزا عمام الدله و اولن فیلسوف فرانسوی، مجله راهنمای کتاب بهمن و اسفند ۱۳۵۵

۴. میرزا علی اکبر حکمی پردازی در پاسخ سئوالات بدیع الملک پاسخ گشته است، این تولیت اول به اینجا ملکه دار و دستور داده است.

۵. پاسخهای این تولیت در مجله نامه فرهنگستان علوم شماره ۳ صفحه ۱۴۰-۱۴۲ به همت سیده مطفی معحق داماد نوبت

دوم پاسخ در کتاب رسائل حکمیه میرزا علی اکبر مدرس پردازی حکمی (تهران ۱۳۶۵) ص ۱۵۰-۲۹ منتشر شده است.

۶. دکتر کریم مجتبی، مقاله ذکر فلسفه بزرگ غرب در کتاب بدایع الحکم، مجله راهنمای کتاب، اسفند ۱۳۵۴.

بدیع الملک را زجمله شاگردان آقای علی شمس‌زاده<sup>۱</sup>، امامه در مقدمه بدایع الحکم و نادر من سئالات اشارة‌ای به رابطه استادی و شاگردی نشده است. چنین رابطه‌ای در صورت وجود قطعاً از سوی استاد و شاگرد تصریح می‌شد<sup>۲</sup>، در دیگر منابع نیز هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است، لذا شاگردی بدیع الملک نزد آقای علی، احرار نشده است. بهر حال آقای علی حداقل با سه طریق امکان آشناشی با فلسفه و اندیشه معاصر غرب را داشته است. یکی از طریق کنت دو گوبینو، دیگری از طریق بدیع الملک میرزا ارسوم از طریق محمد حسن خان اعتماد‌السلطنه، هر چند آثار آقای علی به ویژه او اخیر بدایع الحکم نشان می‌دهد که آقای علی در این طریق چندان گامی برداشته است.

#### ۶. شیخ آقابزرگ طهرانی (۱۲۹۳-۱۳۱۹)

محمدحسن رازی مشهور به شیخ آقابزرگ طهرانی کتاب شناس و رجل بزرگ معاصر صاحب دائرة المعارف کتاب شناختی النزیعة فی تصانیف الشیعه و نیز مجموعه عظیم طبقات اعلام الشیعه، در کتاب آخر ضمن تجلیل از آقای علی مدرس نوشته است: «ادر کت او اخیر ایامه فی طهران و تشرفت بخدمته کثیر»<sup>۳</sup> ظاهر اشیخ آقابزرگ در دوران لوجوائی محضر آقای علی را درک کرده است. در همین کتاب تذکر داده است که «وقد حضرت تشییع العظیم الی مشهد عبدالعظیم و وزرت کراراً أمر قدّه»<sup>۴</sup>.

#### ۷. وفات حکیم مؤسس

آقای علی مدرس پس از عمری حیات پربر کت در شب شنبه ۱۷ ذی القعده سال ۱۳۰۷ هجری قمری (مطابق با ۱۲۶۸ هجری شمسی و ۱۸۸۹ میلادی) در تهران به رحمت ایزدی پیوست و در شهری بین مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی و حمزه (ع) مدفون شد. آنچنانکه از آخرین کتاب ناتمام اوی بر می‌آید پایان عمر حکیم مؤسس با دردی جانکاه همرا بوده

۱. ذکر سید عصطفی محقق داماد، مجله تاریخ هنگستان علم، شماره ۴، ص ۱۴۱.

۲. رجوع کنید به نحو توصیف آقای علی از بدیع الملک میرزا در مقدمه بدایع الحکم، این قسمت از مقدمه در صفحه ۴۶ همین متنلمه ذکر شد.

۳. تبادل اشعار فی القرآن الرابع عشر، طبقات اعلام الشیعه القسم الرابع من الجزء الاول، ص ۱۴۷۴.

است. «جون سر از زانو بردارم [از شدت درد عدم تحمل آن] بر دیوار کویم».<sup>۱</sup>

دوست بزدیک آقای علی، میرزا حسن اعتماد‌السلطنه در روز نامه خاطراتش می‌نویسد: «...شنیدم شب شنبه هفدهم آقای علی حکمی به رحمت خدارفت. دیگر شرح ملالت خود را نمی‌توانم [پدیدم] و دیگر محال است این دوره جفت آن بزرگوار را پسورد. خداوند ان شاء الله روانش را شاد بدارد. مسلمان و شیعه حقیقی که در این زمان بوده‌مان بود...»<sup>۲</sup>

روز نامه اختر خبر رحلت حکیم مؤسس را چنین اعلام داشت:

«صدر المتألهین آقای علی مدرس زنوزی که از اجله حکماء ایران زمین بود، در شب شنبه هفدهم ذی القعده جهان فانی را بندروه گفت، مرغ روح پاکش به کنگره خلد برین پرواز نموده است. از قراری که اشتهرار دارد آن مرحوم مغفور علاوه بر این که در فن معقول و منقول بپژوه حکمت الهی و علم کلام و منطقیات و تأویل، قدوة معاصرین بود، در صفاتی باطن و تهذیب سیر و ارشاد نیز هدایت به سوی راه راست نموده پیوسته از زمرة طالبین حق دستگیری فرموده است.

سالها باید بدراره فیض دید تابزرنگ آنچنان آید پدیده»<sup>۳</sup>

شیخ آقابزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشیعه نوشته است که در تشییع عظیم پیکر پاک این عالم ریانی شرکت داشته که اراراً موفق به زیارت قبر این حکیم الهی شده است.<sup>۴</sup>

یکی از شاگردان حکیم مؤسس بنام میرزا الطف علی صدر الافضل مشهور به داشت تبریزی (۱۳۵۰-۱۲۶۸) در رای استاد بزرگ خود که بیست و دو سال از محضرش کسب فیض کرده بودو تصدیقه سوزنگار در سال ۱۳۰۷ به زبان عربی سروده است و ماده تاریخ وفات آقای علی را در انتهای هر دو قصیده متذکر شده است. قصیده نخست در بحث رجز مسیدس و شامل ۳۹ بیت به شرح ذیل است:

۱. پیغمبر شرح اسرار الایات ملا مصلوی، جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس، ۷۰۵.

۲. روزنامه خاطرات اعتماد‌السلطنه ص ۵.

۳. روزنامه اختر نهم صفر ۱۳۰۸ هجری قمری، تهران.

۴. شیخ آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، القسم الرابع من الجزء الاول، ۱۴۷۴.

۵. این دو قصیده لاثتین بر در روز نامه اختر ۱ (صفر ۱۳۰۸) همناره با خبر وفات آقای علی منتشر شده، سپس عترت نائینی (احمدعلی مصباحی) آن را در دو کتاب خود همراه ایادیگر اشعار صدر الافضل داشت تبریزی به تفصیل نقل کرده است: نایل فرهنگیان صفحه ۴۹۱ تا ۵۰۱ و مباحثه‌الادب ج ۳ ص ۲۶۰. هر دو کتاب توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.

اَوْ مِنَ الْمُنْوَنِ وَ اَنْفَلَابِهِ  
 وَ مِنْ غَرَرِ الدَّهْرِ وَ اسْتِلَابِهِ  
 اَطْمَاهَ النَّاسَ عَلَى اِشْرَابِهِ  
 وَ لَعْبَهُ بِالْعُمْرِ فِي اِشْذَابِهِ  
 فَكِمْ صَرِيعُ فَاظَّامِنِ كَفَابِهِ  
 وَ اخْتِلَاطُ الْهَلَلِ فِي جَلَابِهِ  
 وَ يَلِ لَمَنْ بَنَاخَ فِي قَبَابِهِ  
 فَالْمَرْءُ كَالْزَاوِقَ فِي اضْطَرَابِهِ  
 وَ هَكَذَا يَبْيَتُ فِي اوصَافِهِ  
 حَتَّى رَأَى الْمُغْرِبَ عَنْ اجَابِهِ  
 آهَ مِنَ الْحَمَامِ وَ لَذَلَابِهِ  
 لَمْ يَنْجُحْ نَفْسٌ قَطُّ مِنْ نَشَابِهِ  
 لَاحِرَزُ لِلْغَرِيقِ فِي عَبَابِهِ  
 وَ بَيْنَمَا الْاِنْسَانُ فِي اِكْتِسَابِهِ  
 يَلْقَاهُ بَيْنَ ظَفَرِهِ وَ نَابِهِ  
 وَ اِمْعَادُ عَرْضِ مِنَ النَّابَةِ  
 حَيْثُ سَطَالَ افْرَقُ فِي نَهَابِهِ  
 هَذَا وَ مَا جَدَرَ مِنْ نَعَابِهِ  
 آقَاعِلَى الْفَرِيدِ فِي آدَابِهِ  
 وَ دَابَهُ وَ النَّطَقُ وَ اصْطَحَابِهِ  
 وَ حَلَمُ الْمَعْضُلِ فِي اِنْلَابِهِ  
 وَ اغْرِرَوْقُ الْكَرَاسِ فِي الْقَابِهِ  
 نَجَلُ الْحَكِيمِ الْاَوْحَدِيِ النَّابِهِ  
 كَشَافُ سُرَّ اللَّهِ مِنْ كَتَابِهِ  
 مَعْطَى بَفَّةِ الْعِلْمِ مِنْ نَصَابِهِ  
 هَضْبَا وَ شَوْبِهِ وَ مِنْ صَيَابِهِ  
 عَلَيْهِمْ يَفْبِضُ مِنْ لَبَابِهِ

شَامِوا بِرَوْقِ الْفَيْضِ مِنْ سَحَابِهِ  
 وَ كُمْ مِنَ الْاَسْرَارِ فِي عَيَابِهِ  
 قَدْسَلَ سَيفُ الْحَقِّ مِنْ قَرَابِهِ  
 لَطِيفَةُ الْكَوْنِينِ فِي ثَيَابِهِ  
 كَانَ الْهَدْيَ فَتَحَّا عَلَى اصْحَابِهِ  
 وَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ لِاِسْتِبَابِهِ  
 قَدْذَبُ الْيَوْمِ إِلَى مِثَابِهِ  
 الْعِلْمُ قَدْغَرْبُ مِنْ اِبَابِهِ  
 وَ اغْتَرَبُ الْفَضْلُ مِنْ اغْتَرَابِهِ  
 وَ اشْعَبُ الْكَلَامِ مِنْ اشْعَابِهِ  
 وَ انْشَعَبُ الْمُنْتَهَى مِنْ اشْعَابِهِ  
 وَ احْتَجَبَ التَّنْزِيلُ فِي حَجَابِهِ  
 ضَلَّ سَبِيلُ الرَّشْدِ مِنْ جَذَابِهِ  
 اطْبَقَةُ النُّورِ عَلَى تَرَابِهِ  
 اسْتَاذَنَآبُ الْمَسَابِهِ  
 مَصْرَاعُ اَخْبَرِهِ بِحَسَابِ اَبْجَدِ مَسَاوِيٍ ١٣٠٧ سَالٍ وَ فَاتَ آقَاعِلِيَّهُ اسْتَ.

دو مین قصیده او در بحر مجتث مریم شامل نه چهار پاره است:

نَعَبَتْ اَنْ عَلَيَا وَ كَانَ حَوْلَ سُقِيمَا فَكَادَ شَوَّفَ الْوَصْلَ تَاهَأْ يَهِيمَا  
 بِنَفْسِهِ جَادَ تَوْقاً إِلَى الدُّخُولِ الْعَرِيمَا طَوْبِي لَهُ اذْتَخَطَى بِالْخَلْدِ الْحَلْقِيَّمَا  
 لَكَنْ قَلْبُ الْاعْلَى لِلَّهِمَ صَارِجَ حِيمَا وَ قَلْمَافِيَ قَرْوَنَ رَاهِقَ نَاحِيَّمَا  
 لَاتَّحِسِينَ قَدِيمَا بِلَمَثَلِهِ فِي الْمَعَالِى كَانَ كَفَوَا كَرِيمَا  
 لَالْقَدِيمِينَ مِنَ الْفَضْلِ كَانَ كَفَوَا كَرِيمَا مِنْ هَجْرَهُ الْعَلَمِيَّى  
 وَ الْحُكْمِ اِضْحَى بِتِيمَا وَ الْفَضْلِ يَغْدُو اَمْلِيمَا وَ الْحَجَرِ اِمْسِي طَبِيمَا  
 وَ الْمَرْسِ بَاتِ لَدِيَا وَ الْحَدَسِ ظَلِ سَلِيمَا وَ الْعَصْرِ اِصْبَحَ خَلُوا وَ الدَّهْرِ عَدَّعِيمَا  
 وَ الْقَرْنِ قَبْلِ شَحِيمَ وَ الْعَيْنِ سَمِّيَ ذَمِيمَا وَ الْلَّيلِ لَقْبَ حَقَّا شَرَّا بِغِيَاضِ شَتِيمَا  
 لَا تَفْلَنَ الدَّوَاهِي لَا يَتَرَكَ اِيمَا يَقْوَدُ صَرْفَ الْلَّيَالِي يَلِكَ خَطْبَاهِيمَا  
 يَامِنَ يَحَاوِلُ ضَبَطَا حَوْلَ الْوَفَاهَ نَظِيمَا قَدْفَازُ فَرْوَأَعْظَيمَا

«قد فاز فوزاً عظيماً» مطابق حساب ابجد مساوی ۱۳۰۷ سال وفاة آقاعلی است.<sup>۱</sup>

#### ۹. امتیازات اندیشهٔ فلسفی آقاعلی مدرس

بنچ شاخص حکمت متعالیه عبارتنداز صدرالمتألهین شیرازی، ملاعلی نوری، ملاهادی سبزواری، آقا محمد رضا قمشهای و آقاعلی مدرس طهرانی، ویژگی‌های اندیشهٔ فلسفی آقاعلی به قرار ذیل است:

۱- آقاعلی از چیره دست ترین شارحان آرای صدرالمتألهین و مبانی حکمت متعالیه است شرح حکمت متعالیه آقاعلی در قالب تعلیقات موجز و متین او بر کتب اصلی ملاصدرا یعنی حواشی الهیات شفا، حواشی شرح حکمة الاشراق، شرح الهدایة الائیریة، الشوادر الربوبیه بوزیر اسفار حاوی ژرف ترین تحقیقات در زوایای اندیشهٔ فلسفی صدرالمتألهین است. تأمل در آثار متعدد آقاعلی مدرس اثبات می‌کند که: «آقاعلی در احاطه به کلمات ملاصدرا و فهم رموز و مشکلات فلسفهٔ آخوند از کلیهٔ کسانی که در پر امون مبانی ملاصدرا چیزی نوشته‌اند اعم از حاشیه یا مطلبی مستقل کاملتر بوده است.<sup>۲</sup>

استاد آشتیانی معتقد است: «آقاعلی حکیم در حکمت متعالیه و تحقیق مبانی ملاصدرا صاحب نظر است به عقیدهٔ نگارنده او از آخوند نوری، ملا اسماعیل درب کوشکی و ملا آتای قزوینی محقق تر است و در زهد و انعمار در تأله و تحقیق در الهیات در عدد عدهٔ معلومی از راسخان در علم الهی به شمار می‌رود.<sup>۳</sup>

استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقایسهٔ آراء آقاعلی مدرس و حاج ملاهادی سبزواری ابتدا معتقد بودند که: «به عقیدهٔ نگارنده آقاعلی در مباحث فلسفی از حکیم سبزواری دقیق تر و محقق تر از حیث احاطه به مبانی حکمنی و سیعتر و متبحر تر و از حیث

۱. اگرچه نایب الصدر شیرازی با احشای دو الف بر آب و متاب در مصیر آشر مسدن، از هر دو مادهٔ تاریخ دنیاع کرد، اما شیخ آقا بزرگ طهرانی (طبعات اعلام الشیعه من ۱۴۷۳) چنین نوشتند است: «در لغز و نانه تلمذه الفاضل العبرز الطفت علی الشیرازی الملقب بصدرالافتاثل فی آخر قصیدتین زنا، بهما و کلامها غیر صحيح، ولئن الاول زیادة كثیر و لئن الثاني نقص کثیر، و الامر سهل.

۲. سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه رسائل حکم سبزواری، چاپ اول، صفحه ۱۱۰، ۱۰۹.

۳. سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه الشوادر الربوبیه، صفحهٔ صد و بیست و پنج.

استقامت فکر و جودت نظر و حدّت ذهن کم ظیر است آقاعلی روی خضوع و ملایمت ذاتی که داشته تمام افکار معاصران خود را امطالعه کرده است و خیلی بیشتر از حکیم سبزواری به حوزه‌های تدریس حاضر شده است و اساتید متعدد دیده است. تعلیقات آقاعلی بر شواهد شامل مطالب تحقیقی و تاریخی نفیس است یا کذوق و قریحة مخصوص در فهم اخبار و احادیث مربوط به عقایدینی و مبانی عقلی داشته است که حقیر در دیگران آن قریب‌تر اندیده‌ام.<sup>۱</sup> معظم له در چاپ بعدی کتاب خود هر دور‌آی قبلی را مورد تجدیدنظر قرار داده مرقوم داشته‌اند: «حقیر بعد از تدریس چند جلد از کتاب اسفار و شواهد معتقد شد که محقق سبزواری از جهت سرعت انتقال و تحریر مuplicات با عباراتی کوتاه و رسابر آقاعلی ترجمه دارد.» در مورد قریحة مخصوص در تعلیقات شواهد نیز نوشتند: «این مطلب نیز مورد تأمل است و برخی مطالب آقاعلی را در آثار آخوند نوری دیده‌ام.<sup>۲</sup> از هر دور‌آی متقدم و متاخر استاد آشتیانی حداقل این نکته بدلست می‌آید که آراء هر دو حکیم در شرح و تفسیر مبانی حکمت متعالیه در اوجه تحقیق و دقت هستند تا آنجا که تقدم یکی بر دیگری حتی استاد محترم را به اشتباه می‌داند. ثایاً تقدم آراء هر یک از این دو حکیم مستلزم ارائه مستندات جزئی است و بیان کلی از هر دو سو به دور از اختیاط علمی است. این قلم در کتاب مستقلى به ارزیابی ابتکارات آقاعلی مدرس در مقایسه با آراء دیگر حکیمان متعالیه از جمله حکیم سبزواری پرداخته است.

۲- اگرچه همت غالب پیر وان حکمت متعالیه مصروف شرح و تأیید مبانی و آراء صدرالمتألهین بوده است، بارز ترین ویژگی آقاعلی مدرس طهرانی، که وی را در زمان حیاتش شایسته عنوان فاخر حکیم مؤسس و استاد الاساتید کرد، تصرف‌واری در مبانی و ارائه تقریرهای تازه از اصول صدرایی، نقد حکیمانه آرای فیلسوف پرآوازه شیراز و ارائه نظریاتی جدید در چندین مسألهٔ فلسفی است. دیدگاه‌های بدیع وی در مباحث معاد جسمانی، اعتبارات ماهیت، حمل وجود رابط، علم، مقولات نایمهٔ فلسفیه، حرکت جوهری و موضوع

۱. آشتیانی، مقدمه رسائل حکم سبزواری، چاپ اول، صفحه ۱۱۰، ۱۰۹.

۲. سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه رسائل حکم سبزواری، چاپ دوم، ص ۱۱۰.

آن عوامل پذیری در بحث موضوع علم، اصالت وجود، بساطت وجود، تشکیک وجود و وجود صرف بودن نفس و مافق آن، اتحاد وجود اعراض با موضوعات، انتیت نظام عالم اسکان، حرکت روح در آخرت، اتحاد قوس صعودی با قوس نزولی و... شاهدی بر این مدعای است. تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس فرآتر از این مقدمه است، این مهم موضوع کتاب مستقلی است که ان شاء الله پس از مجموعه مصنفات آقای علی مدرس منتشر خواهد شد.

به نظر فیلسوف معاصر دکتر مهدی حائری بزدی «آقای علی مدرس زنوزی که از پیشروان کاروان خرد در قرن پیش بوده، پیش از حکیم سبزواری از قریحة نقادی و ابتکار بهره داشته است، او در کتاب بدایع الحکم و سایر رسالات خود پیوسته در جستجوی راه حل های تازه ای برای مشکلات فلسفه می باشد، و چندان به تقریر و تحریر فلسفه صدر المتألهین نمی پردازد. گوینده در این کار هم شایستگی و زیر دستی بی نظری داشته است و شاید اینکه بدایع الحکم مانند منظومه سبزواری مورد توجه دوستداران فلسفه نیست همین نکته است که مؤلف نقاد آن در صدد تحقیق و گشودن راه های دیگر برای ترسیدن به مسائل فلسفه است در حالیکه طلاق علوم عقلیه مجبوب فلسفه متعالیه صدر اهستندو می خواهند از منبع آن کام بر گیرند. بالین حال بعضی از آراء فیلسوفانه این مدرس عالی مقام حکمت در محافل علمی مشهور است که از جمله آنها تقسیمات او در اعتبارات ماهیت است و همچنین نظریه ابتکاری او در معاد جسمانی و در حمل و هو هویت و بسیاری از مسائل معضله فلسفه که اکنون فرضی برای طرح آن نیست.»<sup>۱</sup>

استاد آشتیانی نیز معتقد است «آقای علی از اکابر فلاسفه و از اعاظم ستارگان کلمات صدر المتألهین است. پسیار شخص محقق و در احاطه به کلمات مشایخ کم ظیر و اهل تصرف در میان بوده است.»<sup>۲</sup>

اهمیت این امتیاز حکیم مؤسس وقتی مشخص خواهد شد که بدایم اکثر قریب به اتفاق فلاسفه پس از ملاصدرا نکته ای بر مبانی او تیغزو وه اند و همی خوش رامصروف شرح و تفسیر و تبیین آراء مؤسس حکمت متعالیه کرده اند، «حکماء الهی بعد از

۱. دکتر مهدی حائری بزدی، کارهای عتل ظری، مقدمه، صفحه پیستونک.  
۲. سید جلال الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، پارچه ۱۱، ص ۱۲۵۴.

صدر المتألهین از شاگردان آن جانب تا اساتید این جانب مطلب تأسیسی چشمگیری ندارند مگر بعضی تصریرات توضیحی یا برخی از اعتراضات تعبیری یا پاره ای از تبدیل اصطلاحات علمی».<sup>۱</sup>

۳. بدایع الحکم مهمترین تالیف حکم مؤسس، پس از اسفار معتبر ترین کتاب حکمت متعالیه است. تصریرهای استادانه آقای علی از مباحث مختلف الهیات بالمعنى الانص در بدایع، تمامی باعظم است از اندیشه فلسفی اسلامی ارائه می کند. پیشک اگر بدایع تبیب و تنظیم مناسب تری داشت جای شایسته خود را در حوزه های فلسفی باز می کرد. بدایع از حيث دیگر، یکی از مهمترین کتابهای فلسفی به زبان فارسی به شمار می آید. بدایع رامی باید در کتاب دانشنامه علایی، رسائل فارسی شهروردي، مصنفات بابا افضل کاشانی، دره الایج قطب الدین شیرازی و لمعات الهیه و انوار جلیله ملا عبد الله مدرس زنوزی استمرار سنت حسنۃ نگارش متون فلسفی به زبان فارسی داشت. بدایع الحکم معتبر ترین نماینده حکمت متعالیه در زبان فارسی است.

۴. با آقای علی، فلسفه تطبیقی در جهان اسلام - به یک معنی - آغاز می شود. صفحات پایانی بدایع الحکم تختستین جلوه آشنایی فلسفه مسلمان با آراء فلاسفه پس از رنسانس غرب را به نمایش می گذارد. به نظر برخی اساتید فلسفه غرب «کتاب بدایع الحکم را می توان به معنای اولین کتاب فلسفه مقایسه ای میان تفکر شرق و غرب در ایران دانست. شاید هم بتوان گفت که این کتاب محل برخورد و تلاقی فلسفه ای از نوع کاتی اروپایی و سنت نوع ملاصدرا ای شرق است». هر چند متأسفانه این اشاره بسیار گزرا و اجمالی است و به هیچ وجه کافی است و به در شان حکیمی چون آقای علی.

تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس آقای علی مدرس را به علت اهمیت از سویی و طولانی بودن از سوی دیگر، از این مقدمه جدا کردم تا به عنوان کتابی مستقل به محض دوستداران حکمت الهی تقدیم شود.

۱. استاد حسن حسن زاده آملی، در آسمان معرفت (تم)، ۱۳۷۴، صفحه ۲۹۶.

۲. دکتر کریم مجتبی، مقاله ذکر فلاسفه بزرگ غرب در کتاب بدایع الحکم، مجله اهتمای کتاب، استند ۱۲۵۴.

«رساله فی ان النفس کل القوى» را افزوده است.<sup>۱</sup> کنت دو گویندو در کتاب مذاهب و فلسفه‌های آسیای میانه خبر داده که آقای علی مشغول نگارش تاریخ حکما از ملاصدرا به بعد است.<sup>۲</sup> با این حساب عدد آثار معرفی شده توسط خود وی و معاصرانش به ده می‌رسد.

## ۲. آثار منتشر شده حکیم الهم

- در مجموع عنوانین ذیل از آثار آقای علی به شیوه چاپ سنگی در تهران منتشر شده است:<sup>۳</sup>
- ۱- سبیل الرشاد فی اثبات المعاد (۱۳۱۰)
  - ۲- تعلیقات شوارق الالم (۱۳۱۱)
  - ۳- تعلیقات شرح الهدایة الائیریة، به همراه رساله مختصر «ان النفس کل القوى» (۱۳۱۲)
  - ۴- رساله فی اقسام الحمل (۱۳۱۴)
  - ۵- رساله فی الوجود الابطی (۱۳۱۴)
  - ۶- بدایع الحکم (۱۳۱۴)
  - ۷- رساله سر گذشت (در طرائق الحقائق) (۱۳۱۹)
  - ۸- مقدمه مفاتیح الشیب ملاصدرا
  - ۹- تفريظ بر کتاب صدر الا فاضل داشت تبریزی (۱۳۷۷ ه.ش)
- آنچه تا امروز از آثار آقای علی چاپ حروفی شده عبارتند از:
- ۱- برخی از تعلیقات آغاز سفر رایم اسفار<sup>۴</sup>
  - ۲- بخشی از رساله تاریخ حکما<sup>۵</sup>

۱. بیرزا محمدعلی مدرس، ریحانة الادب، ج ۲ ص ۲۹۲.

۲. ترجمه فارسی، صفحه ۸۹.

۳. مشخصات کامل هر چاپ در آغاز هر اثر به تفصیل خواهد آمد.

۴. نم، ۱۳۸۷، جلد هشتم.

۵. سید محمدعلی جمالزاده، مقاله بیرزا گویندو، مجله پشم، شماره ۱۵۴، لردیهشت ۱۲۴۰ هش.

## بخش سوم: آثار قلمی حکیم مؤسس<sup>۱</sup>

در این بخش نخست، آثار قلمی آقای علی را به گزارش خود وی، معاصران و اصحاب ترجمه بزمی شماریم، سپس آثار منتشر شده حکیم مؤسس اعم از چاپ سنگی و چاپ حروفی را معرفی می‌کنیم، در سومین قسمت آثار پیامانده از آقای علی به خط خود ایشان و در قسمت چهارم آثار پیامانده، به خط شاگردان و علاقه‌مندان را فهرست کرده‌ایم، تقریرات و مناظرات پیامانده را ضمن همین قسمت چهارم گزارش کرده‌ایم، پنجمین قسمت این بخش به معرفی آثار مفقود آقای علی اختصاص دارد، در قسمت ششم آثاری که اتسابشان به آقای علی احراز نشد بر شمرده‌ایم، سپس آثار آقای علی را از حیثیت‌های مختلف تقسیم کرده‌ایم، و در نهایت در باره شیوه نگارش و ادبیات آقای علی و منابع آثار وی بحث کرده‌ایم.

### ۱. آثار آقای علی به گزارش خود و دیگران

حکیم مؤسس در رساله خود نوشته سرگذشت که در اواخر عمر شریف شد به درشت تحریر در آورده است تنها به پنج اثر خود اشاره کرده است. این آثار عبارتند از: ۱- رساله ای در اینکه منطق از علوم حکمیه است، ۲- سبیل الرشاد فی اثبات معاد، ۳- حواشی و تعلیقات بر اسفار، ۴- بدایع الحکم، ۵- غزلیات و اشعار.<sup>۲</sup>

شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعه علاوه بر بدایع الحکم (ج ۳ ص ۶۴) و سبیل الرشاد فی اثبات المعاد (ج ۱۲ ص ۱۳۹) و الحاشیة علی الاسفار (ج ۳ ص ۲۰) سه اثر دیگر وی را باز شناسانده است یعنی: ۱- الحاشیة علی شرح الهدایة الائیریة (ج ۶ ص ۱۳۸)، ۲- رساله الحملیة (ج ۷ ص ۹۲)، ۳- رساله فی الوجود الابطی (ج ۲۵ ص ۳۸).

هر چند به رساله نخست اشاره‌ای نکرده است، صاحب ریحانة الادب به این مجموعه

۱. نگارنده پیشتر مقاله ذیل را در این زمینه منتشر کرده است: «کتابشناسی توصیفی حکیم مؤسس آقای علی مدرس طهرانی»، مجله آینه پژوهش، شماره ۴۶، مهر و آبان ۱۳۷۶، قم.

۲. رساله سرگذشت، جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس.

۳. آثار بجامانده از آقای اعلیٰ به خط خود وی در تفھص در مخزن نسخ خطی در کتابخانه های عمومی و خصوصی مشخص شد که تنها نسخه اصل بخشی از آثار حکیم مؤسیس بجا مانده و از نسخه اصل دیگر آثار وی نشانی نیافتیم. آثاری که نسخه اصل آنها شناسایی شده به قدر ذیل است:

#### ۱- بدایع الحکم

۲- تعلیقات الاسفار (شامل تعلیقه های مفصل العلة والمعلول والنفس کل القوى،

تعلیقه بر حواشی حکیم سبزواری، حکیم اردکانی و حکیم تبریزی بر اسفرار)

۳- التعلیقات الاصولیة بر رساله میرزا حسن آشتیانی در منقول.

۴- تعلیقات علی حواشی صدر المتألهین علی الهیات الشفاء

۵- تعلیقات علی حواشی صدر المتألهین علی شرح حکمة الاشراف

۶- تعلیقات شرح الهدایة الایریة -

۷- تعلیقات لمعات الہیه

۸- تعلیقة واحدة علی الحواشی الجمالیة علی الحواشی الخفریة علی شرح القوشچی علی التجربید

۹- تعلیقات علی حواشی القیاض اللاھیجی علی شرح الاشارات

۱۰- تعلیقات علی حواشی والده علی حواشی القیاض اللاھیجی علی شرح القوشچی علی التجربید.

۱۱- تعلیقة علی حاشیة رساله سرّ القدر.

۱۲- مقدمه شرح اسرار الآیات ملاصدرا.

۱۳- رساله تاریخ حکماء.<sup>۱</sup>

۱- مشخصات کامل سخن در مقدمه در جلد مجموعه مصنفات خواجه آمد. در اینجا تها به اجمال به لسان اصل آثار باد شده اشاره می کنیم: نسخه اصل بدایع و تعلیقات الاصولیة تزدید کر شده زاده از ورثه حکیم مؤسیس است. از تعلیقات اسفرار چهار نسخه اصل بدست آورده ایم؛ یکی در کتابخانه خصوصی استاد حسن زاده، دویسخ در کتابخانه میبلس و یکی در کتابخانه ملک تهران. آثار شماره ۴ تا ۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی بهارستان رکھدهای می شوند،

←

۱- رساله سر گذشت<sup>۱</sup>

۴- تعلیقات لمعات الہیه<sup>۲</sup>

۵- رساله ان النفس کل القوى<sup>۳</sup>

۶- رساله حملیه<sup>۴</sup>

۷- مناظره آقای اعلیٰ و حاج محمد کریم خان کرمائی<sup>۵</sup>

۸- مقدمه مفاتیح الغیب ملاصدرا<sup>۶</sup>

۹- بدایع الحکم<sup>۷</sup>

ضمناً بخشی از مصنفات آقای اعلیٰ توسط راقم ابن سطور قبلًا به شرح ذیل تصحیح و منتشر شده است:

۱۰- رساله فی الرجود الرابطی<sup>۸</sup>

۱۱- رساله سبیل الرشاد فی انبات المعاد<sup>۹</sup>

۱۲- تعلیقات الشواهد الروبویة<sup>۱۰</sup>

۱۳- رساله فی التوحید<sup>۱۱</sup>

۱۴- قسمتی از تعلیقات الاسفار<sup>۱۲</sup>

۱- ذراقن الحقائق، تصحیح محمد جعفر مجحوب، تهران، ۱۳۴۵، ش، ج ۲؛ مقدمه لمعات الہیه و اتو رجلیه ملا عبد الله زبوری تصحیح سید جلال الدین آشتیانی.

۲- همراه با متن لمعات الہیه ملا عبد الله مدرس، زبوری، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، مشهد ۱۳۵۴.

۳- تصحیح علی اصغر دایده، فصلنامه فرهنگ.

۴- تهران، ۱۳۶۲، ش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۵- تصحیح مصطفی محقق داماد، فصلنامه تابعه فرهنگستان علوم، شماره ۲.

۶- در مقدمه مفاتیح الغیب (تهران)، تصحیح محمد خواجه ایشانی چاپ شده است.

۷- تظیم احمد راعظی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۶، هـ، ش.

۸- فصلنامه تابعه مفید، شماره ۷، قم، پاییز ۱۳۷۵، قم، ۱۳۷۵.

۹- فصلنامه تابعه مفید، شماره ۸، قم، زمستان ۱۳۷۵.

۱۰- سیری در میانی و وجود شناختی حکیم مؤسیس آقای اعلیٰ مدرس، فصلنامه تابعه مفید، شماره ۹، قم، بهار ۱۳۷۶.

۱۱- فصلنامه خردناهه صدر، شماره ۹، تهران، ۱۳۷۶.

۱۲- «وزیر الدینیهای حکیم مؤسیس در اسفرار صدر المتألهین»، فصلنامه تابعه مفید، شماره های ۱۱، ۱۲ و ۱۳،

تایستان، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.

لازم به ذکر است که مجموع آثار بجامانده از آقای حکیم مؤسس (اعم از نسخ اصل و غیر آن) بیست و هشت آثر کوتاه و بلند است، که دو آثر آن تقریر دروس و مناظرات معظم له است، مادر مقدمه هر جلد به نحو انتساب هر آثر به حکیم مؤسس اشاره خواهیم کرد. در ضمن این ۲۸ آثر دو مورد را وارد نکردم: یکی تعلیقات شرح باب حادی عشر (نسخه شاگردان و علاقه مندان ایشان بجا مانده است. از برخی از این آثار نسخ متعددی در دست است. به هر حال آثاری که نسخ اصل آنها بجا نمانده و به خط دیگران نسخه‌ای از آنها در دست است عبارتند از:

۱. تعدادی از تعلیقات اسفرار از جمله تعلیمه مفصل طریقه الصدیقین

۴. دیگر مخطوطات آثار آقای حکیم مؤسس

از پخشی از آثار حکیم مؤسس نسخه اصل بدست نیامده است، بلکه نسخی به خط شاگردان و علاقه مندان ایشان بجا مانده است. از برخی از این آثار نسخ متعددی در دست است. به هر حال آثاری که نسخ اصل آنها بجا نمانده و به خط دیگران نسخه‌ای از آنها در دست است عبارتند از:

۱. تعلیقات شوارق الالهام
۲. تعلیقات الشواهد الروبیہ
۳. رسالت فی احکام الوجود و المادية
۴. رسالت حقيقة محمدیہ
۵. رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد
۶. رسالت فی مباحث الحمل
۷. رسالت فی التوحید
۸. رسالت فی الوجود الرابط
۹. رسالت خودنوشت سرگذشت
۱۰. رسالت خودنوشت سرگذشت
۱۱. رسالت وحدت وجود صوفیہ
۱۲. رسالت فوائد
۱۳. تقریظ مفاتیح الغیب ملاصدرا.
۱۴. تقریظ رسالت صدر الافضل دانش تبریزی

ضمن تقریرات المبدأ والمعاد حکیم مؤسس و مناظره آقای حکیم مؤسس و نسخه خطی آنها در دست است. کرمانی توسط شاگردان و علاقه مندان مدرس طهرانی مکتوب شده و نسخه خطی آنها در دست است.

→ نسخه اصل متنده شرح اسرار الآیات زد آنای سهلانی مدنی است و نسخه رسالت تاریخ حکماء در کتابخانه داشگاه است. اسرا برگور گذروند و گویند می باشد. لاین سیزده آثر از دوازده نسخ دیگری نیز در دست است. اما بخاطه بازده از اخیر منحصر به فرد است.

## ۵. آثار مفقوده آقای حکیم

در تفحص از آثار حکیم مؤسس با سه عنوان مقطع الاستناد و مفقودالاثر  
برخورده ایم:

۱. «رسالت در اینکه منطق از علوم حکمیه است» نام این رسالت در رسالت خود نوشته سرگذشت آمده، حجم این رسالت نیز در همانجا «تفمیناً سه هزار بیت» ذکر شده است (یعنی دو برابر رسالت سبیل الرشاد و سه هشتم کتاب بدایع الحکم). از این رسالت حجیم و ارزشمند منطقی حکمی هیچ عین و اثری بدست نیاورده ام.

۱. برشامن بسیاری از صفحات، حائیه‌هایی از حکم مذبور به امضای مدرس موجود است، تعلیقانی نیز بدون اینها است. بیشتر این تعلیقات فارسی است و وزیر آنها رشته شده: سمع یا کذا سمع من استادی رحمة الله تعالى. به نظر نگارنده این تعلیقات نیز از حکم مذبور است و لاین نظر نسخه‌ای نهیں به شمار می‌رود...» عبدالحسین حاتمی.

۲. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران، ۱۲۴۵، ش، جلد پنجم ص ۳۲۳۱. واضح است که نفاست نسخه جیشیت‌های متأخرتری دارد.

۲. ترصیف این نسخه در جلد ۲۲ ص ۲۳۲ فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس آمده است..

۲- اصول الحکم (شرح انو لوچیا). آقا علی مدرس در موضع متعددی از رساله فی مباحث الحمل و نیز تعلیقات شرح الهدایة الاییریة قطعاتی لز این کتاب خود نقل کرده و به اسم آن تصریح کرده است. ما تمامی این قطعات را در جلد سوم مجموعه مصنفات گرد آورده‌ایم. متأسفانه جز همین منقولات، اثری از این کتاب ارزشمند بدست نباورده‌ایم.

۳- غزلیات و اشعار. آقایی در رساله خود نوشته سرگذشت در ضمن معرفی آثار خود آورده است: «گاهی از غزلیات گفته است. از آن جمله این فرد است که قابل نوشتند نیست»:

هر چه هستی همه چون چشم تو مستی کندا  
شذیک نقطه عیان از دهنست سروجود  
نایب الصدر شیرازی در طرائق الحقائق ریاضیاتی که از خود آقایی پیشتر نقل کرده است.<sup>۱</sup>

سید احمد دیوان بیگی شیرازی در تذکرۀ حدیقة الشعراه. آقایی را فارغ از حکمت به عنوان یکی از شعراء توصیف کرده می‌تویسد: «حکیم طهرانی. نام نامی و اسم سامیش علی است، پدر مغفورش ملا عبد الله از فحول علمای عصر خود و مدتها در دارالخلافه طهران در مدرسه خان مرزوی مدرس بود. خود جناب آقایی پیشتر میل به حکمت کرد و آن فن شریف را تکمیل نمود، و بدان واسطه از جلوس به مجلس پدر که خاص علمای رسمی بود مهجور شد. در دارالسعادة خود مشغول افاده و تدریس حکمت الهی گردید، پنهان مکرراً در خدمتشان را کرده‌است. آنچه مقام تصدیق امثال مرا ادارد، حسن اخلاق است که به سرحد کمال دارند. اما مقام علمشان که موقوف به تصدیق اهل فن است از هر کس شنیده‌ام فضایل و کمالاتشان را بی‌حصر گفت و اکنون مطلقاً در طهران ایشان را آقای حکمی» می‌گویند. از انواع کمالات ایشان که بروز دارد یکی اشعار موحدانه است که در اینجا محض نمودار قدری از آنها نگارش می‌شود. گاهی هم تخلص را تغییر داده به اسم

۱. طرائق الحقائق، ج ۲ ص ۲۲۶.

می‌کنند، یکی دو غزل هم دیدم «مدرس» تخلص کرده بود.<sup>۱</sup> به هر حال از غزلیات و رباعیات آقایی تنها هجره بیت بجا مانده است که در جلد سوم مجموعه مصنفات آورده‌ایم اما تاکنون در سه مدرك فوق الذکر نشان می‌دهد که اشعار و غزلیات آقایی پسیار پیشتر از اینهاست. اشعاری که در آنها اعلیٰ یا مدرس تخلص کرده در میان اشعار بجا مانده نیست. به هر حال از دیوان اشعار آقایی نیز نشانی نیافتم.

ضمناً خابابا مشار در فهرست کتابهای چاپی خود رساله‌ای بنام «ابواب حکمت میزانیه و اسمای هریک از آن ابواب به زبان حکماء یونان» نوشته «آقایی بن ملا عبدالله مدرس زنوزی (استادالاستانید)<sup>۲</sup> ثبت کرده که از این رساله مختصر نیز نشانی نیافتم.

۴. آثاری که انتسابشان به آقایی مدرس احریز نشد.  
در فهرست های نسخ خطی، رساله‌ای به آقایی نسبت داده شد که پس از رویت و مطالعه نسخ پادشاهه محرز شد که این رساله به خامه آقایی مدرس نیست و انتساب ساقط است. به مهمترین این موارد اشاره می‌شود:

۱- کتاب نسخه انسانی، نسخه خطی شماره ۸۰۳۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی، این کتاب همان کتاب فلسفه‌الانسان نوشته‌ای اکبر حائری هزار جریبی است که در تهران چاپ سنگی شده و نسخه‌ای از این چاپ سنگی در کتابخانه مجلس موجود است.

۲- رساله در حکمت، نسخه خطی شماره ۲۰۶۹۷ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد. در معرفی این نسخه نوشته شده: «شاید از آقایی مدرس زنوزی باشد. باید تحقیق باشد، آغاز: فاتحه موجود یا به ذات خود موجود است. پایان: میزان قرآن و حدیث است. درای فاتحه و ۳۰ مقصود و خاتمه، ۱۷ صفحه».<sup>۳</sup>

۱. سید احمد دیوان بیگی شیرازی، حدیقة الشعراه، ص ۴۸۲-۴۸۳.

۲. بد گزارش مشار این رساله همراه با متن‌فرم بور علی شاه امنه‌ای در منتظر، در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی در ۳۱ صندوق در تهران چاپ سنگی شده است. عنوان و حجم این رساله به همین وجه با ارساله در اینکه منطق از علوم حکمیه است «سازگار نیست، و می‌باشد غیر آن باشد. بد هر حال ناکمال تعجب از این رساله مختصر منتشر شده در هیچیک از کتابخانه‌ها نشانی و اثربر نیافتد».

۳. رضا استادی، کتاب هزار و پانصد نسخه اهدایی، صفحه ۲۴۷ شماره، ۱۱۵۲.

نام اصلی این رساله «مقاصد فی فنون الحکمة» است، تاریخ کتابت آن ربيع الثانی ۱۳۴۶ هـ. ق.، شیوه نگارش و آراء مختار کاملاً با آثار آقایی مدرس مغایر است و اتساب آن به حکیم مؤسس دلیلی ندارد.

۳- تقریرات اصول شیخ انصاری در فهرست الفبایی نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، نسخه ۱۲۹۵۷ به خط ذیح اللہ بن صادق تاریخ کتابت ۱۳۰۴ تحت عنوان تعادل و تراجیح «به احتمال از ملاعی زنوزی»<sup>۱</sup> دانسته شده است. آغاز: قوله قدس سره خاتمه فی التعادل والتراجیح الخ، التعادل فی الاصل تساوی الطرفین... انجام: فتحن انما تعبد بالمخالف ولا تعبد بالموافق اصلاً العدم صدوره من اصله ولا الصدوره تقیة. در آغاز رساله نام ملاعی نوزدری (یا کوزدری) آمده است. آقایی در تاریخ باد شده به استاد ایستاد، حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی مشهور بوده در هیچ یک از آثارش بنام ملاعی زنوزی خوانده نشده، شاگردانش نیز از او به استاد مؤسس آقایی یا آقایی مدرس و مانند آن تعبیر کرده‌اند و هرگز از آنها این تعبیر در حق استادشان سبقه ندارد. از این مهیتر، آقایی اگرچه مدت کوتاهی برای تحصیل منقول به عتبات عالیات مشرف شده، اما اینکه موفق به درک محضر شیخ اعظم شده با توفیق تقریر درستهای اصول شیخ را پachte باشد در تراجم وی بویژه رساله سرگذشت نیامده است. چنین توفیقی افتخاری است که بعيد است از ذکر آن غفلت شود. آقایی، خارج اصول را خدمت میرزا احسان آشتیانی بزرگترین شاگرد شیخ اعظم در تهران تلمذ کرده است. به‌مرحال در متن رساله فارغ از اشاره کمی‌های «ملاعی نوزدری» هیچ قرینه‌ای دال بر استناد آن به آقایی دیده نمی‌شود.

۴- در یکی از فهرستهای اخیر نسخ خطی آمده است:<sup>۲</sup> «شماره ۱۴۰ شاید رساله وجود رابطی آقایی مدرس باشد. آغاز: فاقول سناناً مِنَ اللَّهِ الْعَصْمَةُ وَالسَّدَادُ وَالْهَدَايَةُ إِلَى طریق الرشاد، اعلم ان الواجب الحق المتفرد بالوجود الحقیقی...». این رساله قطعاً رساله وجود رابط آقایی نیست. اما اینکه رساله دیگری از آقایی هست یا نه، در تفحص از این

سخن‌وپیگیری رد آن از تهران به قم و بالآخره خوانسار و مراجعه به کتابخانه مدرسه علمیه ولی عصر (عج) خوانسار مشخص شد که بخشی از نسخ خطی مجموعه یاد شده در چربان انتقال از تهران به خوانسار مفقوذه است. متأسفانه رساله موردنی بحث از جمله رسائل دنیوده است.

۵- نسخ خطی شماره ۱۸۳۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شرح ایات الواجب، شرح محمد حنفی بر ایات الواجب قدیم دوای. در فهرست نسخ خطی مجلس آمده است «بر کنار صفحه ۲ نسخه حاشیه‌ای است که گویا از آقایی مدرس زنوزی است». در مراجعه به نسخه فوق مقایسه آن با دیگر حواشی و مخطوطات آقایی، اتساب حاشیه‌مدکور به حکیم مؤسس احرار نشد.

در طول تفحص از آثار آقایی به موارد متعدد دیگری برخورde شد که اتساب آنها به حکیم مؤسس ضعیفتر از موارد پیش گفته و سست‌تر از آن است که به ذکر شان بیارزد.

#### ۷- دسته بندی آثار حکیم مؤسس

آثار بجا مانده از آقایی به لحاظ‌های مختلف قابل تقسیم است. ملاک تقسیمات آنی عبارتند از: تمام و ناقص بودن اثر، زبان اثر، طول اثر، نوع اثر، موضوع، زمان نگارش، از حيث شهرت و معروفیت و بالآخره از حيث عنایت دیگر حکما به آنها.

#### ۷-۱- تقسیم آثار به لحاظ کامل و ناقص بودن

بخشی از آثار بجا مانده از حکیم مؤسس ناقص هستند. این آثار ناقص عبارتند از: ۱- مقدمه شرح اسرار الایات که بواسطه رحلت آقایی ناتمام مانده است.<sup>۲</sup>- تعلیقات الشواهد الربویة<sup>۳</sup> رساله فی احکام الوجود و الماهیة (ناقص الاول و الآخر). در باره اکثر آثار آقایی که در قالب تعلیقه بر کتب ملاصدرا و دیگر حکما نگارش یافته است، نمی‌توان در باره کامل یا ناقص بودن آنها اظهار نظر قطعی کرد، نسخ بجای مانده از دیگر کتب و رسائل حکیم مؤسس کامل است.

۱- عبدالجبن حائری، فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، جلد پنجم، ص ۲۰۶.

۱- فهرست الفبایی نسخ شنلی کتابخانه آستان قدس رضوی، صفحه ۱۸۶.  
۲- رضا اساتید، فهرست ۱۵۰ نسخ خطی، مجله تور عالم، قم، شماره ۱۶، ص ۱۱۹.

۲-۷. تقسیم آثار به لحاظ زبان اثر

حکیم مؤسس به دو زبان فارسی و عربی قلم زده است. آثار فارسی او عبارتند از:  
 ۱- بدایع الحکم ۲- تعلیقات لمعات الهیه ۳- بخشی از رساله حقیقته محمدیه ۴- بخشی از رساله فی احکام الوجود و الماهیة ۵- رساله تاریخ حکماء ۶- رساله سرگذشت ۷- رساله وحدت وجود صوفیه ۸- مقدمه شرح اسرار الایات ۹- رساله فوائد ۱۰- غزلیات و اشعار ۱۱- تقریظ بر رساله صدر الافاضل، بقیه آثار آقاعدی به زبان عربی نگارش بافته است.

۳-۷. تقسیم به لحاظ طول اثر

آثار حکیم مؤسس را به این لحاظ می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: مفصل، متوسط و مختصر، بیش از صد صفحه را مفصل، بین بیست تا صد صفحه را متوسط و کمتر از بیست صفحه را مختصر شمرده ایم.

آثار مفصل وی عبارتند از: ۱- تعلیقات الاسفار ۲- بدایع الحکم ۳- تقریرات المبدع والمعاد

آثار متوسط وی عبارتند از: ۱- رساله فی مباحث الحمل ۲- رساله فی الوجود الرابط ۳- رساله فی التوحید ۴- رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعلم ۵- رساله فی احکام الوجود و الماهیة ۶- رساله حقیقته محمدیه ۷- تعلیقات الشواهد ۸- تعلیقات شرح الہدایۃ الائیریۃ ۹- رساله حقیقته محمدیه ۱۰- تعلیقات شوارق الالهام.

دیگر آثار او مختصر نه، یعنی بین چند خط تا بیست صفحه.

۴-۷. تقسیم به لحاظ نوع اثر

آثار آقاعدی از این حیث به دو قسم تقسیم می‌شود: تعلیقات و آثار مستقل. تعلیقات وی عبارتند از: ۱- تعلیقات الاسفار ۲- تعلیقات الشواهد ۳- تعلیقات حواشی صدر المتألهین علی الهیات السفا ۴- تعلیقات حواشی صدر المتألهین علی شرح حکمة الاشراف ۵- تعلیقات شرح الہدایۃ الائیریۃ ۶- التعلیقات الاصولیة ۷- تعلیقات شوارق الالهام ۸- تعلیقات لمعات الهیه ۹- تعلیق علی حواشی الجمالیۃ علی حواشی الخفریۃ علی شرح التجرید ۱۰- تعلیقات حواشی الالهیجی علی شرح الاشارات ۱۱- تعلیقات علی حواشی والدہ علی حواشی الالهیجی علی شرح التجرید ۱۲- تعلیق حاشیۃ رساله

سر القدر. دو اثر مقدمه شرح اسرار الایات و مقدمه مفاتیح الغیب نیز به همین قسم ملحق می‌شود. تقریرات المبدع و المعاد نیز به شیوه تعلیقه تقریر شده است.

آثار مستقل وی یا کتاب است یارساله. تنها کتاب وی بدایع الحکم است. آثار سائل وی نیز خود به چند بخش قابل تقسیمند:

قسم اول از رساله. رساله که یکی از تعلیقه‌های مفصل اسفار ندو از جانب آقاعدی با شاگردانش مقدمه‌ای نیز به آنها ملحق نشده است. این قسم از رساله عبارتند از: ۱- رساله فی العلة والمعلول ۲- رساله فی طریقة الصدقین ۳- رساله فی بیان ان النفس کل القوى. ما این سه رساله را در ضمن تعلیقات اسفار در جای خود آورده‌ایم و از انتقال آنها به بخش رساله خودداری کرده‌ایم.

قسم دوم: رساله که سابقاً یکی از تعلیقه‌های بلند اسفار برده‌اند، اما با اضافاتی توسعه خود حکیم مؤسس در زمان حیات وی با الحق مقدماتی بصورت رساله مستقلی منتشر شده‌اند در رساله‌ذیل از این قسم محسوب می‌شوند: ۱- رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعد ۲- رساله فی التوحید.

قسم سوم: رساله غیر اسفاری، یارساله مستقل: ۱- رساله فی مباحث الحمل ۲- رساله فی الوجود الرابط ۳- رساله فی احکام الوجود و الماهیة ۴- رساله حقیقته محمدیه ۵- رساله وحدت وجود صوفیه ۶- رساله فوائد ۷- رساله سرگذشت ۸- رساله تاریخ حکماء.

۵-۷. تقسیم آثار به لحاظ موضوع

آقاعدی در چهار زمینه قلم زده است: ۱- حکمت و منطق ۲- تاریخ فلسفه ۳- اصول فقه ۴- شعر. اکثر آثار آقاعدی در زمینه فلسفه است. آثار غیر فلسفی او عبارتند از: یک اثر در منقول: التعلیقات الاصولیة. دور رساله در تاریخ فلسفه: ۱- رساله سرگذشت ۲- رساله تاریخ حکماء و دیوان اشعار که به جز چند بیت آن بجا نمانده است.

دست‌بندی آثار فلسفی حکیم مؤسس

اول: دوره سبیل کامل فلسفه: تعلیقات الاسفار.

دوم: امور عامه: تعلیقات الشواهد، تعلیقات حواشی الهیات الشفا، تعلیقات شرح الہدایۃ الائیریۃ، تعلیقات الشواهد، تعلیق علی حواشی الجلالیۃ علی حواشی الخفریۃ

۵. رساله سرگذشت، بین جمادی الاولی تاذی قعده ۱۳۰۷.
۶. مقدمه شرح اسرار الایات، ذی قعده ۱۳۰۷ (آخرین اثر)
- ۷.۷. تقسیم آثار حکیم مؤمن از حیث شهرت و معروفیت  
بین کتب، رسائل و تعلیقات آقائی سه اثر از بقیه مشهورتر است، تا آنجا که گاهی  
وی را به نام یکی از سه اثر معروفی می‌کنند (صاحب بدایع، صاحب سبیل الرشاد، صاحب  
تعلیقه بر اسفار) آن سه اثر عبارتند از: ۱- بدایع الحکم (مشهورترین اثر وی) ۲- سبیل الرشاد  
فی اثبات المعاد ۳- تعلیقات الاسفار.
- بر نسخه ترین اثر آقائی سبیل الرشاد است که غیر از چاپ سنگی ۶ نسخه مخطوط  
متفاوت از آن بدست آورده‌اند، بعداز آن رسالت فی التوحید که دارای ۵ نسخه خطی متفاوت  
است.
- دور رسالت مباحثت الحمل و الوجود را بیز از شهرت سبیل تقابل توجهی  
بر خود دارد، اکثر آثار آقائی حتی در تعداد اهل فن نیز تاشناخته است که باعث تأسف  
می‌باشد.
- ۸-۸. آثار آقائی از حیث عنایت دیگر حکما به آنها (از طریق شرح، حاشیه، نقد،  
اقتباس)
- ۱- آثار آقائی رسالت سبیل الرشاد بیش از دیگر آثارش مورد عنایت حکما قرار  
گرفته است، محمدعلی کرمانشاهی از شاگردان آقائی از آن حواشی توضیحی نگاشته  
است.<sup>۱</sup> میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی (م ۱۳۹۵) در حل مشکلات آن تعلیقاتی دارد.<sup>۲</sup>  
مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱) شاگرد شاگرد آقائی در
- 
۱. حواشی محمدعلی کرمانشاهی در پارتوی رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد در جلد دوم مجموعه مصنفات حکیم  
مؤمن درج شده است.
۲. استاد میرزا ابوالحسن قزوینی قدس الله روحه در فی الشیات المقلیة والمتألية بر مشکلات رسالت سبیل الرشاد حواشی  
لو شنیده اند<sup>۳</sup> سید جلال الدین آشتیانی، شرح زدالسان ملاصره اعاده جسمانی پارتوی صفحه ۲۰۲۰ در مجموعه  
رسائل و مقالات فلسفیه علامه رفیعی قزوینی (استند و تصویب غلامحسین رضانژاد، تهران، ۱۳۶۷) این حواشی به  
چشم نمی‌خورد، تها حاشیه بذلت آنده از میرزا ابوالحسن قزوینی را به نقل از منصبه ۲۰۳ و ۲۰۴ شرح زدالسان  
ملاصره از ذیل رسالت سبیل الرشاد نقل کرد ایم.

علی شرح التجربه.

سوم: طبیعتیات: تعلیقات شرح الهدایة الاییریة، تعلیقات حواشی الایهیجی علی  
شرح الاشارات، تعلیقات علی حواشی والده علی حواشی عبدالرازاق علی شرح  
التجربه.

چهارم: رواییات (الهیات بالمعنى الاخص)، بدایع الحکم، تعلیقات لماعت الهیه،  
تعلیقات الشواهد (نیمة دوم) تعلیقة حاشیه رسالت سر القدر، تقریرات المبدع والمعاد.

پنجم: تک‌نگاری‌های فلسفی: رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، رسالت فی مباحث  
الحمل، رسالت فی الوجود والرابط، رسالت فی التوحید، رسالت فی احکام الوجود والماهیة.  
ضمناً دور رسالت حقیقته محمدیه و وحدت وجود صوفیه در عین اینکه از مباحث حکمت  
متعالیه می‌باشند به مباحث غرفانی تزدیک تر هستند.

ششم: مسائل مختلف فلسفی: رسالت فوائد، مناظره با محمد کریمخان کرمانی،

۷-۶. تقسیم آثار به لحاظ زمان نگارش

برخی از آثار آقائی فاقد تاریخند و در آنها نشانه‌ای از اینکه در چه زمانی به رشتۀ  
تحریر در آمده بیز به چشم نمی‌خورد.

اما آن دسته‌از آثار آقائی که دارای تاریخند عبارتند از:

۱- مناظره با محمد کریمخان کرمانی، ۱۲۷۵.

۲- تعلیقات حواشی الایهیجی علی شرح الاشارات، ۱۲۸۷.

۳- برخی تعلیقات اسفار ۱۲۸۳، ۱۲۸۸، ۱۲۸۵، ۱۲۸۹.

۴- بدایع الحکم، تاریخ پایان ۵ جمادی الاولی ۱۳۰۷ (هفت ماه قبل از وفات).

اما زمان نگارش آثاری از آقائی که اگرچه فاقد تاریخند بواسطه بعضی قرآن که در

مقدمه هر اثر به تفصیل شرح داده خواهد شد قابل حدس می‌باشد عبارتند از:

۱- التعلیقات الاصولیة، بعداز ۱۲۸۵.

۲- رسالت سبیل الرشاد، بین ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۲.

۳- رسالت فی التوحید، بین ۱۲۹۴ تا ۱۲۸۵.

۴- رسالت حقیقته محمدیه، قبل از ۱۲۹۸.

مرحوم استاد محمد تقی جعفری در تقریظ بر کتاب مرحوم حائزی مازندرانی، وی را «تابعه عظیم الشأن» دانسته نوشته است: «در این مبحث قدرت فکری حضرت آقای علامه بدون نثر از گفته‌ها و گوینده، شاهراه علمی خود را طی نموده و اصالت وجود را از کرسی بر ستش پایین آورده و این منصب را از آن ماهیت داشته... اینجانب که در صدد بیان شدای از اهمیت مطالب این کتاب برآمده‌ام پس از مطالعه چهار هزار کتاب فلسفه و عرفان غربی (نتزیباً) غیر از کتب فلسفی و عرفانی شرقی این مشی علمی و فلسفی که از معظم له در این مبحث مشاهده نموده‌ام، منحصر دیده و بدون مبالغه گواهی به انفراد معظم له در تحقیقات این مبحث می‌دهم.»<sup>۱</sup> فارغ از لحن گزندۀ ناقد محترم، این رساله خود بهترین شاهد بر اهمیت و نفوذ آراء ابتکاری و نافذ حکیم مؤسس است. مادر ضمن تحلیل انتقادی آراء ابتکاری آقای علی مدرس به تفصیل مطالب رساله مرحوم حائزی مازندرانی را مورد نقده قرار داده به اعتراضات وی پاسخ داده‌است.

ضمناً آقای دکتر کریم مجتبه‌ی نیز در دو مقاله، کتاب بدایع الحکم را از زاویهٔ فلسفه تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار داده است.<sup>۲</sup>

۳- از دیگر آثار آقای علی مدرس طهرانی که توسط مرحوم غروی اصفهانی شاگردبار است، حکیم مؤسس در «نهایه‌ای از رایدی شرح الکفایه» مورد استناد قرار گرفته، غیر از بدایع، رساله‌ای مباحث العمل و رساله‌ای الوجود اول ابطا است که مرحوم کمیانی بدون ذکر نام رساله‌ها، به رأی حکیم مؤسس در اعتبارات ماهیت و اتحاد عرض یا موضوع استناد کرد دادست.<sup>۳</sup>

۴- آراء آقای علی در کتب اساتید معاصر فلسفه نیز مورد استناد و بحث قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

۱. تقریظ شیخ محمد تقی جعفری بر چالوس کتاب حکمت پویلی سپاهی، ص ۵۶ و ۷.
۲. ذکر فلاسفهٔ غرب در بدایع الحکم، مجله‌ی انسانی کتاب، سال ۱۸، شماره ۱۰۲، دی - اسفند ۱۳۵۴، بدیع‌الملک، میرزا عبدالواله و اولن فیلسوف فرانسوی، مجله‌ی انسانی کتاب، سال ۱۹، شماره ۱۲۱، بهمن و اسفند ۱۳۵۵، بهایه‌ای از رایدی شرح الکفایه (طبع دویسۀ آآل ابیت)، ج ۱، ص ۲۲۹.
۳. به عنوان نموده استاد شهید مرتضی مطهری، در سهایی الهیات شنا، مقاله ۵، قبل ۱، مجموعه آثار ج ۷، ص ۲۷۱-۲۷۰ (تهران ۱۳۷۲): «در میان متاخرین، مرحوم آقای علی مدرس ذنوی کسی است که اول دفعه به این لکته توجه کرده است که تقسیم قضایا در قبل کامل بوده است، ایشان رساله‌ای نوشته‌نامه رساله‌العمل و در آنجامون‌کانی هایی کرده‌و باز ساختن کامل تر است».

←

اقتباس از این رساله و رأی مختار آن «رسالة في إثبات المعاد الجسماني» را به روشنۀ تحریر در آورده است.<sup>۱</sup> استاد سید جلال الدین آشتیانی در شرح بروز از المسافر ملاصدرا (معد جسمانی) و نیز مقابله تحلیلی (المبدى والمعد) صدر المتألهین پس از توضیح مفصل رأی آقای علی به نقد آرای حکیم مؤسس دست یازیده است و از مبنای صدر المتألهین در مسأله معاد جسمانی جانبداری کرده است.<sup>۲</sup> آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینائی در تختین اثر مستقل فارسی در زمینهٔ تشریح آراء حکیم مؤسس به نام «معد از دیدگاه حکیم مدرس ذنوی» به تحلیل آرای آقای علی در بارهٔ معاد جسمانی پرداخته است.<sup>۳</sup>

۲- دیگر اثر آقای علی که مورد تقدیم بعضی حکمای معاصر واقع شده کتاب بدایع الحکم است، مرحوم محمد صالح حائزی سمنانی مازندرانی از قائلین به اصالت ماهیت در پاسخ به نامه‌های متعددی از علمای ایران و عراق که ازوی خواسته بودند به برآهین اصالت وجود آقای علی مدرس در کتاب بدایع الحکم پاسخ گوید، در سال ۱۳۷۷ پس از نگارش بدایع الحکم رساله‌ای بنام «بدایع الحکم فی کشف خدای بدایع الحکم» در نقد ادلۀ حکیم مؤسس بدرسته تحریر در آورده.<sup>۴</sup> آنچنانکه از عنوان رساله مرحوم حائزی مازندرانی بر می‌آید و با کمال تأسف برآهین آقای علی را در باب اصالت وجود، خدude و نیرنگ دانسته و سخنان خود را در این برآهین، و دیوهای حکمت الهی پاشمار آورده است.

۱. تصحیح راستایی، فصلنامهٔ تورعلم، شماره ۱۲۰، قم، آبان ۱۳۶۴ ه.ش، ص ۱۱۵-۱۲۰.

۲. شرح بروز از المسافر ملاصدرا (معد جسمانی)، صفحه ۲۷۳-۲۸۰.

۳. تهران ۱۳۶۸، ه.ش، انتشارات حکمت.

۴. این رساله به طور مستقل در روز جمعه ۱۳۷۷ در چالانه بشرکت سهایی طبع کتاب در ۱۲۶ صفحه و نیز همان به طبعه چالوس کتاب حکمت پویلی سپاهی تهران منتشر شده است. در مقدمه مؤلف آمده است: «در این یا پس از مدی که از انتشار چلدارل و چلدروم کتاب سیمی به حکمت پویلی سپاهی گذشت مکاتب ای از جمعی از نشانی ایران و عراق برای اینجانب رسید، و در خواست جواب شانی و کانی و منصل فرموده از دبل طولانی که آقای ذنوی در کتاب بدایع الحکم ص ۱۱۱ تحت عنوان محاذیقه و مشاجره، بر اصالت وجود آن مودلا...» (صفحه ۲۵). آقای عمارزاده در مقدمه ناشر (اصنایل ۸) توضیح دارد: «نگارنده در خال طبع و نشر چلدارل و دوم این کتاب از استاد بزرگوار تقاضا کردم که جواب منصلي از استدلال ملاعلی حکیم ذنوی موقوف فرمایند، معلوم شد این تقاضا از طرف چندین شخصیت علمی شده من چهله حضرت حجۃ‌الاسلام آقای آقائی محدث تقی جعفری تبریزی دامت بر کاته مؤلف کتاب ارتباط انسان و چهان است که از علاقه‌مندان به کتاب حکمت پویلی و معتقدین به انکار معظم له می‌باشد...»

## ۸. منابع آثار آقای اعلیٰ

مراد از منابع کتب و رسالاتی است که آقای اعلیٰ مدرس در آثار خود به آنها استناد کرده یا به نحوی از آنها امور دبحث قرلر داده است. آثار آقای اعلیٰ علاوه بر اینکه شامل ابتكارات و آراء جدید است، حاوی استناد و اثکاء به آرا گشتنگان نیز می باشد. در این مجال به متفسکرانی که آراء آنها به نحوی از آنها در آثار آقای اعلیٰ مطرح شده است می پردازم. بی شک بیشترین کسی که آرائش مورد استناد و بحث آقای اعلیٰ قرار گرفته صدر المتألهین شیرازی است، کتب مختلف ملاصدرا در درجه اول اسفرار و در درجات بعدی المبدء والمعاد، تعلیقات الهیات شفا، تعلیقات شرح حکمة الاشراق، شرح الهدایة الایبریة، الشواهد الربویة، اسرار الآیات، مفاتیح الغیب، المشاعر، رسالتہ الحشر، رسالتہ حدوث العالم مورد استناد و بحث قرار گرفته اند.

دومین حکیمی که آرائش بیشتر از دیگران مورد استناد و بحث و تقدیم حکیم مؤسس قرار گرفته حاج ملاهادی سبزواری به ویژه در تعلیقات اسفرار است. در درجه سوم می باید از والدمکرم آقای اعلیٰ، ملاعبدالله مدرس نیزی یاد کرد. آقای اعلیٰ به تناسب آراء پدر فاضلش از لمعات الهیه و انوار جلیه و حواسی اسفرار و حواسی شولرق و غیر آن غالباً برای تأیید و توضیح مورد استناد قرار داده است، و به صلابت علمی آراء پدر خود ایمان داشته است. در درجات بعدی آراء شیخ الرئیس ابن سینا و شیخ اشراق شهاب الدین سهروری مورد استناد و بحث حکیم مؤسس واقع شده است. دیگر حکیمان مسلمان که آراء آنها به تأیید یا تقدیر آثار آقای اعلیٰ مدرس مورد بحث واقع شده عبارتند از: بهمنیار، قطب الدین شیرازی، قطب الدین رازی، فخر الدین رازی، خواجه نصیر الدین طوسی، سیدمیر شریف، عضددالدین ایجی، تفتازانی، سید صدر الدین دشتکی، جلال الدین دونانی، میرداماد، ملاعبدالرزاقي فیاض لاهیجی، قاضی سعید و آقا جمال خوانساری. از حکمای یونان آراء ابذاقلس،

→ ۲۷۲: «مترجم نیوزی در [اعتبارات مایهیت] به تسبیمات جدیدی رسیده و گذشت کرده است.» استناد سید جلال الدین آشتیانی: «مطلوب افضل المتأخرین آقای اعلیٰ حکم در این باب [بساطت و وجود] از هر جهت نظیر ندارد و محققانه وارد بحث شده است، شکر اللہ سعد و قلن اللہ نسبه، متفق شرح رسالت شاعر ملامحمد جعفر لاهیجی، ص ۱۲۳.

ذیقراطیس، افلاطون، ارسسطو، فورفوریوس و به کرات اثر لوچیا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

از ویژگی های مثبت حکیم مؤسس توجه و نقل مستند آراء حکمای معاصر خود است. از حکیمان قرن سیزدهم آقای اعلیٰ آرای حکمای ذیل را فراوان مورد بحث و تقدیر اداده است؛ فارغ از آراء حکیم سبزواری و پدرش ملاعبدالله مدرس نیوزی آراء ملام محمد اسماعیل درب کوشکی اصفهانی بیشتر از دیگر حکیمان مورد عنایت و بحث آقای اعلیٰ بوده است.

در درجه ای بعدی آراء ملامحمد اردکانی مورد نقد عالمانه آقای اعلیٰ واقع شده است. ملاعلی نوری، ملامحمد جعفر لاهیجی، ملامحمد علی نوری، میرزا حسن نوری، ملام نعیما طالقانی، ملا رضا تبریزی، ملام صطفی قمشه ای مصنفوی الحکماء از جمله حکیمانی هستند که آرائشان به نحوی مورد نقد و بحث آقای اعلیٰ واقع شده است.

از میان عرقاء آقای اعلیٰ به آراء شیخ اکبر محیی الدین عربی، صدر الدین قونوی، کمال الدین عبدالرزاقي کاشانی و عبدالرحمن جامی استناد کرده است. در تفسیر قرآن، تفسیر مورده اثکاء و استناد آقای اعلیٰ تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی است. در استناد به روایات، نهج البلاغه، کافی، کتب شیخ صدق، احتجاج طبرسی منابع مورد اثکای آقای اعلیٰ هستند. هرچند روایات عالیه المضامین که در چوامع رایج رولی به چشم نمی خورند نیز مورد استفاده واقع شده است. در مباحث اصول فقه غیر از آراء استادش میرزا حسن آشتیانی، به رأی صاحب معالم نیز استناد شده است، اشعار حافظ، مولوی، شیخ محمود شبستری، سعدی و فیاض لاهیجی در آثار آقای اعلیٰ به چشم می خورند.

آقای اعلیٰ معمولاً صراحتاً از صاحب رأی استنادی نام می برد، اما در مواردی ضمن استناد به نظریات استادیش از ذکر نام آنها خودداری کرده، به احتمال قوی در موارد یاد شده مراد ملا آقای قزوینی است. متأسفانه آثار حکمای قرن سیزدهم منتشر شده تا پتوان در این زمینه نظر قطعی داد. مقایسه میزان استنادات آقای اعلیٰ مدرس به آراء دیگر حکما با میزان استنادات حکیم سبزواری نشان می دهد که حوزه تبعیع و مراجعته حکیم مؤسس به مراتب

بیشتر بلکه، چندین برابر تبعات حکیم سبزواری است. آقایی هم در تبع و در ریشه‌یابی آراء و هم در لزانه آراء ابتکاری و نظریات بدیع فلسفی براستی «حکیم مؤسس» و فیلسوفی قابل اعتماد است، رعایت امانت آقایی و عدم اکتفا به عنوانین مجھولی از قبیل «قبیل، با قال بعض» و بویژه نقل از معاصرین نشان از سلامت و اعتماد به نفس علمی این حکیم الهی دارد.

#### ۹. شیوه نگارش آقایی

نگاهی به آثار بجامانده از حکیم مؤسس نشان می‌دهد که دغدغه‌ای اصلی آقایی فلسفی و نگارش نبوده و چنان‌که حرفی برای گفتن داشته، قلم پدست نگرفته است. آقایی گزیده‌نویس است و از اطباب بشدت گریزان. موجز و عمیق می‌نویسد. در میان آثار او حتی يك کتاب به شیوه سنتی از آغاز تا انجام فلسفه به چشم نمی‌خورد. حتی کتاب تعلیمی نیز نوشته است. در نگارش همراه قصدش ثبت دستاوردهای جدید و آراء و تازه و ابتکارات بدیع است. لذا با اینکه حجم آثار بجامانده از او زیاد نیست و از چهار مجلد تجاوز نمی‌کند، اما به لحاظ کیفی و از حیث ممتاز و عمق چشمگیر است. خوش خط و خوشخوان می‌نویسد، کمتر خط زده است. نوشtar او حاکی از یک ذهن منضبط و یک اندیشه منسجم است. به هنگام تقد آراء دیگران بسیار مؤدب و موقر است و هر گز از جاده انصاف خارج نمی‌شود. گاه لقد خود را بویژه به بزرگان حکمت از قبیل صدرالمتألهین و سبزواری به اشاره بیان می‌کند که خواننده در ظاهر متوجه انتقاد و تقاوت دیدگاه‌های می‌شود، هر گاه به نوشن رأی تازه و نظری بدیع توفیق یافته، در آغاز و انجامش خدار امی‌ستاید و پر این نعمت، حکیم علام را شکر می‌گذارد. اگر کلامی را از دیگری وام گرفته برخلاف سبیل متعارف، به حق او به صراحت یا به اشارات افرار می‌کند. دیگر حکما را چه از استادیش و چه از معاصرانش با کمال احترام یاد می‌کند. در استناد به آیات و روایات اهل بیت (ع) مقدم و در عین حال مبتکر و محتاط است، از تأثیرات ذوقی و سلیقه‌ای گریزان است، در عین اینکه در تفسیر و تشرییح ابعاد عقلی کلام خدا و رسول (ص) و ائمه (ع) چیره‌دست و توانا.

#### ۱۰. ادبیات آقایی

آقایی به فارسی و عربی، و به نظم و نثر قلم زده است. از باقیمانده اندک شعر او هویتاً است که جهات معنوی بر صنایع لفظی چیره است. اکثر قریب به اتفاق آثار او به نثر و بیشتر مکتبات او به عربی است، در نثر عربی و فارسی وی، توغل در معانی عالی او را از پرداختن به ظرائف ادبی و دقائق نحوی بازداشتند است. اگر چه تحمیدیه بداعی الحکم، مقدمه سبیل الرشاد، تقریظ مفاتیح الغیب و تقریظ رسالت صدرالاصل، به لحاظ صنایع ادبی و آرایش لفظی قابل اعتماد است، اما تأمل در مجموعه مصنفات آقایی اثبات می‌کند که این حکیم الهی چندان در بند لفظ نبوده و در حین حل معضلات پیچیده فلسفی به قواعد ادبیات عرب کمتر توجه داشته است. لذا بیشتر آثار عربی او محتاج ویرایش ادبی است، و از این حیث کاملاً برخلاف شر منشیان، ادبیان و خوشخوان صدرالمتألهین نوشته است. جملات وی طولانی است و از باب الكلام یجر الكلام مطالب عمیق فلسفی را بی‌آنکه به اتمام هر یک و پرداختن به دیگری اشاره کند به رشته تحریر در آورده است. لذا مطالعه آثار وی تا حدبودی خسته کننده و محتاج مطالعه دوباره و سدباره است. در آثار مختلف وی تکرار به چشم می‌خورد. گاهی مطلب واحدی در سده اثر مختلف بعینه تکرار شده است، این مشکل در آثار دیگر حکما از جمله صدرالمتألهین و فیض نیز به چشم می‌خورد. یادداشت معانی فارسی بسیاری از لغات متعارف عربی در حاشیه سخنه‌های شخصی وی و حتی توضیح این معانی به فارسی در برخی حواشی نشان می‌دهد که از این حیث با پیروش که از فرط ممارست در علوم ادبی در آغاز به ملاعبدالله نحوي مشهور شده بود قابل مقایسه نیست، نثر فارسی وی نیز به شپوره نگارش فارسی عصر قاجاری و دوران ناصری متکلفانه و معقد است. اما اشکالات یاد شده در حدی نیست که در انتقال معانی و آراء ارزشمند حکیم مؤسس خلیلی ایجاد کند.

#### بخش چهارم: مجموعه مصنفات حکیم مؤسس

در این بخش نکات زیر مورد بحث قرار می‌گیرد: چرا آقایی مدرس را انتخاب

کردم؟ گستره تحقیق در آثار آقایی تا کجا است؟ محدودیتهای این تحقیق چیست؟ تحویله تقسیم آثار در مجلدات سه گانه مجموعه برچه اساس است؟ چرا بداعی الحکم در این مجموعه نیامده است؟ چه کارهایی در این مجموعه مصنفات انجام گرفته است؟

### ۱. چرا آقایی مدرس طهرانی؟

در ضمن مطالعه، تحصیل و تدریس فلسفه اسلامی همواره ترسیم هویت فاسفی مسلمانان و سهم فرهنگ اسلامی در اندیشه فلسفی، ذهن راقم این سطور را بخود مشغول می کرد، وجه امتیاز حکیمان مسلمان نسبت به بدکنگر، ابتكارات حکیمان مسلمان و اینکه هر یک به کاروان خردورزی چه افزوده اند، لاجمله سؤالاتی بود که در این راست قرار می گرفت. و به طور مشخص آیا پس از ملاصدرا در فلسفه اسلامی حرفي تازه زده شده است؟ یا اینکه فلسفه چهار قرن اخیر تنها به شرح و تفسیر و تحریر آراء حکیم برآوازه شیراز بسته گردد؟ آیا حکیمان متعالیه با پذیرش مبانی حکمت متعالیه آراء صدر المتألهین را مورد نقد و احیاناً جرح و تعدیل قرار داده اند؟ و یا بالاتر از آن، آیا حکیمی پس از ملاصدرا تو استه است در مبانی وی تصرف کند و حرفي نو در اندازد؟ در میان فلسفه پس از ملاصدرا، ویژگی های چهار گانه ابتكار، نقد، فلسفه تطبیقی و قوت علمی مرا ابسوی آقایی مدرس طهرانی کشانید، وقتی قصد مطالعه آثار این حکیم الهی کرد تا ابتكارات او را لذسوسی و انتقادات اور از سوی دیگر استخراج کنم، دریافت که اکثر آثار از مخطوط است و از چاپ سنگی آثار چاپ شده او پیش از یک قرن می گذرد، در آغاز پنداشتم که بالد ک کوششی آثار این حکیم مؤسسن قابل احیاء است، اما در عمل خلاف این ثابت شد و شخص، جمع آوری، تصحیح و تحقیق آثار حکیم مؤسسن سه سال به طول آنجامید، حال آنکه قصد او لبیه تنها تحلیل و استخراج آراء ابتكاری و انتقادی انسداد ایسا نموده بود نه بیشتر و احیای مجموعه آثار در این رهگذر تنها مقدمه و سیله ای بیش نبود، اما هر یار که سختی و دشواری کار خسته کننده و یکنواخت استنساخ و مقابله و تصحیح غلبه می کرد، یاد این شهر و آن شهر، این کتابخانه و آن کتابخانه به دلیل نسخه ای از آثار آقایی می گشتم تنها انفاس قدسیه این حکیم الهی بود که نامالایمات کار را مرتفع می کرد و مرآبه ادامه و به پایان

رسانیدن این مجموعه تشویق می کرد. امروز که به کار سه ساله می نگرم خدار اشکر گزارم و این همه را از تفضل الهی و از برگات این حکیم الهی می شمارم و بس، پیش از این هر گز باور نمی کردم احیای میراث سلف صالح و تصحیح و تحقیق ذخائر علمی این همدزحمت دارد. می بندارم اگر هر طالب فلسفه ای، آثار فلسفی را احیا کند، از سوی انجام و ظرفه و ادای حق کرده، از سوی دیگر بتدریج آثار بالارزش فلسفه اسلامی به ذهن و سرای اندیشه معاصر بار عالم می باید و امکان نقد و بررسی از یک طرف و تکمیل، استمرار، اصلاح و تتبیع از طرف دیگر فراهم می شود، متاسفانه بسیاری از آثار بالارزش فلسفه اسلامی هنوز یا مخطوط است یا از آن، چاپ مصحح انتقادی در دست نیست. مجموعه آثار اکثر فلسفه ما، حتی فلسفه بزرگ هنوز تدوین نشده است. خوشحالم که حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی از زمرة لخستین فلسفه مسلمان است که مجموعه کامل مصنفات او به شیوه علمی تصحیح و تحقیق شده است.

### ۲. گستره تحقیق

برای یافتن مصنفات آقایی مدرس طهرانی که حتی در بدو کار فهرست کاملی از آن نیز در اختیار نبود. کلیه فهرستهای کتب منتشر شده و نیز تمامی فهرستهای نسخ خطی کتابخانه های عمومی و خصوصی داخلی و خارجی مطالعه شد، علاوه بر آن با همه اسانید و کارشناسانی که احتمال داشت در این مسئله اطلاعاتی داشته باشند مشورت شد. در نتیجه ابتدا کلیه آثار آقایی که چاپ سنگی یا چاپ حروفی شده بود جمع آوری شد، سپس به گردآوری تصویری از نسخ خطی آثار اقدام شد.

نسخ خطی آثار آقایی در کتابخانه های ذیل نگهداری می شود:

۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی (بهارستان) که بیشترین حجم این آثار در آن یافت شد.

۲. کتابخانه ملی ملک تهران.

۳. کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد.

۴. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم.

- ۵- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۶- کتابخانه مدرسهٔ مروی تهران.
- ۷- کتابخانه مدرسهٔ عالی شهید مطهری (سپهسالار) تهران.
- ۸- کتابخانه مسجد جامع چهلستون بازار تهران.
- ۹- کتابخانه مدرسهٔ علمیه ولی عصر خوانسار.
- ۱۰- کتابخانه داشتگاه استر اسپورگ فرانسه.

در دیگر کتابخانه‌های داخلی و خارجی نسخه‌ای از آثار آقاعدی شناسایی نشد. از کتابخانه‌های خصوصی نیز برخی نسخ آثار آقاعدی در کتابخانه‌های استاد حسن حسن‌زاده آملی، استاد سید جلال الدین آشتیانی، شیخ محمد حسن احمدی فقیه یزدی، دکتر شهیدزاده از ورثه آقاعدی، شیخ حسن شفیعیان و آقای سهله‌علی مددی یافت شد.

### ۳. محدودیتهای تحقیق

اولاً: متأسفانه همه نسخ خطی در کتابخانه‌های عمومی ایران فهرست نشده است. ثانیاً: بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی فاقد فهرست است. ثالثاً: بعضی از فهرستهای موجود دقیق نیستند، یا وقت کافی مصروف شناسایی نسخه. برخی نسخه‌هایی که حاوی چندین کتاب و رساله هستند، نشده، یا اینکه اصولاً از سوی افراد غیر متخصص و ناشناهه مبانی فنی علوم و معارف تنظیم شده باست. رابعاً: بررسی فهرستهای نسخ خطی که خارج از ایران نگهداری می‌شوند، در حد فهرستهای موجود در ایران است. هر چند به فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های مشهور جهان مراجعه شد، اما اینکه خارج از این فهارس، گنجینه‌های دیگری باشد محتمل است. فهرست فهرستهای نسخ خطی کتابخانه‌های داخل و خارج، عمومی و خصوصی که جهت تفحص آثار آقاعدی مورد مراجعت و مطالعه قرار گرفت به بیش از صد صفحه بالغ می‌شود. امیدوارم با تنظیم پانک جهانی مشخصات نسخ خطی اسلامی اینگونه تحقیقات با صرف وقت کمتر و بازده بیشتری قرین شود. با توجه به چهار نکته یاد شده احتمال این هست که برخی از آثار آقاعدی در آینده به دست آید. بر این نکات ضریب خطای طبیعی تفحصات راقم این سطور را نیز باید افزود. با توجه

به بعضی اشارات استاد آشتیانی در آثارشان در مورد تعلیقات اسفرار و تعلیقات الشواهد الربویة ابن احتمال مطرح است که تعلیقات آقاعدی افزون از آن باشد که من به آن دست یافته‌ام. متأسفانه استاد آشتیانی در مکتوبات گذشت، خود در این زمینه مستندی ذکر نکرده‌اند و اکنون نیز با گذشت نزدیک، به سه‌دهه از آن زمان، افزون بر همان مطالب مکتوب، جزیی به خاطر نیاوردن.

ما در جای خود در ضمن بحث جزئی از هر اثر به تمامی آنچه در زمینه آن اثر گفتديا نوشته شده باشد به تفصیل اشاره خواهیم کرد. اميدوارم آثار آقاعدی بیش از آن باشد که من یافته‌ام، بویژه آثار مفقود ایشان پیدا شود و با تکمیل این مجموعه بخشی از حقوق این حکیم الهی بر طالبان فلسفه ادا شود.

### ۴. نحوه تقسیم آثار آقاعدی در مجلدات مجموعه مصنفات

از بیست و هشت اثر بدست آمده از حکیم مؤسّس انتساب بیست و پنج اثر بدوى قطعی است، سه اثر تقریرات المبدء والمعاد، و در رساله مختصر وحدت وجود صوفید و فوائد به احتمال، از آثار آقاعدی است. درباره وجه انتساب هر اثر به حکیم مؤسّس در مقدمه هر جلد به تفصیل بحث خواهد شد. در تقسیم بندي مجلدات، همسانی تقریبی حجم مجلدات با یکدیگر، نظم فی الجمله موضوعی، نوع اثر (رساله مستقل، تعلیقه)، زبان اثر و تقدم قلم آقاعدی بر مقررین در مجموع رعایت شده است.

جلد اول را مستقل از تعلیقات اسفرار-بزرگرین اثر آقاعدی- اختصاص داده‌ایم. در جلد دوم نخست رسائل فلسفی عربی را آورده‌ایم و بعد از آن کلیه تعلیقات آقاعدی بر کتب فلسفی را درج کردیم. جلد سوم را بررسائل فارسی، تعلیقات تلقی، تقریظات و مقدمات، تقریرات، مناظرات و قطعات باقیمانده اختصاص داده‌ایم. بدایع الحكم می‌تواند جلد چهارم مجموعه مصنفات باشد، که راقم سطور از آغاز با اطلاع از اینکه این کتاب حداقل در سه جا مستقل از دست تصحیح است از پرداختن به آن پرهیز کرد، اکنون چند ماهی است که خوشبختانه کی از این تصحیحات منتشر شده است. دو تصحیح دیگر بدایع نیز منتظر انتشارند. به هر حال مجموعه مصنفات آقاعدی چهار جلد است که سه مجلد آن توسط راقم

تصحیح و تحقیق شد و بدایع الحکم لیز به همت دیگر برادران تنظیم شده است.

#### ۵. کارهای انجام گرفته در مجموعه مصنفات حکیم مؤسس

۱- شناسایی کلیه آثار آقاعدی مدرس در ۳۰ عنوان.

۲- شناسایی کلیه نسخ خطی، نسخ چاپ سنگی و چاپ حروفی این آثار.

۳- شناسایی نسخه اصل یا نسخ اصیل (در فقدان نسخه اصل) و تبیین ارزش هر نسخه.

۴- استنساخ نسخه اصل یا نسخه اصیل.

۵- مقابله متن استنساخ شده با همه نسخ و مشخص کردن اختلاف نسخ.

۶- تصحیح متن و ذکر آن دسته از اختلاف نسخ که مغایر معنی است و جذف اختلاف نسخ ناشی از اغلاط نگارشی از پاورقی ها.

#### ۱. از بناه مجموعه چهار سخ خطی و یک چاپ سنگی درست است:

اول: نسخه اصل به خط آنالی مدرس تاریخ کتاب چهادی الارل ۱۳۰۷.

دوم: نسخه شماره ۱۷۲۳؛ کتابخانه ملی ملک، تاریخ کتابت ۱۳۰۷.

سوم: نسخه شماره ۱۴۲؛ کتابخانه ملی ملک، تاریخ کتابت ۱۳۰۸.

چهارم: نسخه شماره ۲۵۸۲؛ کتابخانه ملی ملک، تاریخ کتابت ۱۳۱۱.

چاپ سنگی به خط احمد هزارجریبی با ترتیب حیدرقلی خان قاجار بهارندی و به همت شیخ احمد شبرازی، صفحه ۱۲۱۴ ه.ق. تهران.

در ضمن تلوین مجموعه مصنفات، به تصحیح مستقل از بدایع در چریان بود که همگی در سال ۱۳۷۶ به پایان رسیده بود.

اول: آقایان سید ابراهیم اشک شیرین و دکتر علی اصغر مهدوی بر اساس نسخه اصل، در تهران.

دوم: آقای شیخ محمد جواد ساروی بر اساس سه نسخه خطی کتابخانه ملک و چاپ سنگی در تبریز (در سلسله انتشارات داشتگان تبریز).

سوم: آقای شیخ احمد واعظی بر اساس چاپ سنگی در قم.

مشخصات هر تصحیح به اطلاع مخصوصین دیگر رسایدند، بعلاوه مشخصات چهار سخ خطی بدایع در اخبار مصحح سوم قریزاده، شد (الاول تبر ۱۳۷۶)، به هر حال تصحیح اخیر که نرمان سه تصحیح فوق به لحاظ نسخ موردن استفاده، ضعیف ترین آها بود، زودتر از پیش از سوی انتشارات حکمت در تهران به حلبیه طبع آراسته شد (زمستان ۱۳۷۶). اگرچه نسخه چاپ سنگی نسخه ای کم غلط و قابل اعتماد است، اما مراعطه به چهار سخ خطی دیگر طریق احتیاط بود، بعلاوه حذف سه صفحه از مقدمة آقاعدی، حذف ترتیب حیدرقلی خان بهارندی، و حذف یادداشت های مغایر صفحه آخر چاپ سنگی، در کتاب تیافت بخش قابل توجهی از مبتدا از اول و ایافت برخی کاستی های متعدد، لز دیگر تفاوت نداشتند چاپ حروفی است که ابتدا رام در چاپ بعدی اصلاح شود.

تذکر این نکته لازم است که در اکثر نسخ آثار آقاعدی حتی برخی نسخ اصل اغلاط آدبی به چشم می خورد، بسیاری از این اشکالات بدون هرگونه تذکری اصلاح شده است. برخی دیگر به احتمال اراده بعضی وجوده ( ولو غیر مشهور ) آدبی به حال خود رهاشد. در مجموع متن محتاج ویرایش آدبی است و بجز اصلاح بعضی اغلاط قطعی، راقم اجازه تصرف به خود نداده است. میزان اصلاحات آدبی در حذر عایت ضوابط استعمال («ال») تذکر و تأثیث و مانند آن است له بیشتر. آنچه به ضرورت سیاق، به متن افزوده شده با علامت [ ] مشخص شده است.

۷- تحقیق متن، استخراج منابع و نشانی تمامی آیات و روایات و اکثر اقوال صریح و غیر صریح حکما و برخی از اشعار.

۸- افزودن برخی تعلیق های توضیحی در پاورقی.

۹- تقطیع متن، به پاراگراف های متعدد و افزودن علامات نگارشی.

۱۰- تطبیق نقل قولها با مصادر اصلی.

۱۱- نگارش مقدمه تحلیلی.

۱۲- نمایه های مختلف در انتهای هر جلد، نمایه های آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب، منابع و فهرست تفصیلی مطالب.

در تلوین مجموعه مصنفات حکیم مؤسس از مساعدت و باری جمعی از اساتید و برادران برخوردار بوده ام که با ذکر نام ایشان بخشی از دین آنها را بر خود ادامی کنم: استاد سید جلال الدین آشتیانی، دکتر غلام حسین ابراهیمی دینیانی، سید ابن الرضا، دکتر احمد احمدی، شیخ محمد حسن احمدی فقیه یزدی، شیخ رضا استادی، سید ابراهیم اشک شیرین، اصلانی، دکتر غلام رضا اعوانی، ایرج افشار، محسن بیدارفر، علی پور محمدی، استاد عبدالحسین حائری، استاد دکتر مهدی حائری یزدی، استاد حسن حسن زاده آملی، محمد خواجه ای، شیخ مصطفی درایتی، دکتر سعید رحیمیان، کریم زمی، شیخ حسن شفیعیان، شیخ احمد عابدی، علی فتاحی، شیخ احمد قابل، شیخ محمد صادق کاملان، شیخ قاسم کاکایی، دکتر سید مصطفی محقق داماد، شیخ صادق محمودی، سهلعلی مددی، دکتر سید محمود مرعشی نجفی، سید ابوالفضل موسویان، دکتر

سید عطاء الله مهاجرانی، شیخ محمد علی هدایتی راد، حامد ناجی اصفهانی، محمد لوری، دکتر یوسف نیری و کارکنان بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس (بهارستان)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، کتابخانه مدرسۀ مروی تهران، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم، کتابخانه مدرسۀ آیت الله گلبایگانی قم، کتابخانه مسجد جامع چهلستون بازار تهران، کتابخانه مدرسۀ علمیه ولی عصر (عج) خواسار، مسئولان فصلنامه نامۀ مفید، فصلنامۀ خرد نامۀ صدر، دو ماه نامۀ آینه پژوهش، از همه این عزیزان صمیمانه سپاسگزارم، در پایان لازم می داشم از خدمات فراران کارکنان شریف انتشارات اطلاعات در حروف چینی دقیق و انتشار سریع مجموعه مصنفات حکیم مؤسس جداگانه تشکر کنم.

از همه اساتید، صاحب نظران و دوستداران فلسفۀ اسلامی در خواست می شود تا با تذکر کاستی‌ها و نواقص، و نقد کار انجام شده بدغنای این مجموعه بیفزایند. و آخر دعوا نا ان الحمد لله رب العالمين.

تهران، آذر ۱۳۷۷

## جلد اول تعليقات اسفار

## مقدمه جلد اول

این مقدمه شامل هشت مطلب است. در مطلب اول اسفرار صدرالمتألهین معرفی شده است. بعلیقات و حواشی اسفرار از آغاز تا دهه اول قرن چهاردهم را به ترتیب نگارش در مطلب دو پیر سمر دهایم. در مطلب سوم به مقایسه مهمترین حواشی اسفرار یعنی حواشی حکیم سر، اوی با تعلیقات آقایانی مدرس پرداخته ایم. در مطلب چهارم نحوه معرفی تعلیقات اسفرار آرزوی خود حکیم مؤسس و نیز آنچه دیگران درباره تعلیقات اسفرار آقایانی نگاشته اند آمده است. مطلب پنجم به معرفی نسخ خطی تعلیقات اسفرار آقایانی اختصاص دارد. در این مطلب از دو نسخه خطی به تفصیل معرفی شده است و درباره صحت انتساب آنها به آقایانی بحث برده ام. در ششمين مطلب بداین سئوال اساسی پاسخ داده ایم که آیا تعلیقات گردآمده همه اند ایا اسفرار آقایانی است؟ در مطلب هفتم کارهای انجام شده در جلد اول این مجموعه معرفی شده است. و بالاخره در آخرین مطلب، تعلیقات آقایانی بر اسفرار دسته بندی شده است.

### ۱- اسفرار صدرالمتألهین

اسفار - یا به تعبیر دقیق تر «الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة» - بزرگترین اثر صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی (۹۷۹- ۱۰۵۰) مؤسس حکمت متعالیه،

فلسفی در حوزه‌های علمیه شد. سیطره عالمی و نفوذ حکمی اسفرار از زمان ملاعلی نوری یعنی از او اخر قرن دوازدهم تا زمینه دو قرن و نیم است ادامه دارد. یک دوره کامل تدریس اسفرار حدود پانزده سال در حوزه‌های علمی به طول می‌انجامد. اسفرار بتدریج از اوائل قرن سیزدهم مدار تحقیقات علمی و پژوهش‌های فلسفی حکیمان متعالیه شد. تدقیقات فلسفه به شکل حواشی و تعلیقات کوتاه و بلند بر اساس این کتاب مهم به رشتة تحریر در آمده است. مهمترین حواشی و تعلیقات اسفرار که از آغاز تا پایان دهه اول قرن چهاردهم نوشته شده است به ترتیب نسبی زمان نگارش عبارتند از:

۱- حواشی آقامحمد بیدآبادی (متوفی ۱۱۹۷) این حواشی مختصر نخستین حواشی شناخته شده اسفرار است. آقایی مدرس در چندین موضع از تعلیقاتش بر اسفرار در ضمن نقل حواشی ملاعلی نوری به حواشی مرحوم بیدآبادی اشاره کرده و از او با تعبیر «قدوة الحكماء البارعين السالكين» و «الوحيد الفريد» یاد کرده است. این حواشی هنوز منتشر نشده است.

۲- حواشی ملاعلی نوری (متوفی ۱۲۴۶) این حواشی مختصر همراه با نخستین چاپ حروفی اسفرار در تهران منتشر شده است. آقایی مدرس در تعلیقاتش بر اسفرار به حواشی ملاعلی نوری استناد کرده و از او با تعبیر «استاد اساتید ناظعات و شیخ مشایخنا الفخام» و «الحكيم المحقق المدقق المتأله البارع» و «قدوة المتألهین و رأس الحكماء الالهیین سمی امام الموحدین المحقق النوری قدس سرہ» یاد کرده است.

۳- حواشی ملا محمد اسماعیل بن سمعی درب کوشکی واحد العین اصفهانی (متوفی ۱۲۴۳) بخشی از این تعلیقات ارزشمند همراه با نخستین چاپ حروفی اسفرار در تهران منتشر شده است. آقایی مدرس در تعلیقاتش بر اسفرار همچون تعلیقاتش بر شوارق به حواشی ملا اسماعیل نظر اتقادی دارد.

۴- حواشی ملا احمد بن محمد ابراهیم اردکانی شاگرد ملام مصطفی قمشه‌ای (مصطفی الحکماء). نسخه خطی این حواشی در کتابخانه ملک تهران نگهداری می‌شود. آقایی مدرس بر این حواشی مفصل تعلیقه زده و آراء ملا احمد را به عنوان «الفاضل المحسنی» و «المحقق المحسنی» مورد نقد قرار داده است. حواشی ملا احمد تاکنون منتشر نشده است.

نافذترین و مهمترین کتاب حکمت متعالیه و بالآخره یکی از پنج کتاب اصلی فلسفه اسلامی است. اسفرار دائزه المعارف حکمت متعالیه است، و در آن مهمترین ابتکارات صدر المتألهین در باب مسئله وجود، حرکت جوهری، اثبات ذات و صفات خداوند بویژه مسئله علم و بالآخره مباحث نفس و بالآخره معاد جسمانی مطرح شده است. اسفرار جمع سفر (ماخوذ از اسفرار) اینجانانکه ملاصدرا در مقدمه کتاب تصریح کرده است ناظر به چهار سفر عرفانی سالکن است یعنی سفر از خلق به حق، و سفر با حق در حق، و سفر از حق به خلق و سفر با حق در خلق. ایند اسفرار چهار گانه کتاب مطابق با سفرهای عرفانی نیست بلکه این نامگذاری سفر فراسبیه از باب تیمن و تبرک به مراحل سلوک است. سفر اول در امور عامه است یا اینجانانکه خودمی گوید: در طبیعت وجود و عوارض ذاتی آن. مطالب این سفر در ضمن ده مرحله سامان یافته و در آن مسائل وجود، عدم، جعل، ماهیت، وحدت و کثرت، علت و معلو، قوه و فعل، حرکت، قدم و حدوث و بالآخره عقل و عاقل و معقول مورد بحث قرار گرفته است. سفر دوم عهده دار مباحث جواهر و اعراض می‌باشد، که در ضمن ده فن مطرح شده است. سفر سوم در علم الهی و معرفت ربوی است و از ده موقف تشکیل شده است و مسائلی از قبیل اثبات ذات و اجب، مباحث عمومی صفات خداوند، علم، قدرت، حیات، سمع و بصر، کلام، عنایت و رحمت، فیض و ابداع و بالآخره جود و ازلیت قدرت خداوند مورد بحث فراز گرفته است. سفر چهارم به علم النفس از آغاز تکون تا آخرین مقاماتش در آخرت اخند اصاص دارد و شامل یازده باب است. و در آن مسائلی از قبیل احکام نفس، ماهیت نفس، فوای نباتی، قوای نفس حیوانی، ادریاکات باطنی، تجرد نفس ناطق، احوال نفس انسانی، ابطال تناسخ، ملکات نفس انسانی، معادر و حانی و بالآخره معاد جسمانی و احوال آخرت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مجموع این مراحل، فنون، مواقف و ابواب به ۵۵۹ فصل تفصیل شده است. صدرالمتألهین اسفرار اهمزمان بادیگر آثارش تألیف کرده است، به عبارت دیگر نگارش آن حدود چهل سال به طول انجامیده است.

## ۲- حواشی و تعلیقات اسفرار

اسفار یک قرن و نیم پس از زمان تألیف بتدریج کتاب رسمی عالی ترین مرحله تعلیم

- ۱۱- حواشی آقایی مدرس طهرانی (متوفی ۱۳۰۷). حواشی مورد بحث.
- ۱۲- حواشی میرزا ابوالحسن جلوه (متوفی ۱۳۱۴). این حواشی که از زاویه مشایی لکه‌داری می‌شود. آقایی دو مورد حواشی ملارضا بر مشاعر را در بدایع الحکم نقل و نقد کرده است و از او به عنوان «فاضل بارع محقق و حکیم کامل مدقق» یاد کرده است. به علاوه هر سه مورد از این حواشی اسفار نیز تعلیقه زده است.
- ۱۳- حواشی ملاعبدالله مدرس زنجوی (متوفی ۱۲۵۷). این حواشی هنوز منتشر نشده است. آقایی در تعلیقات اسفار در مواردی به این حواشی با عنوان «والدی العلامه» اسناد کرده با این را امورد نقد قرار داده است.
- ۱۴- حواشی میرزا محمدحسن نوری. این حواشی هنوز منتشر نشده است. آقایی در تعلیقات اسفار چند مورد به این حواشی با عنوان «استادی معظم المیرزا محمدحسن بن المحقق النوری قدس سرہما» استناد کرده است. حاشیه میرزا حسن در تشریح اسفار اربعه در ذیل مقدمه اسفار نخستین چاپ حروفی اسفار درج شده است.
- ۱۵- حواشی ملاآقا قزوینی (متوفی ۱۲۹۷) این حواشی هنوز منتشر نشده است.
- ۱۶- حواشی آقایی در تعلیقات اسفار چندین مورد به حواشی «بعض الاساتید العظام» بدون اینکه نام استناد را برداشت کرده است، به احتمال قوی این حواشی استناد، متعلق به ملاآقا قزوینی است.
- ۱۷- حواشی حاج ملاهادی سبزواری (متوفی ۱۲۸۹) این حواشی مفصل ترین حواشی اسفار است که همراه با نخستین چاپ سنگی اسفار در زمان حیات محسی در تهران منتشر شده است. این حواشی برای دوین بار همراه با نخستین چاپ حروفی اسفار بار دیگر در قم انتشار یافت. آقایی مدرس بر این حواشی تعلیقه زده است و آراء حکیم سبزواری را با عنوانی از قبیل «الحکیم البارع المتّاله المحسّی دام ظله» و «وحید عصرنا نعمت اللہ بر حیثته» مورد بحث و نقد قرار داده است.
- ۱۸- حواشی آقامحمد رضا قمشهای (متوفی ۱۳۰۶) این حواشی عارفانه هنوز منتشر نشده است. حاشیه آقامحمد رضا در تشریح اسفار اربعه در مقدمه اسفار نخستین چاپ حروفی اسفار به چشم می‌خورد.

ین متأخرین از ارباب تحقیق اختصاص به شخص آقای علی مدرس دارد. به عقیده نگارنده آقای علی در مباحث فلسفی از حکیم سبزواری دقیق تر و محقق تر از حیث احاطه به مبانی حکمی وسیعتر و متبحر تر از حیث استقامت فکر وجودت نظر وحدت ذهن کم نظیر است، آقای علی روی خصوص و ملایمت ذاتی که داشته تمام افکار معاصران خود را مطالعه کرده است و خیلی بیشتر از حکیم سبزواری به حوزه‌های تدریس حاضر شده است و استاد د متعدد دیده است.<sup>۱</sup> استاد آشتیانی چندی بعد نوشتۀ پیشین خود را این‌گونه تکمیل کرد «حقیر بعد از تدریس چند جلد از کتاب اسفرار و شواهد معتقد شد که محقق سبزواری اجهت سرعت انتقال و تحریر مضامین با عباراتی کوتاه و رسابر آقای علی ترجیح دارد».<sup>۲</sup> عبارات اخیر نافی عبارات پیشین نیست. وجه رجحان حواشی حکیم سبزواری و شیوه مبانی و حل مضامین اسفرار است حال آنکه وجه رجحان حواشی حکیم مؤسس در این اتفاقاًی از مبانی حکمت متعالیه و نقد آراء ملاصدرا است. لذا هر کدام از این دو این‌سیه ارزشمند در مقام و موقعیت خود ارجح است، همچنانکه هرگلی بُوی خود را دارد. بعلاوه حواشی حکیم سبزواری حتی در میان آثار خود حاج ملا‌هادی در مقام اول است، چرا که به تصریح همین استاد محترم «تعليقات حکیم به شواهد تحقیقی ترویجی کنم بر از حواشی اسفرار است» بلکه حواشی سبزواری بر شرح منظومه که از آثار متأخر است از تعليقات شواهد نیز برتر است. به هر حال احتیاط علمی اقتضامی کند که در از زبانی آراء این دو حکیم بزرگوار از رأی کلی اجتناب شود و ادله رجحان به شکل جزئی و... موردي از این حواشی و تعليقات استخراج شود. اين مهم را در کتابی که مستقل از این اتفاقاًی آراء ابتکاری حکیم مؤسس اختصاص دارد انجام داده ایم و پس از انتشار... کامل مجموعه مصنفات آقای علی منتشر خواهد شد.

آقای علی مدرس، حکیم سبزواری را «المعارف الكامل البازل و حجد عصر نار فم مقامه،...، مالم التقدیس» نامیده، از برخی تقریرات او به شدت تعریف کرده «الله درك»، «طیب الله...».

<sup>۱</sup> ا. ابراهیم‌زاده در سائل حکیم سبزواری، جلد اول، صفحه ۱۸۹ و ۱۱۰.

<sup>۲</sup> ا. ابراهیم‌زاده در سائل حکیم سبزواری، جلد دوم، صفحه ۱۰۷ و ۱۱۰.

<sup>۳</sup> ا. ابراهیم‌زاده، اراده‌گردانی، صفحه ۱۰۷.

مباحث بر هان تضاییف، ترکیب اتحادی ماده و صورت، اتحاد عاقل و معقول، و بحث علم).

۳- حکیم سبزواری خوش نظر بر است. این حسن تقریر و سلیقه در بیان مطالب عالی از اسباب جدی اقبال به حواشی این حکیم الهی است.

۴- وبالآخره در دسترس بودن این حواشی از اسباب رواج آن است، حال آن که متن بسیاری از حواشی اسفرار دیگر حکماهونز یا اصلایابه طور کامل منتشر نشده، و متأسفانه از نسخه خطی برخی از آنها نیز نشانی در دست نیست. اینکه آقامحمد رضا و آقای علیرغم امکان استفاده از محضر حکیم سبزواری، به استفاده از حوزه امثال ملا آقا قزوینی و میرزا حسن نوری اکتفا می کنند، نشان می دهد که اگر حواشی اسفرار میرزا حسن و ملا آقا نیز در دسترس بود، مراجعه به آنها کمتر از مراجعه به حواشی ارزشمند حکیم سبزواری نبود. امیدوارم صاحب همتانی به تفحص از حواشی این حکیمان الهی بپردازند و آنها را به زبور طبع بیار ایند.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقایسه حواشی حکیم سبزواری و تعلیقات آقای علی مدرس طهرانی، تعلیقات آقای علی را ترجیح داده است: (این حواشی ادنیل المحققین آقای علی مدرس بر اسفرار) بر حواشی حکیم سبزواری ترجیح دارد، آقای علی از سبزواری استاد بیشتر دیده است، حدود بیست سال درس خوانده، ولی سبزواری هم دارای هوش و ذکاء عجیبی بود، و در مدت کمی در صف مقدم اساتید قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

«حواشی او بر سفر نفس مفصل و بسیار تحقیقی است و از حواشی حکیم سبزواری از جهانی بد عقیده نگارنده این سطور بهتر است»، «این حاشیه از همه حواشی اسفرار مخفقانه تر است و در استواری و ممتاز است کمتر از اصل کتاب نیست.<sup>۲</sup>» آقای علی مدرس بر اسفرار حواشی محققانه ای دارد که در اتفاق و نفاست از اصل کتاب دست کمی ندارد... تعليقات آقای علی متضمن تحقیقات عالی و مشتمل بر افکار تازه و دقیق است و این خود در

<sup>۱</sup> سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه المسائل القدسیه، در سائل فلسفی «ملا‌صدرا»، باور فی صفحه ۵۵، و مقدمه المظاہر الاصغر، صفحه ۲۵۵.

<sup>۲</sup> ا. ابراهیم‌زاده، مقدمه المظاہر الاصغر، صفحه ۲۵۵.

<sup>۳</sup> ا. ابراهیم‌زاده، اراده‌گردانی، «اعلی‌الله مدرس زنجیری»، صفحه ۹، و مقدمه اول جاییه ملا‌عبدالله مدرس زنجیری، صفحه ۲۱۵.

<sup>۴</sup> ا. ابراهیم‌زاده، مقدمه المسائل القدسیه در سائل فلسفی «ملا‌صدرا»، صفحه ۵۷.

خود نو شنیده است در کتابخانه... مرحوم آقامیرز افضل الله خان آشتیانی مستشار سابق دیوان  
عالی تمیز بود، بعد هایر مامعلوم شد این اسفار در اختیار ورثه آفغانی است و تمام حواشی  
خود را که در طول زمان و قبل از طبع اسفار در حواشی اسفار خطی نوشته بود به کثیر  
صفحات اسفار چاپ تهران به خط خود منتقل نموده است. حواشی آفغانی بر مباحث  
 مختلف اسفار بطور متفرقه و در حواشی سفر نفس مبسوط و مفصل است.»<sup>۱</sup>

اوی [آفایلی] به یکی از تلامیذ خود بنام شیخ محمد رشتی دستور داد که مجموعه آن حواشی را بصورت کتاب مستقل درآورد. میرزا احمد آشتیانی... صفحات و سطور کتاب اسفار را که این تعلیقات ناظر بر آن موارد است مشخص فرموده‌اند، متأسفانه بسیاری از اوراق این مجموعه مفقود گردیده است.<sup>۲۰</sup>

در مقدمه ناشرین اسفرار در نخستین جای حروفی آن در قم که همراه با حواشی ملائمه ری، حکیم سبزواری، آقای عالی مدرس، ملا اسماعیل اصفهانی، حکیم هیدجی و علامه محمد حسین طباطبایی منتشر شده است آمده است: «ماز بعضی انساتید یاد شده تنها متفاقی بر بعضی موضع اسفرار گفته ایم، مثلاً از آقای عالی مدرس و مولی اسماعیل خواجه ای، تعلیقات سفر نفس را بدست آورده ایم.»<sup>۱۰</sup> علامه طباطبایی حجم این تعلیقات بالرتبه را نیم تا دو برابر اسفرار تخمین می زده است.<sup>۱۱</sup> او برای سهولت شاگردان از حواشی مادی استفاده فرموده است. از آن جمله حواشی حکیم سبزواری است که از دیگر حواشی نسل تر است. او از تعلیقات شیخ مهدی اصفهانی (از مدرسان اسفرار و از احفاد ملام محمد باقر حسینی) که از او در حواشی بر الهیات اسفرار، مبحث لارده به «جدنا القمقام» تعبیر کرده، نقل و داده است. او همچنین از مرحوم سیدهادی حسینی- مؤلف تعلیقات بر شرح هدایة

<sup>۳</sup> ... جلال الدین آشیانی، مقدمه المسائل القدسیه در رسائل فلسفی ملاصدرا (مشهد ۱۳۵۷) صفحه ۵۵، و مقدمه دلایل الامهه ملاصدرا صفحه ۲۵، و شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا صفحه ۲۱۵ (تهران ۱۳۶۰)؛ مقدمه المبدع و مقدمه ملاصدرا اصفهان ۵۲، و اذال رسائل بر صفحه ۲۵۳.

۱۱- ملکی، معدوده اول رجیله ملایدالله مدربن زنوزی، صفحه ۲۱۰.

۱۲- دیده، مهدیه‌الاتسرین، اربعین‌الثانی ۱۳۷۸، رضا عالقی، چلدول‌الغار، خسنا، لاماساریل خواجهی، صفحه ۶۰.

۱۳- امیر، دویب کوشکی، اصفهانی، صحنه ایست.

۱۴- امیر، دویب کوشکی، اصفهانی، ۱۳۷۵.

فالاک» و در وقت انتقاد از برخی دیگر از آراء وی همواره به فضل و جلالت مقام و علو نفس او شهادت داده است: «ادام الله ظلال المحقق البارع المحسن على رؤوس الانام من ظلال الاعلام» (صفحات ۲۸۶، ۲۸۷، ۴۵۴، ۴۶۰ و ۵۰۵).

۲- معرفی تعلیقات اسفار حکیم مؤسس

آقاعلی در رساله خود نوشت سرگذشت «حوالی و تعلیقات بر اسفار مرحوم صدر المتألهین» را از جمله آثار خود شمرده است.<sup>۱</sup> وی در بدایع الحکم - مهمنترین و اخیرین کتاب کاملاًش - متن کامل هشت تعلیقه خود را بر اسفار بوساطه اهمیت مطلب نقل کرده است.<sup>۲</sup> استناد به این تعلیقهای بدایع به این معنی است که تعلیقات اسفار تا آخر در تزد نویسنده از اعتبار و ارزش وافر علمی برخوردار بوده است. شیخ آقابزرگ طهرانی در ذریعه از آن چنین یاد کرده است: «الحاشیة على الاسفار لآقاعلی المدرس بن المولی بید الله المذکور التبریزی تزیل طهران المتفوی بها (۷ ذی القعده ۱۳۰۷) و صاحب بدایع الحکم (المذکور فی ج ۳ ص ۶۴) و هی قلیلۃ علی بعض مواضع الاسفار». <sup>۳</sup> میرزا محمدعلی مدرس، نیز در بحثه الادب از «حاشیه اسفار ملا صدر» یاد کرده است.<sup>۴</sup>

از لابلای مکتبات معاصرین اطلاعات ذیل درباره این تعلیقات بدست می‌آید: «اسفار مر حوم آقاعلی مدرس که مشتمل بر همهٔ حواشی اوست و حواشی را به خط

۱- رساله‌ئىز كاشىتى خەلدىسۇم مەجمۇعە دەنلىقات حكىم مەسىس:

<sup>۲</sup> افعال، مدرسه طلحه، (حاب حرم و فی، تهران، ۱۳۷۶):

۲۸۰-۲۲۲: «هر چون تکار نهاد حروف به جهت پوچش این بیان که نقل نمود، تعلیمانی بر این موضع از امسفار از بعد روزگار است.»

منشأه ۲۶۹۱، ۳۷۱: «نگارنده حروف در زمان گذشته در میان عرفانیه علت و محاول استعاره صدر المتألهین و سردار از چهار که می فرماید. فصل فی الکشف، عماهو البغية الفصوی، حاشیهای در بیان این بقیه فصوی و مطلب اعلی نو... همچو همان بهتر که از پایت بصیر و اتمام طلب و هم از پایت بیرون به کلام حجت و ولی حق بیار و تعالی از حاشیه ادر این موضوع نقل کنم به عین عبارت...»

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَوَّلُونَ مَنْ يَعْمَلْ مِنْ حَسَنَاتٍ يَرَهَا

١٣٢٧-١٣٢٨-١٣٢٩-١٣٢٩-١٣٢٩

حکیم مؤسس است. چند تعلیقه آن تاریخ کتابت دارد: ۱۲۸۵ و ۱۲۸۸. خط آقای علی بسیار زیبا، خوشخوان، ریز و غالباً بدون خط خوردگی است. تعلیقات سفر اول و بویژه سفر دوم کم حجم و تعلیقات سفر سوم و چهارم زیاد و گاهی مفصل است. طول تعلیقات از یک کلمه تا چند صفحه در نوسان است. این تعلیقات مزین به امضای آقای علی یعنی «علی المدرس عفی عنه» یا «۱۱۰» است. این نسخه نفیس متعلق به کتابخانه شخصی استاد حسن حسن زاده آملی در قم می‌باشد و نزدیک سه ماه جهت استنتساخ در اختیار راقم این طلور قرار گرفت. این نسخه ظاهر اهمان نسخه‌ای است که استاد آشتیانی در توصیف آن نوشتنداند که «مشتمل بر همهٔ حواشی اوست و حواشی را به خط خود نوشته و در کتابخانه مرحوم آقامیرزا فضل الله خان آشتیانی بوده و بعد از اختیار و رونه آقای علی قرار گرفت و تمام حواشی خود را که در طول زمان و قبل از طبع اسفار در حواشی خطی نوشته بود به کتابخانه رفاقت اسفار چاپ تهران به خط خود منتقل نموده است». دلیل بر اینکه این نسخه همان نسخه توصیف شده است، این است که بسیار مستعبد است که آقای علی پیش از یک بار این تعلیقات مفصل را به حاشیه اسفار چاپ سنگی منتقل کرده باشد و نسخه استاد حسن زاده حاوی تمامی مشخصات یادشده است. این نسخه حاوی بیشترین حواشی آقای علی نسبت به دیگر نسخ است. اگرچه مشخص کرد تاریخ نگارش ابتدایی تعلیقات میسر نیست، اما طلور قطع می‌توان گفت که تاریخ نگارش این نسخه و لذاتاریخ بررسی مجدد حکیم مؤسس از این تعلیقات بعد از ۱۲۸۵ و از جمله سال ۱۲۸۸ است و می‌تواند این نگارش و بررسی نا اخر عمر شریف آقای علی (۱۳۰۷) ادامه یافته باشد، چرا که این نسخه همان اسفار شخصی و در جو عقایلی بوده است. از این نسخه به اختصار با حرف (ن) یاد می‌شود.

\* نسخه دوم: نسخه اصل، به خط آفانی مدرس تعلیقات علی حواشی الحکیم السبزواری علی السفر الثالث من الاسفار الاربعة، نسخه خطی شماره ۱۷۸۹ کتابخانه مجلس شوای اسلامی. تعلیقات اولیه تاریخ کتابت ۱۲۸۹ را با خود

١٨٩٣-١٨٩٢-١٨٩١-١٨٩٠-١٨٨٩-١٨٨٨-١٨٨٧-١٨٨٦

<sup>٣</sup> ملحوظة المسئل المهمة في رسائل ناسخة العمالقة، ص ٥٥، من عمالقة إفريقيا، بلاط الرسول، ١٩٥.

٢٠١٣-٢٠١٤-٢٠١٥-٢٠١٦-٢٠١٧-٢٠١٨-٢٠١٩-٢٠٢٠-٢٠٢١-٢٠٢٢

ملاصدرا جسته بحسبه در امور عامة و جاهای دیگر تعلقیه نقل کرده است. آفغانی از استاد خود ملا آفای قزوینی نقل نکرده است، ولی از ملا اسماعیل اصفهانی معروف به واحد العین و ملا اسماعیل حکیم و آخوند ملاعی نوری حواشی نقل کرده است. او گاهی از شوارق و دیگر کتب فلسفی که در توضیح عبارات اسفرار شاگرد را هنمنابی می کند، عباراتی کوتاه نقل می کند. آفغانی گویا جواهر و اعراض اسفرار اینیز تدریس کرده است. در جواهر و اعراض از هر عبارتی که در حل مشکل عبارات مدخلی داشته از جمله از کتاب ملاصدرا او ابن سینا و دیگران استفاده کرده است. «حواشی آفغانی بر قسمت نفس اسفرار مفصل است و شاید تمام آن حواشی پیش از مطالب کتاب نفس است و متضمن عالی ترین تحقیقات در علم النفس است...»<sup>۲</sup> (این مطلب برآفغانی مفصل در حواشی جواهر و اعراض و نیز در اوایل شرح هدایه بیان کرده است...) <sup>۳</sup> ما در باره میزان اطباق این اطلاعات بر نسخ بدست آمده از اسفرار در سطور آینده به شکل جزئی بحث خواهیم کرد.

## ۵- مشخصات نسخ خطی تعلیقات اسفار آقائی

برای بدست آوردن تعلیقات آقایانی مدرس طهرانی به کلیه فهرستهای نسخ خطی کتابخانه‌های عمومی داخل و خارج و نیز کتابخانه‌های خصوصی داخلی اساتید که فقد فهرست نسخ خطی هستند مراجعه شد. حاصل این مراجعة سه ساله بدست آوردن نسخ ذیل از تعلیقات اسفار آقایانی مدرس است. مشخصات این نسخه‌ها عبارتند از:

نُسخه اول: نسخه اصل، به خط و اضاء آقانی مدرس طهرانی: آقانی حواشی خود را در اطراف صفحات و بین سطور متن و نیز بین متن و حواشی سبزهواری در نخستین جای سینگی اسفرار (تهران: ۱۲۸۲)، متن به خط کلیه اعلی افشار قزوینی و حاشیه سبزهواری به خط محمدصادق گلپایگانی) درج کرده است. این اسفرار دو جلدی طبق تاریخ ثبت شده در آثار جلد اول آن در سال ۱۲۸۵ به آقانی منتقل شده است. آغاز جلد دوم مزین به مهر

<sup>٢١</sup> عبد الرحمن أستيباري، مقدمة أنور جلبيه، ملأ عبد الله مدرس زنوزي، ص ٢٠-٢١.

١٣- انتشار المرض في العالم العربي

$$\partial S_{(t^*, t_1, \dots, t_k)} \neq \emptyset$$

دارد.<sup>۱</sup> افضای این تعلیقات ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰ عقی عنده، ۱۱۰ مدرس عقی عنده، علی المدرس عقی عنده، المدرس عقی عنده است. تعدادی تعلیقه‌بی امضا و نیز بالاضای ۱۲ با استاد در آن به چشم می‌خورد که اتساب آنها به آفاعی محرز نشد و لذاز ثبت آنها خودداری شد. این نسخه خوش خط، کم غلط و فاقد خط خورده‌گی است. در این نسخه علاوه بر تعلیقات آفاعی بر حواشی سبزواری تعلیقات متعددی از آفاعی بر متن اسفار نیز به چشم می‌خورد. در مقایسه تعلیقات این نسخه و نسخه اول به موارد مشترک بر می‌خوریم، موارد اختصاصی نیز در هر دو کم نیست. در برخی از موضع نیز تعلیقات این نسخه از نسخه پسین مفصل‌تر و کامل‌تر است. به هر حال این نسخه حاوی آراء متاخر آفاعی است ولذا در موارد اختلافی، این نسخه بر نسخه قبلی ارجح است. در تعلیقات سفر ثالث اسفار این نسخه معتبرترین نسخه ماست. از این نسخه باعلامت اختصاری (م) یاد کرده‌ایم.

\* نسخه سوم: نسخه اصل به خط آفاعی مدرس. تعلیقات علی حواشی الملا احمد بن محمد ابراهیم الاردکانی علی السفر الاول من الاسفار و تعلیقات مختصرة علی حواشی الملا رضا التبریزی علی مقدمة الاسفار، مجموعه خطی شماره ۲۱۸ کتابخانه ملی ملک تهران. در این مجموعه از آغاز تا صفحه ۵۳۲ متن آن، حواشی ملا احمد بن محمد ابراهیم اردکانی بر سفر اول اسفار است. آفاعی بر این حواشی به خط خود تعلیقاتی نوشته است و در آن آراء ملا احمد را مورد اتقاد قرارداده است. تاریخ کتابت این تعلیقات بین ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۸ است<sup>۲</sup> و لذاز هر دو نسخه قبلی در بعضی موضع اقدم است. ملا احمد اردکانی سیرازی از حکماء قرن سیزدهم و شاگرد مصطفی الحکماء ملام مصطفی قمشه‌ای است، از دیگر آثار او است: ۱- الحاشیة علی الحاشیة الجمالیة علی الشرح الجدید للتجید شیراز.<sup>۳</sup> ۲- نور البصائر فی حل مشکلات المشاعر (الحاشیة علی المشاعر).<sup>۴</sup> ظاهراً ملا احمد دوباره بر مشاعر حاشیه‌زده است، یکی مختصر و دیگری مشروح تر، نور البصائر

۱- معرفات، ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۶.

۲- در سویع کتب بد معرفات، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳.

۳- سیخ افایزدگی تهرانی، الفربعه الی تهربیف، السیفه، ج ۶، ص ۶۴.

۴- الفربعه، ج ۶، ص ۲.

همان حاشیه مشروح است و هر دو نیز در حاشیه چاپ سنگی مشاعر در تهران چاپ شده است.<sup>۱</sup> ملا احمد در این حواشی از آراء استادش مصطفی الحکما آنچنانکه در مقدمه نور البصائر تصریح کرده است فراوان نقل می‌کند.<sup>۲</sup> لمعات قدسیه شرح چهل حدیث به شبوء عرفانی، ۱۲۲۹ شیراز.<sup>۳</sup> ملا احمد اردکانی، شیرازی است نه یزدی.

در انتهای این مجموعه از صفحه ۵۴۹ تا ۵۳۳ حواشی مشاعر باخطی شبیه به خط امامی درج شده است. نام محسنی مشاعر در این نسخه ذکر نشده است. باعنایت به اینکه امامی مدرس در بدایع الحکم در بحث بساطت حقیقت وجود از «فضل بارع محقق و حکیم کامل مدقق ملارضای تبریزی رحمه الله در توضیح کلام صدر المتألهین در رساله مشاعر»<sup>۴</sup> عبارتی را نقل کرده و مورد نقد قرار داده است. این عبارت بعینه در این حواشی مشاعر آمده است، لذا مشخص شد که این حواشی متعلق به ملارضا تبریزی از شاگردان امامی نوری است.

آخرین قسمت این مجموعه خطی حواشی بر مقدمه و اوائل سفر اول اسفار (از صفحه ۵۵۰ تا ۵۸۹) را شامل می‌شود. ظاهر از صفحه ۵۶۸ تا آخر (صفحة ۵۸۹) متن این حواشی به خط آفاعی مدرس است (در مقایسه با دیگر خطوط قطعی آفاعی). آفاعی بر این حواشی ملتفه زد است و بر اساس آخرین موردن این تعلیقات سه گانه یقین بیدامی شود که این حواشی از آفاعی نیست، زیرا در این تعلیقه آفاعی محتوای یکی از این حواشی را به شعریات اشبه داشته است. لذا با این که جمله آخر این حواشی باخطی شبیه خط آفاعی آمده است «الى دهنا تتمت التعلیقات التي علقناها على الفن الكلّي من الاسفار» و همین شباهت خطی باعث شده مرحوم حاج حسین آقامالک در پایان این نسخه نوشته است: «از تأليفات مرحوم مبرور، گانه دهه و وحید عصر حبر الكامل و استاد الافاضل آفاعی مدرس حکیم است یعنی ملطفاتی منحصر به فرد و ذی قیمت...» با این همه متأسفانه این حواشی با دیگر تعلیقات اعلی آفاعی بر همین موضع اسفار نه یکی است و نه حتی با آنها سازگار است. مقایسه این

۱- چاپ سنگی، مشاعر همراد پاتر جمعه فارسی توسط غلامحسین آهنی در اصفهان ۱۳۴۰ و تهران ۱۳۶۱ منتشر شده است.

۲- الاربعه، ج ۱۸، ص ۳۴۶.

۳- امام الحکم (تهران)، ۱۳۷۴، ص ۲۶۱.

بزدی از مدرسین معاصر منقول حوزه علمیه قم می باشد، به نقل ایشان این نسخه مورد طالعه استاد شهید مرتضی مطهری رحمة الله عليه در زمان تدریس اسفار در قم بوده است. ما از این نسخه با علامت اختصاری (ف) یاد کرده ایم.

\* نسخه ششم: حواشی به خط شیخ علی مدرس نوری (مشهور به شیخ الشوارق شاگرد آقاعلی) بر اسفر چاپ سنگی بر سفر سوم و چهارم اسفار. این کتاب به شماره ۱۳۸۲۱ در سیان کتب عادی کتابخانه مدرسۀ مروی تهران نگهداری می شود و فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسۀ مروی هم معرفی نشده است. این کتاب به گواهی یادداشت‌های اول آن در اختیار شیخ علی نوری بوده است. وی سفر در سال ۱۳۲۴ می‌باشد نموده و ۱۱۰ امضا کرده است. اما در اول سفر ثالث نوشته است که تعلیم این بخش از کتاب در محرم ۱۳۰۶ خدمت ادامه‌ای به پایان رسیده است. در اول سفر چهارم نوشته شده که کتاب بین ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۹ می‌باشد. دو ۱۱۰ امضا کرده است. شیخ علی به نأسی از استادش آقاعلی، ۱۱۰ امضا کرده است. لذا دو مانند تعلیقات شوارق، امضای ۱۱۰ یاش (یعنی شیخ علی) متعلق به شاگرد است یعنی شیخ علی نوری و امضاهای الاستاد الموسس آقاعلی المدرس سلمه الله تعالی، الاستاد آقاعلی، علی المدرس عفی عنده و عن الاستاد متعلق به آقاعلی مدرس طهرانی حکیم موسس است. از این نسخه تنها تعلیقاتی را نقل کرده است آنها به آقاعلی محرز تشخیص داده شد. این نسخه حواشی مشترک فراوانی با نسخه اول و دوم دیده می شود. البته حواشی اختصاصی از در آن یافت می شود. تاریخ کتاب این تعلیقات می باید بین ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۱ باشد، یعنی سی از این تعلیقات بویژه سفر ثالث در زمان حیات حکیم موسس نوشته شده است. این نسخه بیان نسخ تعلیقات حکیم موسس به خط شاگردان ایشان، حاوی بیشترین تعلیقات از یک سو و سرین تعلیقات اختصاصی در میان همین نسخ است. این حواشی بسیار بیز است و در جریان... حافظ آن در حدود بیست سال بیش. چند سطری از آغاز یا انجام بعضی از این تعلیقات بدین‌گهه... از تعلیقات اختصاصی این نسخه ساقط شده است و در مجموع بعد از نسخه اول حاوی... سرین تعلیقات اسفر است. ما از این نسخه با علامت اختصاری (ی) یاد کرده ایم.

\* نسخه هفتم: مجموعه نظری شماره ۵۹۲ کتابخانه ملک تهران. در صفحه ۱۱۰ این مجموعه نظریه‌ها، ادای این سفر سوم اسفر این‌گونه معرفی شده است:

حواشی با حواشی ملاز خنای تبریزی بر مشاعر در همین نسخه نشان می دهد که این دو حاشیه به لحاظ محتوا سبک و سیاق واحدی دارند و ظاهر آن قلم واحدی سرچشمه گرفته‌اند، به عبارت دیگر به نظر اقام این سطور به احتمال قوی این حواشی، حواشی ملاز ضابط تبریزی بر اسفر است. از این نسخه با علامت اختصاری (ل) یاد کرده ایم. در این نسخه بعداز دو نسخه های پیشترین تعلیقات اسفر به خط آقاعلی آمده است. ضمناً همچنانکه گذشت اکثر فریب بدایقاو این تعلیقات بر حواشی میرزا الحمدار دکانی و سه تعلیقه نیز بر حواشی ملاز ضای میرزا است و تعلیقه بر خود اسفر در آن کمتر به چشم می خورد. ضمناً تعلیقات این نسخه هم در پدر فرد است و با تعلیقات دیگر موردنظر کی ندارد.

\* نسخه چهارم: نسخه خطی شماره ۱۷۱۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. متن اسفر به خط ملا عبد الله مدرس زنوی والد حکیم مؤسس بر این نسخه از اسفر حواشی ملاز علی نوری، چند حاشیه از ملا عبد الله و نیز چهار حاشیه از آقاعلی مدرس با مضای ۱۱۰ تعلیقی، هنده بر سفر اول و سفر چهارم دیده می شود. ظاهر آقاعلی این حواشی راهنمای تجربی اسفر نگاشته است و متعلق به دوران جوانی آقاعلی است. ما از این نسخه با علامت اختصاری (مع) یاد کرده ایم.

\* نسخه پنجم: نسخه مرحوم فکوری بزدی (از مدرسین حوزه علمیه قم در او اخر فران چهاردهم و از شاگردان اسفر مرحوم امام خمینی). در اسفر چاپ سنگی (یک جلدی) تعلیقات آقاعلی توسط یکی از شاگردان مشترک آقاعلی و میرزا ای جلوه استنساخ شده است. نام کاتب و تاریخ کتابت مشخص نیست. این تعلیقات سفر اول ناوقف نامن اسفر ثالث را شامل می شود. این تعلیقات خوش خط، بیز و کم غلط است. به احتمال بسیاری فوئی این نسخه از روی نسخه اول یعنی نسخه اصل (ن) استنساخ شده است و در آن حدود نایزه تعلیقه نو فضیح عبارتی به آقاعلی نسبت داده شده که در نسخه اول یافت نشد. البته نعلیقات فراوانی از نسخه اصل در این نسخه نقل شده است. در سفر اول تعلیقاتی از دیگران از جمله میرزا محمد حسن نوری، میرزا ابوالحسن جلوه، مرتضی قلی رحمه الله، مسیح حسنی (از شاگردان میرزا ای جلوه) و تعدادی حاشیه بی امضا یا نقل نو فضیحی از دیگر کتب دانشمندی به جشنم می خورد. این نسخه در اختصار جناب سین مرحوم احمد مسیح ذمیه ذمیه ذمیه

در زمان گذشته در مباحثت عرفاییه علت و معلول اسفار از بعد صدر المتألهین در آنجاکه می فرماید فصل فی الكشف عمماهو البغية الفصوی حاشیه‌ای در این بحث قصوی و مطلب اعلی نوشتم<sup>۱</sup> از آنجاکه بر این تعلیقه مقدمه‌ای مستقل توسط آفاعی یاشاگر داش نگاشته شده است، آنرا رساله‌مستقلی حساب نکرده در ضمن تعلیقات اسفار درج کردیم. سخن خود آفاعی در بدایع که از آن به عنوان «حاشیه» (رساله) یاد کرده، بهترین دلیل بر این نکته است. این دو تعلیقه با شماره‌های ۳۵۴ و ۳۵۵ در تعلیقات اسفار نقل شده است. تفاوت این نسخه با نسخه اصل (نسخه اول) اندک است. علامت اختصاری (خ).

\* نسخه دوازدهم: میکروفیلم شماره ۲۹۸۶/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، صفحه ۲۰۹ تا ۲۱۴، به خط عبدالعالی زنجانی بدون تاریخ کتابت، در انتهای آن آمده است، «من الحبر الجليل آفاعی المدرس رحمه الله، راقم الداعی عبدالعالی»<sup>۲</sup>. متن این رساله همان تعلیقه شماره ۳۵۴ از تعلیقات اسفار در بحث علت و معلول است و عیناً در نسخه اول (ن) آمده است و با آن تفاوت اندکی دارد. از جمله تفاوت‌های آن با نسخه قبلی در این است که تعلیقه دوم در این نسخه نقل نشده است. ضمناً تاریخ کتابت این نسخه می‌باید بعد از ۱۳۰۷ باشد لذا متاخر از نسخه پیشین است و خط آن ناخوانا و نامطلوب است. علامت اختصاری (ض).

\* نسخه دوازدهم: نسخه شماره ۲۸۸ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، ۱۴ برگ، در آغاز این نسخه آمده است: «هذه تعلیقة علّقها الحکیم البارع المتأله الآفاعی على طریقہ الصدیقین من الاسفار فرغ من استنساخها الفقیر الى الله الغنی عباس بن علی الموسوی فی يوم السبت السادس والعشرين من شهر جمادی الاولی ۱۳۰۷» این تعلیقه یکی از تعلیقات مفصل اسفار است که در هیچیک از نسخه‌های اسفار از جمله نسخ به خط آفاعی به چشم نمی‌خورد. مضمون آن در بعضی موارد با تعلیقه علت و معلول اسفار (تعلیقه شماره ۳۵۴) توافق دارد.

<sup>۱</sup> بداع الحكم، (تهران، ۱۳۷۶) صفحه ۲۶۹، ۲۷۲.

<sup>۲</sup> این نسخه خیر مر حرم محمد شی داشت بزوده در صفحه ۷۵۲ فهرست میکروفیلهای کتابخانه مرکزی داشت. کتاب تاریخ اسلام (تهران، ۱۳۲۸) عنوان و رساله ۲۶ این مجموعه «تحقيق فی بيان معنى الوجود» نسخه‌ای حسنی شیرازی نیز بر مزبور، آمده است، بفرسخه ۲۷ «تعليق علی بحث العلة والداعی من الاسفار الازیعه» آفاعی مادر...، و این به عنوان یاد شده در این تعلیقه است.

«هذه تعلیقات علی السفر الالهي من الاسفار للاستاد المؤسس آقا علی المدرس ادامه الله ایام اضافته علينا» در این مجموعه در ساله تو حیدریه به عنوان یکی از تعلیقات اسفار و در انتهای آن چند تعلیقه دیگر آفاعی بر سفر چهارم نیز به چشم می‌خورد. نام کاتب و تاریخ کتابت مشخص نیست. اکثر قریب به اتفاق این تعلیقات گزینشی است از نسخه اول، به همراه چند تعلیقه اندک شمار اختصاصی. مازاً این نسخه باعلامت اختصاری (ک) یاد کرده‌ایم.

\* نسخه هشتم: نسخه شخصی استاد سید جلال الدین آشتیانی. حاشیه خطی بر چاپ سنگی اسفار. نام کاتب مشخص نیست، اما ظاهر ایکی از شاگردان آفاعی، آقامحمد رضا، «بیرز اهاشم الشکوری ادام ظله، آفاغلامعلی اشیرازی» دام ظله است و علاوه بر حواشی این چهار حکیم حواشی ملا محمد اسماعیل (اصفهانی او نیز، الاستاد دام ظله نیز به چشم می‌خورد. حواشی آفاعی بر سفرهای اول و سوم نیز، بدخط و تاحدودی ناخواناست. در این نسخه ۲۲ تعلیقه از آفاعی آمده است. ظاهر این نسخه غیر از نسخه اسفاری است که حواشی آقامحمد رضا و آفاعی به خط آفاسیخ غلامعلی در آن نقل شده است و در اختیار ایشان بوده است<sup>۱</sup>. مازاً این نسخه باعلامت اختصاری (ش) یاد کرده‌ایم.

\* نسخه نهم: نسخه شماره ۴۹ کتابخانه مسجد جامع چهلستون تهران. این نسخه شامل سفرهای سوم و چهارم اسفار است. و در آن مجموعاً ۱۲ حاشیه از آفاعی مدرس بر سفر سوم اسفار یافت شد. این نسخه فاقد شماره صفحه است. خط حواشی به خط آفاعی بسیار شبیه است، در بعضی اضهای حواشی ظاهر «دام ظله» به انتهای امضای آفاعی اضافه شده است. نام کاتب مشخص نیست و تاریخ کتابت آن می‌باید قبل از ۱۳۰۷ باشد. این حواشی با نسخه اول مشترک است. مازاً این نسخه باعلامت اختصاری (ح) یاد کرده‌ایم.

\* نسخه دهم: مجموعه خطی شماره ۹۱۸ کتابخانه مدرسه مردمی تهران، حاوی دو تعلیقه بلند اسفار است که به نام رسل الله فی العلة والمعلول مشهور شده است. کاتب این دو تعلیقه محمد بن محمد باقر خراسانی و تاریخ کتابت آن ۱۲۹۸ است. این دو تعلیقه عیناً در نسخه اول (ن) به چشم می‌خورد. آفاعی در بدایع الحكم به این تعلیقه اشاره کرده است: «إنكار نداء حروف

<sup>۱</sup> ...جلال الدین آشتیانی، مقدمه اول رحله ملائکه الله مدرس، نویزی، صفحه ۲۷۰.

در مقادیر این چارچوب از اسفار به مشخصات سخن متن و حاشیه‌ها همچو اشاره‌ای نشده است. ما این سخن تعلیقی در اباعلامت اختصاری (خط) در آغاز سفر چهارم اسفار باشماره‌های ۱۲۲۸ و ۱۲۳۶ ذکر کردیم.

لازم به ذکر است که دو تعلیقه از تعلیقات اسفرار آقایانی در زمان حیات وی تحت دو رساله مستقل مشهور شده و با خصیمه شدن مقدمه ای به آنها توسط کاتبین مختلف استنساخ شده است، یکی «رسالت فی التوحید» و دیگری «رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد» است. ما این دو رساله اسفراری را به عنوان رسائل فلسفی آقایانی در آغاز جلد دوم این مجموعه آورده ایم، اما رساله فی التوحید، به این رساله در تعلیقه ۱۵۷۴ اشاره کرد ایم، در نسخه پنجم (م) این تعلیقه بالشاربه به جایگاه آن در اسفرار آمد است، اما از این تعلیقه چهار نسخه دیگر به خط شاگردان ایام علمی نیز بادست آمد. در این نسخه، مقدمه ای به متن تعلیقه اضافه شده است، نویسنده این رساله فاخر و ادیبانه مشخص نیست اما قطعاً شاگردان فاضل آقایانی است، با توجه به استقلال دلالت این تعلیقه بانداز سویی و کثرت نسخ این تعلیقه (۵ نسخه) و ارزش مقدمه آن ترجیح دارد، آن را بر عدد رسائل فلسفی، حکیم و سیسی به شمار آوریم. والامر سهل.

امار ساله سبيل الرشاد فى انبات المعاد، ابتداع تعليقه اى در حدود ۴ صفحه بوده است که  
دالله متن او ليه آن به خط مصنف در نسخه اول (ن) در دست است. مابين متن او ليه ايد عنوان  
۱۶۳۳ در تعلیقات الاسفار آورده ايم. آقاعلى سپس این تعلیقه را بسط داده و به صورت  
الذه فصلی در آورده است. در اغاز آن در توضیح این گسترش آمده است «هذه تعلیقة من  
ما ذكرت على مباحث المعاد من الاسفار الاربعة لصدر الحكماء والتألهين قدس سره افرزتها او  
رسالة مختصرة مخصوصة بانبات المعاد الجسماني بالبرهان العقلی حسب القواعد. النها  
ذهها الحكماء الاهيون المحققون قدسوا اسرارهم اجلالا للتماس بعض اخوان الدين وسميت  
الرشادى انبات المعاد». آقاعلى در ساله خود نوشته سرگذشت لیز از آن به عنوان در ساله  
ماي باد کرده است. بنابراین نقل آن در ضمن رسائل فلسفی حکیم و موسس و جیه است.

در مجموع از این پانزده نسخه، ۱۷۲ تعلیقه از آفایلی مدرس طهرانی فراهم آمده است. اکثر این تعلیفات را از چهار نسخه اصل به خط آفایلی نقل کرده‌ایم، و تنها کمتر از

بسیار نزدیک است و گاه‌هایی در عبارت نیز بکی است. از آنجا که این تعلیقه علیرغم حجم زیادش فاقد مقدمه یک رساله از طرف افاعی باشگر دان وی است، بعلاوه در هر دو نسخه خطيّ موجود آن، از آن به تعلیقه اسفار تعبیر شده است، لذا آن را تعلیقات اسفار به حساب اور دیدم نه از رسائل فلسفی آفاعی. به لحاظ استناد فارغ از تصریح کاتب این دو نسخه آن، به لحاظ محتوا این تردیدی در انتساب آن به حکیم موسس در معنی و حتی لفظی نیست. ما این تعلیقه مفصل را به عنوان تعلیقه شماره ۳۹۴ در چهارمین و پاعلام اختصاری (ع) یاد کرده‌ایم.

\* نسخه سیزدهم: نسخه خطی شماره ۲۹۱ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، نوشت عنوان تعلیق‌الاسفار، ۱۲ ورق، فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت، این تعلیقه همان تعلیقۀ شماره ۲۹۲ (طریقة الصدیقین) است که از آن با علامت (ق) یاد کردایم. که با نسخه قبایلی مفاوت‌های اندکی دارد که به اختلاف‌های این دو نسخه در پاورقی این تعلیقه اشاره کردایم. خواهد بود. دو نسخه خمینه نیکه است.

\* نسخه چهاردهم: در مجموعه خطی کتابخانه امام جمعه زنجان به گزارش سید اسکوری در کتاب دلیل المحتطوطات (ج ۱، ص ۱۵۴) یکی از تعلیقات اسفار تحت عنوان «اَنَّ النَّفْسَ كُلُّ الْقُوَى» آمده است. این تعلیقه به خط خود آقای علی در نسخه اصل (نسخه اول) آمده است. ضمناً در حاشیه شرح الهدایة الاییریه ملا صدر احباب سنگی سال تهران ۱۳۲۲ از صفحه ۳۸۰ تا ۳۸۲ نیز تعلیقه یادشده ذکر شده است، در آغاز آن آمده است «فی بيان ان النفس كل القوى من الحكم المدرس آقاي عللي المتعلق بالاسفار»، این تعليقه دو صفحه‌های را بشماره ۱۵۰ در تعلیقات اسفار ذکر کرده ایم.<sup>۱</sup>

\*\*\* نسخه پانزدهم: اسفار چاپ حروفی ۱۳۷۸ هجری قمری در قم، در جلد هشتم این چاپ از اسفار مجموعاً سی و سه حاشیه بر اوائل سفر نفس اسفار با اهضای «م» (آقاعلی) مرسو درج شده است که بیست و هفت حاشیه آن در نسخه اول (ن) به چشم می خورد. اما حاشیه اول آن در هیچیک از نسخ خطی اسفار از جمله نسخ اصل دیده نشد. من اینسانه

۳- از این میان سه طبقه کنترل برای این فرآیند مخصوصاً باید داشت و همچنان که در اینجا نشان داده شد، میتوان این سه طبقه را با توجه به اینکه در آنها کدام پارامترها مورد بررسی قرار می‌گیرند، به این ترتیب نامید.

دان. بکویم این مجموعه، همه تعلیقاتی است که من یافتم. اما با توضیحاتی که از بعضی اسناد معاصر نقل شد، ظاهر تعلیقات حکیم موسس می‌باید بیش از این باشد. به نقل استاد زن زاده علامه طباطبائی نقل کردیم که تعلیقات آقای اعلیٰ یاک و نیم برابر تا برابر متن اسفار است<sup>۱</sup>. حال آنکه تعلیقاتی که من گردآورده‌ام حدود ربع متن اسفار است. بعلاوه نسخه‌ساتی که از استاد آشتیانی درباره نقل قول آقای اعلیٰ از شیخ مهدی اصفهانی و سیدهادی سبیلی گزارش کردیم<sup>۲</sup> یا این نکته که «در تعلیقات جواهر و اعراض هر عبارتی که در حل سکلات عبارات مدخلیت داشته از جمله کتب ملاصدرا و این سینا و دیگران استفاده شود»<sup>۳</sup> یا حواشی آقای اعلیٰ بر قسمت نفس اسفار مفصل است و شاید تمام آن حواشی بیش از دلایل کتاب نفس [اسفار] است<sup>۴</sup> هیچیک بر تعلیقاتی که از آقای اعلیٰ گردآورده‌ایم تطبیق نمی‌کند. تعلیقات جواهر و اعراض آقای اعلیٰ بسیار مختصر و در حدیکی دو صفحه بیشتر از این که غالباً در مقام توضیح متن است، تعلیقات نفس بدست آمده نیز به لحاظ حجم بسیار اسرار از آن است که تصور می‌شد، بعلاوه بخش قابل توجهی از آن به نقل مستقیم تفسیر صافی امام صافی یافته بی آنکه در برخی مواضع نظر حکیم مؤسس به آن اضافه شود. بعلاوه به این ادل استاد آشتیانی که «آقای اعلیٰ به یکی از تلامیذ خود شیخ محمد رشتی دستور داد که محمد و عده این حواشی را بصورت یک کتاب مستقل در آوردو میرزا الحمد آشتیانی نیز صفحات سطور اسفر را که این تعلیقات ناظر بر آن وارد است مشخص فرموده‌اند، متأسفانه بسیاری از اوراق این مجموعه مفقود گردیده است»<sup>۵</sup> باید بیفزایم که مناسبانه هیچیک از اوراق این حکیم موسس است.

<sup>۱</sup> ای. طایب بر الساد حسن زاده در زمستان ۱۳۷۶ به را قم این سطور ابراز داشتند.

<sup>۲</sup> ایاد آشتیانی، مقدمه اول راجایه ملاعبدالله مدرس زنجزی، ص ۲۱-۲۰.

<sup>۳</sup> ایمان، معجمه اول رجلیه ص ۲۱-۲۰.

<sup>۴</sup> ایمان، معجمه البدار و المعاد ص ۵۲.

<sup>۵</sup> ایمان، معجمه اول راجایه ص ۲۱.

پاک دهم این تعلیقات اختصاصاً بازده نسخه دیگر نقل شده است. لازم به ذکر است که از بازده نسخه یادشده چهار نسخه به خط حکیم موسس است و نسخه اصل محسوب می‌شود که از میان آنها سه نسخه اول به لحاظ کثر تعلیقات، اکثر تعلیقات را شامل می‌شود، پنج نسخه ای اکثر و ح نسخ درجه دوم محسوب می‌شود که در اکثر تعلیقات‌شان با نسخ اصل مشترکند و همانگونه که گذشت تنها کمتر از یک دهم تعلیقات اختصاصی این نسخه هستند. نسخ دهم و بازدهم لرائه کننده تعلیقه علت و معلول هستند که در ضمن نخستین نسخه اصل به خط حکیم موسس آمده است. در نسخ دوازدهم و سیزدهم منحصر اً تعلیقه فی طریفه الصدیقین آمده است. نسخه چهاردهم (تعلیقه ان النفس کل القوى) در نخستین نسخه اصل به خط آقای اعلیٰ آمده است. تنها از نسخه پانزدهم که بیش از شش تعلیقه اختصاصی را شامل نمی‌شود با او اسطله و نه مستقیماً نقل مطلب کردایم. لذا درباره انتساب این تعلیقات به آقای اعلیٰ مدرس طهرانی می‌توان گفت:

۱- در تعلیقات نقل شده از چهار نسخه اول که به خط حکیم موسس است و بیش از ۶۰ تعلیقات این مجموعه را تشکیل می‌دهد از حیث انتساب به آقای اعلیٰ هیچ بحثی نیست.

۲- تعلیقاتی که از دیگر نسخ- حداقل از دو نسخه غیر اصلی نقل شده است. به احتمال قریب به یقین متعلق به آقای اعلیٰ است.

۳- تعلیقاتی که تنها از یک نسخه غیر اصلی نقل شده است، به احتمال قوی متعلق به حکیم موسس است.

۴- ما تعلیقاتی که کمترین تردیدی در انتساب آن به آقای اعلیٰ روابود، در این مجموعه نهل نکرده‌ایم. ترجیح دایم بعضی حواشی مظنون را نقل نکنیم، اما حواشی دیگران را به سرای ذاکر تعلیقات حکیم موسس اذن و رو دنده‌یم. لذا مسئله صحت انتساب و استناد تعلیقات به آقای اعلیٰ مدرس، دغدغه اول را قم این سطور بوده است، و تا اطمینان از انتساب تعلیقات ای راحیه‌ای را به آقای اعلیٰ نسبت نداده‌ایم.

## ۶- آیا این تعلیقات همه تعلیقات آقای اعلیٰ بر اسفر است؟

اما آیا این مجموعه، همه تعلیقات حکیم موسس بر اسفر را شامل می‌شود؟ در ناسخ

## ۷- کارهای انجام گرفته در تعلیقات الاسفار حکیم مؤسس

آنچه در جلد اول مجموعه مصنفات آقانعلی مدرس طهرانی انجام گرفته است به این فراز است:

۱- احرار استناد تعلیقات نقل شده به حکیم موسس. در انتهای هر تعلیقه علامت اختصاری نسخه یا نسخی که تعلیقه از آن نقل شده است ذکر شده است، اگر نسخه شماره صفحه دارد، بعد از ذکر علامت اختصاری به شماره صفحه نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است که نسخه‌های اول (ن)، پنجم (ف)، ششم (ی)، هشتم (ش) شماره صفحه واحدی دارند. زیرا همگی حاشیه خطی بر چاپ سنگی اسفار ۱۲۸۲ تهران هستند. هر چند در نسخه اول (ن) از حدود صفحه صد به بعد شماره صفحات درج نشده است. در نسخه دوم (م) نیز برای دقت بیشتر به جای ذکر شماره ورق در اصل نسخه، شماره صفحه ذکر گردیده است. در نسخه اول (ن) بعضی تعلیقات بسیار کوتاه (چند کلمه‌ای) در توضیح معنای لغات بدون اهمای مالوف آقانعلی آمده است که با توجه به این که دیگر تعلیقات این نسخه دارای امضای مشخص آقانعلی بود، از ذکر آنها خودداری شد. اما در این نسخه اگر تعلیقدای علمی (له) صرف‌آذکر معنای لغات) با خط آقانعلی و بدون امضای معظم له ذکر شده باشد، با تصریح به نقصان فقدان اهمای، در این مجموعه آورده شده است. این تعلیقات حاوی معنای امام در دیگر نسخ غیر اصلی از قبیل نسخه‌های نسخه‌ف و گاهی نسخه‌ی با امضای آقانعلی ذکر شده که اگر چه به احتمال قوی از قبیل همان تعلیقات بی‌امضای فوق الذکر بوده، اما آنها

در این مجموعه آورده‌ام، چرا که کاتب صریحاً بدآقانعلی نسبت داده است.

۲- مشخص کردن موضعی از اسفار که هر تعلیقه به آن مربوط است با قيد شماره جلد، شماره صفحه، و شماره سطر از اسفار نه جلدی چاپ حروفی ۱۳۸۷ قم. این چاپ را بیشترین چاپ وجود اسفار است و تنها دوره کامل چاپ حروفی اسفار در حال حاضر می‌باشد (ضمناً چاپ تهران و بیروت نیز افسوس همین چاپ می‌باشد). بنابراین برای مثال ۱۲/۱۸۷/۶ یعنی چاپ تهران و بیروت نیز افسوس همین چاپ می‌باشد).

۷- کارهای انجام گرفته در تعلیقات الاسفار حکیم مؤسس

آنچه در جلد اول مجموعه مصنفات آقانعلی مدرس طهرانی انجام گرفته است به این فراز است:

۱- احرار استناد تعلیقات نقل شده به حکیم موسس. در انتهای هر تعلیقه علامت اختصاری نسخه یا نسخی که تعلیقه از آن نقل شده است ذکر شده است، اگر نسخه شماره صفحه دارد، بعد از ذکر علامت اختصاری به شماره صفحه نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است که نسخه‌های اول (ن)، پنجم (ف)، ششم (ی)، هشتم (ش) شماره صفحه واحدی دارند. زیرا همگی حاشیه خطی بر چاپ سنگی اسفار ۱۲۸۲ تهران هستند. هر چند در نسخه اول (ن) از حدود صفحه صد به بعد شماره صفحات درج نشده است. در نسخه دوم (م) نیز برای دقت بیشتر به جای ذکر شماره ورق در اصل نسخه، شماره صفحه ذکر گردیده است. در نسخه اول (ن) بعضی تعلیقات بسیار کوتاه (چند کلمه‌ای) در توضیح معنای لغات بدون اهمای مالوف آقانعلی آمده است که با توجه به این که دیگر تعلیقات این نسخه دارای امضای مشخص آقانعلی بود، از ذکر آنها خودداری شد. اما در این نسخه اگر تعلیقدای علمی (له) صرف‌آذکر معنای لغات) با خط آقانعلی و بدون امضای معظم له ذکر شده باشد، با تصریح به نقصان فقدان اهمای، در این مجموعه آورده شده است. این تعلیقات حاوی معنای امام در دیگر نسخ غیر اصلی از قبیل نسخه‌های نسخه‌ف و گاهی نسخه‌ی با امضای آقانعلی ذکر شده که اگر چه به احتمال قوی از قبیل همان تعلیقات بی‌امضای فوق الذکر بوده، اما آنها

۱- از زیرهای ج ۳، ص ۴۰.

۲- الالی، ج ۱، ص ۵۸، (الالی، ج ۱، ص ۵۸).

۷۰۰، او باطن، اور از رعایت ناسوت ظاهر و نحو باز داشته، لذا گاهی بعضی سهوهای ادبی پیش از آن در بسیاری از مخطوطات دیگر علماء حکمانیز دیده شده، لذا این موارد در حد وسع اسلام سندی آنکه در پاورقی تذکر داده شود، بالین همه اذعان دارم که من تعلیقات نیازمند این اسر ادبی است. اما با توجه به این که مراد حکیم موسس از همین عبارات هم مشخص است... در فلسفه بیش از این راصلاح نداشت، بجز تصرفات تاچیز ادبی، هر کلمه‌ای که به درستی با همتن اضافه شده باعلامت [ ] مشخص شده است.

۷۱۰. متن تعلیقات مورد تحقیق قرار گرفته، مشخصات کلیه آیات و روایات و اکثر آراء از دیگر کتب در پاورقی ارائه شده است. بعضی آرائی که حکیم موسس به آنها استناد نموده، زمرة مخطوطات غیر منتشره است لذا ذکر لشانی دقیق آها میسر نیست. آنچه از این بحث در کتاب نقل شده حتی الامکان با متن اصلی تطبیق و اصلاح شده است.

#### ۸- دسته‌بندی تعلیقات حکیم موسس بر اسفرار

تعلیمات آقایی بر اسفرار به چند دسته قابل تقسیم است:

۸۱۰. دسته اول: تعلیقاتی که متکلف توضیحات عبارتی، اصلاحات لفظی و مانند آن هستند. این تعلیقات غالباً بین سه کلمه تایک سطر هستند، و حدود یک دهم این تعلیقات این‌جا [ ] شوند.

۸۲۰. دسته دوم: تعلیقاتی که متکلف ارائه شواهد و مؤیدات آراء صدر المتألهین از آثار دیگر، حدیث‌آیات و روایات است. تأییدات نقلی مأخوذه از تفسیر صافی به ویژه در اوآخر سفر، فراوان به جسم می‌خورد. حدود یک بیستم این تعلیقات از این قبیلند. واضح است که شهرت و عظمت حکیم موسس ناشی از این دو قسم تعلیقات نیست.

۸۳۰. دسته سوم: تعلیقات توضیحی و تحلیلی. که آقایی در مقام تقریر، تبیین و تشریح این امر، اراده صدر المتألهین و مبانی حکمت متعالیه است. این دسته از تعلیقات که بخش قابل ارزیابی، از معلمات اسفرار تشکیل می‌دهد با حواسی حکیم سبزواری قابل مقایسه است.

۸۴۰. دسته چهارم: تعلیقات انتقادی و ابتکاری. در این دسته از تعلیقات حکیم موسس در این بحث این‌جا اراده صدر المتألهین، ارائه نظر بری نازه از مبانی حکمت متعالیه و احیاناً

حوالی ملا احمد اردکانی و حواسی ملا رضا تبریزی چون حواسی این دو حکیم حتی به صورت جای سنجی نیز منتشر نشده بخشی از این حواسی که در فهم تعلیقه آقایی موردن است از یک سطر تایک صفحه رادر پاورقی نقل کرده‌ایم. حواسی مرحوم ملا احمد اردکانی بسیار مطول و گاهی با اطلاع همراه است. گاهی برای یک تعلیقه یک سطری آقایی مجبور شده‌ایم، حلوود بیست سطر از حواسی ملا احمد رادر پاورقی نقل کنیم. به هر حال نه عدم نقل مطلق این حواسی صحیح بود چرا که تعلیقه آقایی بی معنای شدن نه نقل همه حاشیه میسر، چرا که گاهی پیش از صدیر ابر اصل تعلیقه بود، لذا حد و سطر انتخاب کردیم و تنها اخضع مرتبه به تعلیقه را از حواسی این دو حکیم انتخاب و نقل کردیم. لازم به ذکر است دیگر دویل السبیز واری یا قول الارکانی با قول التبریزی از ماست و حذف القاب تنها به جهت اختصار است والا در متن تعلیقات آقایی از این حکمای الهی با احترام تمام بادی کنیم. هم‌کذا عدم ذکر «قدس سرہ» در قوله قدس سرہ.

۸۵۰. ترتیب و تنظیم تعلیقات آقایی بر اساس شماره مسلسل در کروشه [ ] در دارد آقایی به یک موضوع اسفرار چند تعلیقه متفاوت دارد. تعلیقه متأخر رادر متن آورده‌یم و تعلیقات مقدم را که غالباً مختصرتر است در پاورقی ذکر کردیم و به هر دو شماره واحدی داریم. ضمناً عنوان سفرهای چهارگانه، مراحل، فتوح، مواقف، ابواب، مناهج و فصول اسفرار را اینز در کروشه [ ] ابرای دستیابی بهتر و سریعتر، به تعلیقات افزوده‌ایم.

۸۶۰. در مورد اختلاف نسخ از آنجا که بحمد الله در اکثر تعلیقات از نعمت وجود نسخ اول به خط خود آقایی- بهرمه ندیده‌ایم، دیگر نسخ بر اساس نسخ اصل تصحیح شده و متن مصحح ارائه شد. از اشاره به اختلاف نسخ غیر اصلی با نسخ اصل جز در موارد ضروری به اسنادهای فایدگی بر همیز کرده‌ایم. اما اختلافات احتمالی دونسخه اصلی را به دقت در پاورقی گزارش کرده‌ایم. اختلافات نسخ غیر اصلی با یکدیگر تها در مواردی که مغایر معنی بوده است در پاورقی آورده‌ایم. تذکر این نکدر الازم می‌دانم که بسیاری از اختلاف نسخ ناشی از عدم دقت و گاهی سهو و طبیعی کاتب است، این‌گونه موارد اصلاح شده بدون این که در پاورقی اشاره شود. از آن‌ها من مصحح است نه نهایت به کثیر پاورقی اختلاف نسخ غیر موثر در معنی. ضمناً حکیم موسس بواسطه توغل در معنی به صنایع لفظی کمتر عنایت داشته و سیر در ملکوت

تفسر در این مبانی است، این دسته به لحاظ تعداد از تعلیقات دسته قبل کمتر و بد لحاظ اعتبار ارزشمندترین تعلیقات آقایی هستند.

از زاویه دیگر تعلیقات اسفار بر دو دسته هستند: دسته اول: تعلیقات بر متن اسفار.

دسته دوم: تعلیقات بر حواشی حکیم سبزواری و حواشی حکیم اردکانی و حواشی حکیم شیرازی بر اسفرار. دسته اخیر از تعلیقات غالباً از تعلیقات انتقادی و طریف حکیم مؤسس است. اگرچه میسر بود تعلیقات بر حواشی اسفرار را مستقل از تعلیقات بر اسفرار درج کیم، به لحاظ وحدت مضمون این دو قسم از تعلیقات، اوی تشخیص داده شد که این دو قسم از تعلیقات از هم تفکیک نشود، بویژه که در هر دو نسخه از تعلیقات بر حواشی، تعلیقات بر متن اسفار نیز به جسمی خود و عملانه تفکیک آنها از هم صلاح نبود، بهر حال امر سهل.

تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی در تعلیقات اسفار بحثی مستقل و مفصل است که از حوصله این مقدمه بیرون است و در کتابی مستقل همراه با تحلیل دیگر آراء ابتکاری آقایی در دیگر آثارش پس از انتشار مجموعه مصنفات حکیم مؤسس منتشر خواهد شد، ان شاء الله.

لازم به ذکر است که بخشی از تعلیقات اسفار آقایی قبل از تصحیح و تحقیق نگارنده در فصلنامه نامه مفید منتشر شده است (شماره های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳۷۶، قم) که بدینوسیله از همکاری مسئولان محترم آن نشریه تشکر می کنم. کارکنان محترم انتشارات اطلاعات در حروف چینی تعلیقات اسفار را حمیت فراوانی متحمل شدند، بویژه که بعداز حروف چینی اویله بر اساس سیزده نسخه دو نسخه جدید از تعلیقات حکیم مؤسس (نسخه لک) بدست آمد و حروف چینی این جلد عملاً تجدید شد. از این عزیزان صمیمانه سپاسگزارم. در تدوین این جلد بویژه از الطاف کریمانه استاد سید جلال الدین آشتیانی و استاد شیخ حسن حسن زاده آمایی بهر گند بوده ام، خداوند بر توفیقات اشان در افاضه حکمت الهی بیفزاید.

در خاتمه از همه خوانندگان بافضل و دوستداران حکمت متعالیه در خواست می شود بدان ذکر کاستی ها، توافق و خطاهای نگارنده و نقد تصحیح و تدوین و تحقیق تعلیقات الاصفار، در تکمیل مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی سهم شوند.

نهران، دی ۱۳۷۷

## تعليق‌ات الاصفار